

الله أكبر
٢



دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

گروه مدیریت ورزشی

مقایسه سطوح مسئولیت پذیری (تعهد درونی و تعهد بیرونی) دانش آموزان ورزشکار

و غیر ورزشکار دختر و پسر مقطع متوسطه دوم شهر ساری

آقاسی کلاشی

استاد راهنما:

دکتر رضا اندام

استاد مشاور:

دکتر هادی باقری

شهریورماه ۱۳۹۵

با احترام تقدیم به:
تمام آزاد مردانی که نیک می‌اندیشیدند و عقل و منطق را پیشه خود نموده
و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه هدفی ندارند.
تقدیم به:

استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پرمهر پدرم و غمگسار جاودانی و چشمه
سار مهربانی، مادرم.
تقدیم به همسرم:
که نشانه لطف الهی در زندگی من است، او که اسوه صبر و تحمل بوده و
مشکلات مسیر را برایم تسهیل نمود.
و تقدیم به دل‌بندم کیارش:
امید بخش جانم که آسایش او آرامش من است
باشد که حاصل تلاشم، نسیم گونه غبار خستگی‌تان را بزدايد.

منت خدای را عزوجل، سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

از استاد با کمالات و فرهیخته؛ جناب آقای دکتر رضا اندام که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی و با قلبی بزرگ، در تمامی مراحل تدوین پایان نامه با شکیبایی و علاقه مندی، راهنمایی‌های ارزشمندشان را دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛

از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر هادی باقری که زحمت مشاوره این پایان نامه را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، پیمودن این مسیر دشوار میسر نبود و از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند.

و از استاد ان شایسته، دلسوز و صبور؛ جناب آقای دکتر حسن بحر العلوم و جناب آقای دکتر سیدرضا حسینی‌نیا که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

چکیده

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اجتماعی دانش‌آموزان، رشد مسئولیت‌پذیری آنهاست. مسئولیت‌پذیری یعنی الزام و تعهد درونی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی است که بر عهده او گذاشته شده است. از این رو هدف از پژوهش حاضر، مقایسه سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار دختر و پسر مقطع متوسطه دوم شهر ساری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع تحصیلی متوسطه دوم مدارس دولتی شهر ساری (۱۱۲۲۷ نفر) در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل دادند. نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر برآورد شد که با احتمال افت نمونه پژوهش، تعداد ۴۲۵ نفر دانش‌آموز (۱۷۰ نفر ورزشکار و ۲۵۵ نفر غیر ورزشکار) به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، که تعداد ۳۸۷ پرسشنامه قابل استفاده بوده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. ابزار پژوهش، پرسشنامه استاندارد مسئولیت‌پذیری کردلو (۱۳۹۳) بوده است که برای بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در دو سطح تعهد درونی (فردی) و تعهد بیرونی (اجتماعی) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی ابزار تحقیق، با استفاده از نظرات افراد صاحب‌نظر و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. پایایی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ($\alpha = 0/75$)، در سطح تعهد درونی ($\alpha = 0/70$) و در تعهد بیرونی ($\alpha = 0/71$) با روش آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون t مستقل، یومن ویتنی در سطح معناداری $p \leq 0/05$ تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و دانش‌آموزان غیرورزشکار تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($t=3/059$). همچنین، در سطح تعهد درونی، تفاوت بین نمرات دانش‌آموزان ورزشکار با غیرورزشکار معنی‌دار بود ($z=-3/073$)؛ اما در سطح تعهد بیرونی، تفاوت بین دو گروه معنادار نبود ($z=-1/937$). از طرف دیگر، بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر نیز تفاوت معنی‌دار بود ($t=1/984$). پسران در سطح تعهد درونی بالاتر از دختران بودند ($z=-3/854$)، اما در تعهد بیرونی تفاوت بین دو گروه معنادار نبود ($z=-0/333$). همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین میزان مسئولیت‌پذیری پسران ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معناداری وجود ندارد ($t=0/605$). در بررسی میزان مسئولیت‌پذیری دختران ورزشکار و غیرورزشکار، یافته‌های تحقیق نشان دادند که بین نمرات دو گروه تفاوت معنی‌دار و دختران ورزشکار بالاتر از غیر ورزشکار بودند ($t=3/683$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند عامل مهمی در رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نوجوان در فعالیت‌های مدرسه و خانه باشد. بنابراین، لازم است شرایطی فراهم شود که دانش‌آموزان نوجوان بتوانند در فعالیت‌های ورزشی مدرسه و اجتماع حضور یابند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری، تعهد درونی، تعهد بیرونی، ورزشکار، غیرورزشکار

فهرست مطالب

فصل اول.....	۱
طرح تحقیق.....	۱
۱-۱ مقدمه.....	۲
۲-۱ بیان مسئله.....	۳
۳-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۷
۴-۱ اهداف پژوهش.....	۱۱
۱-۴-۱ هدف کلی.....	۱۱
۲-۴-۱ اهداف اختصاصی.....	۱۱
۵-۱ فرضیه‌های پژوهش.....	۱۲
۶-۱ پیش‌فرض‌های پژوهش.....	۱۲
۷-۱ محدودیت‌های پژوهش.....	۱۳
۱-۷-۱ محدودیت‌های کنترل شده.....	۱۳
۲-۷-۱ محدودیت‌های غیرقابل کنترل.....	۱۳
۸-۱ تعریف واژه‌ها و اصطلاحات پژوهش.....	۱۴
فصل دوم.....	۱۷
مبانی نظری و پیشینه پژوهش.....	۱۷
۱-۲ مقدمه.....	۱۸
۲-۲ مفهوم مسئولیت.....	۱۸
۳-۲ مفهوم مسئولیت‌پذیری.....	۱۹
۴-۲ انواع مسئولیت‌پذیری.....	۲۲
۵-۲ تعهد.....	۲۳
۱-۵-۲ تعهد درونی.....	۲۴
۲-۵-۲ تعهد بیرونی.....	۲۴
۶-۲ اهمیت مسئولیت‌پذیری.....	۲۵
۷-۲ اهمیت دوران نوجوانی.....	۲۸

۲۹.....	۸-۲ اهمیت مسئولیت‌پذیری در دوران نوجوانی
۳۱.....	۹-۲ مسئولیت‌پذیری در بستر رشد اجتماعی
۳۲.....	۱۰-۲ عوامل اثرگذار بر مسئولیت‌پذیری
۳۲.....	۱-۱۰-۲ نهاد خانواده
۳۵.....	۲-۱۰-۲ نهاد مدرسه
۳۷.....	۳-۱۰-۲ نهاد جامعه
۳۸.....	۱۱-۲ مسئولیت‌پذیری و جنسیت
۳۹.....	۱۲-۲ مسئولیت‌پذیری در بستر رشد اخلاقی
۴۲.....	۱۳-۲ ورزش و رشد اخلاقی- اجتماعی
۴۵.....	۱۴-۲ تربیت‌بدنی در مدارس و رشد اخلاقی- اجتماعی
۵۱.....	۱۵-۲ پیشینه پژوهش
۵۱.....	۱-۱۵-۲ پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور
۵۵.....	۲-۱۵-۲ پژوهش‌های انجام شده در خارج کشور
۵۷.....	۱۶-۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۹.....	فصل سوم
۵۹.....	روش‌شناسی پژوهش
۶۰.....	۱-۳ مقدمه
۶۰.....	۲-۳ نوع پژوهش
۶۰.....	۳-۳ جامعه آماری پژوهش
۶۱.....	۴-۳ نمونه آماری پژوهش
۶۲.....	۵-۳ ابزار پژوهش
۶۲.....	۱-۵-۳ پرسشنامه میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان
۶۲.....	۲-۵-۳ پایایی و روایی ابزار پژوهش
۶۵.....	۶-۳ روش توزیع پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها
۶۵.....	۷-۳ روش‌های تحلیل آماری
۶۷.....	فصل چهارم

یافته های پژوهش	۶۷
۱-۴ مقدمه	۶۸
۲-۴ توصیف ویژگیهای فردی آزمودنی ها	۶۸
۳-۴ توصیف یافته های مربوط به متغیرهای پژوهش	۷۰
۴-۴ بررسی فرضیه های پژوهش	۷۱
۱-۴-۴ بررسی چگونگی توزیع داده ها	۷۱
۲-۴-۴ فرضیه اول	۷۲
۳-۴-۴ فرضیه دوم	۷۲
۴-۴-۴ فرضیه سوم	۷۳
۵-۴-۴ فرضیه چهارم	۷۴
۶-۴-۴ فرضیه پنجم	۷۵
۷-۴-۴ فرضیه ششم	۷۶
فصل پنجم	۷۹
بحث و نتیجه گیری	۷۹
۱-۵ مقدمه	۸۰
۲-۵ خلاصه پژوهش	۸۰
۳-۵ بحث و نتیجه گیری	۸۳
۱-۳-۵ مسئولیت پذیری دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار	۸۳
۲-۳-۵ مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار	۸۴
۳-۳-۵ مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر و پسر	۸۶
۴-۳-۵ مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار	۸۷
۵-۳-۵ مسئولیت پذیری دانش آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار	۸۸
۶-۳-۵ مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر	۸۹
۴-۵ پیشنهادها	۹۰
۱-۴-۵ پیشنهادهای کاربردی	۹۰
۲-۴-۵ پیشنهادهای پژوهشی	۹۱

منابع و مآخذ ۹۳

پیوست ها ۱۰۳

فهرست جداول

- جدول (۱-۳) جامعه آماری پژوهش به تفکیک جنسیت و ناحیه آموزشی (مدارس) ۶۰
- جدول (۲-۳) اطلاعات مربوط به نحوه برآورد نمونه و تعداد پرسشنامه‌ها ۶۲
- جدول (۳-۳) شاخص‌های برازش پرسشنامه تعهد بیرونی ۶۳
- جدول (۴-۳) شاخص‌های برازش پرسشنامه تعهد درونی ۶۴
- جدول (۵-۳) میزان پایایی پرسشنامه‌های پژوهش ۶۵
- جدول (۱-۴) شاخص‌های توصیفی جنسیت دانش‌آموزان ۶۸
- جدول (۲-۴) توصیف وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان ۶۹
- جدول (۳-۴) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ۷۱
- جدول (۴-۴) نتایج آزمون فرض نرمال بودن پرسش‌نامه و ابعاد آنها توسط آزمون K-S ۷۱
- جدول (۵-۴) آزمون یومن ویتنی جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار ۷۲
- جدول (۶-۴) آزمون یومن ویتنی جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر ۷۳
- جدول (۷-۴) آزمون یومن ویتنی جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ۷۴
- جدول (۸-۴) آزمون یومن ویتنی جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ۷۵
- جدول (۹-۴) آزمون یومن ویتنی جهت بررسی تعهد درونی و بیرونی بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار ۷۶
- جدول (۱۰-۴): آزمون یومن ویتنی جهت بررسی تعهد درونی و بیرونی بین دانش‌آموزان دختر و پسر ۷۷

فهرست اشکال

- شکل (۱-۳) مدل تأییدی پرسشنامه تعهد بیرونی در حالت ارزش تی یا سطح معناداری ۶۳
- شکل (۲-۳) مدل تأییدی پرسشنامه تعهد درونی در حالت ارزش تی یا سطح معناداری ۶۴
- شکل (۱-۴) توصیف وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان دختر و پسر ۶۹
- شکل (۲-۴) توصیف وضعیت سابقه ورزشی دانش‌آموزان ۷۰

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱ مقدمه

تربیت‌بدنی دارای اهداف شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی است که در تعامل با یکدیگرند و باید در کنار یکدیگر به آنها پرداخته شود (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶). جنبه اجتماعی رشد و آماده کردن دانش‌آموزان برای تعامل با دیگران و همکاری با افراد دیگر مدتهاست که نظر متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (خادمی، ۱۳۸۵). تربیت‌بدنی به طور بالقوه دارای ظرفیت‌های بسیاری برای تعامل دانش‌آموزان با اهداف تربیتی است؛ از این رو، می‌تواند از بهترین روش‌ها یا ابزارهای آموزش عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان باشد (حلاجی، ۱۳۸۹). با این حال، به نظر می‌رسد که در مدارس کشور، در بین سه حیطه آموزش تربیت‌بدنی، این حوزه کمتر مورد توجه واقع شده است. در این حوزه، سه زمینه و مفهوم کاملاً مرتبط به هم وجود دارد که بستر اصلی برای رشد عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان است: (۱) اجتماعی شدن؛ (۲) خودپنداره؛ و (۳) رشد اخلاقی. بر اساس این زمینه‌ها، مدل‌هایی برای رشد فردی و اجتماعی افراد ایجاد شده است که عبارتند از: (۱) مدل آموزش خودپنداره و عزت‌نفس^۱؛ (۲) مدل آموزش اخلاقی^۲؛ (۳) مدل آموزش اجتماعی^۳ (رایت^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر تأکید بر یکی از مدل‌های آموزش اجتماعی یعنی مسئولیت‌پذیری است؛ آموزش اجتماعی با احساس ناتوانی افراد و انزوای آنها میسر نمی‌شود، بلکه به برنامه‌ریزی هدفمند و حضور در فعالیت‌های اجتماعی نیاز دارد. فراگیری مسئولیت‌پذیری^۵ و تعهد در کنار تقویت روحیه همکاری و رقابت، یکی از جنبه‌های بسیار مهم در رشد اجتماعی نوجوانان است (رمضانی‌نژاد و تبریزیان، ۱۳۸۴). دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری است؛ زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و بید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد و یکی از عوامل اصلی که

۱. Self- concept & self-esteem model

۲. Moral education model

۳. Socialization model

۴. Wright

۵. Resibility

می‌تواند به انتخاب نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت‌پذیری آنها در کارهای فردی و اجتماعی است (خواجه نوری، ۱۳۹۳).

خانواده و مدرسه به عنوان نهادهای مهم اجتماعی در رشد مهارت‌های اجتماعی نوجوانان نقش به سزایی را بر عهده دارند (امیرتان و همکاران، ۱۳۸۵). البته، طبق نتایج تحقیق در داخل کشور، نقش مدرسه در ایجاد و رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بسیار تعیین‌کننده‌تر و پررنگ‌تر از نقش خانواده است (کردلو، ۱۳۸۷). فعالیت‌های اجتماعی که دانش‌آموزان در مدرسه انجام می‌دهند و نقش‌هایی که در این فعالیت‌ها بر عهده می‌گیرند، مطمئناً در تحقق این امر مؤثر خواهد بود. در همین راستا، به نظر می‌رسد که فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی، آموزشی و رقابتی مدارس نیز می‌تواند به عنوان بستری برای رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و مهم‌تر از همه مسئولیت‌پذیری آنها محسوب شود. بنابراین، نقش این فعالیت‌ها، به‌ویژه حضور در فعالیت‌های رقابتی مدرسه در میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان درخور توجه و قابل بررسی است. با این هدف، پژوهش حاضر به مطالعه میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار پرداخته است تا به روشن شدن تأثیرات اجتماعی ورزش و نقش آن در این زمینه کمک کند.

۱-۲ بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اجتماعی دانش‌آموزان، رشد مسئولیت‌پذیری آنهاست (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴). گلاس^۱ (۱۹۶۵) انسان مسئولیت‌پذیر را به عنوان انسان سالم معرفی می‌کند. دوره نوجوانی با مسائل خاص، با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت‌نفس و خودپنداره همراه است که سبب کاهش فعالیت‌های طبیعی و تعاملات اجتماعی می‌شود، بنابراین با آموزش مسئولیت‌پذیری به نوجوان می‌توان وی را برای ادامه یک زندگی مطلوب یاری کرد (رمضانی‌دیسفانی، ۱۳۸۰). مسئولیت‌پذیری مفهومی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود بین افراد و فهم آنها باشد (خواجه نوری، ۱۳۹۳). رفعتیان (۱۳۸۵) مسئولیت‌پذیری

^۱ . Glasser

قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد آن را بپذیرد یا رد کند. در فرهنگ لغت‌های مختلف مسئولیت‌پذیری را به گونه‌های متفاوت معنی کرده‌اند: مسئولیت در لغت به معنای آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد و از وظایف و اعمال و رفتار است. مسئولیت یعنی پاسخگویی، پیش‌قدم بودن، توانایی تصمیمات اخلاقی، شایستگی و غیره است. مسئولیت یعنی ضمان، تعهد ضمانت، مواخذه، مواظبت به امری کردن و متعهد و مواظب بودن (فرهادی، ۱۳۸۳). طبقه‌بندی‌های مختلفی از مفهوم مسئولیت‌پذیری انجام گرفته است که عبارتند از: مسئولیت اخلاقی، مسئولیت قانونی، مسئولیت فردی و مسئولیت اجتماعی (سبحانی نژاد و فردانش، ۱۳۷۹). علاوه بر موارد فوق در تعالیم اسلامی نیز مسئولیت به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- مسئولیت در برابر خدا، ۲- مسئولیت در برابر جامعه و ۳- مسئولیت در برابر وجدان (عنایت و تیتکان، ۱۳۹۰).

در این پژوهش مسئولیت‌پذیری در دو سطح تعهد درونی (مسئولیت فردی) و تعهد بیرونی (مسئولیت اجتماعی) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تعهد درونی (مسئولیت فردی): تعهد درونی یعنی التزام فردی، که از درون فرد سرچشمه گرفته و او را نسبت به کارهایی که انجام می‌دهد پاسخگو می‌کند. منظور از تعهد درونی، وجدان کاری یا رضایت قلبی و تعهد و التزام عملی نسبت به وظایفی است که قرار است فرد انجام دهد (بختیاری، ۱۳۷۷). بدلی^۱ (۱۹۸۵) مسئولیت‌پذیری فردی و شخصی به معنای آن است که موجود انسانی پاسخگوی رفتاراش که شامل افکار، انتخاب‌ها، تصمیمات، گفته‌ها و اعمال است، باشد به عبارتی معترف باشد که مسبب رفتارهایش است (عنایت و تیتکان، ۱۳۹۰).

تعهد بیرونی (مسئولیت اجتماعی): تعهد بیرونی یعنی التزام فرد نسبت به جامعه‌ایی که در آن زندگی می‌کند و پاسخگویی در قبال وظایفی که در آن جامعه بر عهده می‌گیرد. این نوع از مسئولیت به جوابگو بودن در قبال جامعه اشاره می‌کند. آموزه‌ای که مدعی است یک موجود اعم از اینکه یک

¹ . Beadley

دولت، یک مؤسسه، یک سازمان و یا یک فرد باشد، به عنوان عضوی از جامعه، در قبال جامعه دارای نوعی مسئولیت و پاسخگویی است (سایت Responsibility HTM). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها و اقدامات اجتماعی خواهد بود که با توجه به ویژگی‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران می‌تواند شامل هفت دسته مسئولیت‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مدنی و زیست محیطی باشد (سبحان نژاد و فردانش، ۱۳۷۹). بنابر نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران، مسئولیت و آموزش مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین وظیفه انسان‌هاست، وظیفه‌ای که از بدو تولد تا مرگ همراه افراد است و هیچ‌گاه جداشدنی نیست (عابدینی، ۱۳۸۶). اجتماعی شدن فرایندی است مستمر که از هنگام تولد شروع و تا پایان عمر ادامه دارد و از این‌رو، ایجاد و پرورش حس مسئولیت‌پذیری از کودک امروز، انسان فردا را می‌سازد (کاظمی، ۱۳۷۵). در واقع، مسئولیت‌پذیری به معنی داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین است (فرهادی، ۱۳۸۳). نتایج پژوهش رایت^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که درک دانش‌آموزان از مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) به طور مثبتی با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی (تعهد بیرونی) و انگیزه درونی آن‌ها رابطه دارد، افرادی که در سطوح بالاتر از مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی قرار داشتند دارای انگیزه درونی بالاتری برای شرکت در فعالیت بدنی بودند.

شرکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی را می‌توان به عنوان عامل مهمی در افزایش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مطرح نمود، در این رابطه فرهادی (۱۳۸۳) در تحقیقی روی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر کرج پی برد که بین عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شرکت‌کننده در شورای دانش‌آموزی و کسانی که شرکت نمی‌کنند، تفاوت معناداری وجود دارد (فرهادی، ۱۳۸۳). نتایج تحقیقات کردلو (۱۳۸۷) نشان داد که رابطه معناداری بین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت‌نفس بالا با مسئولیت‌پذیری است (کردلو، ۱۳۸۷). همچنین می‌توان گفت بین میزان مسئولیت‌پذیری افراد و گرایش به سمت انحرافات اخلاقی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس، (حریری،

1 . Wright

(۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفت که بین نوجوانان دختر و پسر عادی و بزهکار از لحاظ پذیرش مسئولیت تفاوت معناداری وجود دارد.

نقش ورزش و همچنین فعالیت‌های حرکتی مدارس در ایجاد و توسعه مهارت‌های عاطفی-اخلاقی بر کسی پوشیده نیست. امیرتاش و همکاران (۱۳۸۵) به نقل از تیموتی^۱ و همکاران (۱۹۹۸) فعالیت گروهی، ورزشی و فوق‌برنامه مدرسه‌ها را باعث رشد اجتماعی دانش‌آموزان ذکر کردند. در همین زمینه، نتایج تحقیقات خادمی (۱۳۸۵) و امیر تاش (۱۳۸۵) نشان داد که رشد اجتماعی ورزشکاران (پسر) بالاتر از غیر ورزشکاران است. اتقیاء (۱۳۸۴) در نتایج تحقیقات خود بیان کرد که یکی از روش‌های بسیار مفید و مؤثر پیشگیری از بروز انحرافات در بین جوانان، گنجاندن برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی است. همچنین سینگر و سینگر^۲ (۱۹۸۰) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های ورزشی و گروهی باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان از جمله مسئولیت‌پذیری، رشد مهارت‌های حل مسئله، بهبود روابط بین‌فردی و تصمیم‌گیری آنان شده است، بنابراین، ورزش و فعالیت‌های حرکتی بستر و زمینه بسیار مناسبی برای ایجاد و رشد بسیاری از مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی از جمله مسئولیت‌پذیری است، لذا مقایسه مسئولیت‌پذیری ورزشکاران و غیر ورزشکاران درخور توجه خاص و انجام تحقیقات بیشتر است. در واقع از این طریق می‌توان به این سؤال پاسخ داد که با شرکت در ورزش و فعالیت‌های حرکتی دانش‌آموزان در چه سطوحی از مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرند و نقش ورزش و فعالیت‌های حرکتی در ایجاد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (ورزشکار و غیر ورزشکار) چقدر است؟

نتایج پژوهش کردلو (۱۳۸۷) و فرهادی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد، در حالی که نتایج تحقیقات باقری (۱۳۹۰) و نظری‌نفوتی (۱۳۹۱) تفاوت بین میزان مسئولیت‌پذیری را در دو جنسیت نشان می‌دهد. با توجه به این مطالب، نکته بسیار مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که در تمامی تحقیقات انجام شده

^۱ . Timothy

^۲ . Singer & Singer

مسئولیت‌پذیری افراد با روش‌های متفاوت علوم روانشناسی مانند روش واقعیت‌درمانی گلاسرو غیره سنجیده شده است که هیچ‌کدام از آن‌ها به تربیت‌بدنی و فعالیت‌های حرکتی به عنوان عامل جداگانه اثرگذار بر ایجاد و توسعه مسئولیت‌پذیری توجه نکرده‌اند. لذا این نیاز احساس می‌شود که در بررسی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نوجوان، ورزش و شرکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان یکی از عوامل مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال مقایسه میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار است تا نقش ورزش در این زمینه مشخص گردد.

۱-۳ ضرورت و اهمیت پژوهش

جای هیچ تعجیبی نیست که معلمان با مسائل و مشکلات انضباطی و انگیزشی دانش‌آموزان، بیش از گذشته درگیرند. دانش‌آموزان نه تنها از خصوصیات رفتاری یکسانی برخوردار نیستند، بلکه تحت تأثیر رفتار والدین و سایر اعضای خانواده و اجتماع، در مقابل ارزش‌های متفاوتی قرار دارند. امروزه کودکان بسیاری نسبت به قبل با انتخاب‌های بیشتری مواجه‌اند، چنین افزایشی متأثر از برنامه‌های تلویزیونی، انفجار دانش و اطلاعات جدید و روبه‌رو شدن با نظام‌های ارزشی گوناگون است. بنابر آنچه گفته شد، دانش‌آموزان در معرض خطر اختلالات رفتاری و هیجانی مانند بی‌انضباطی، بدزبانی، آسیب زدن به یکدیگر، بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی نسبت به هم هستند (حلاجی، ۱۳۸۹ و هلیسون، ۱۹۸۵). از طرفی سوء رفتار دانش‌آموزان، شایع‌ترین نگرانی هم در میان معلمان تازه‌کار و هم در میان معلمان باتجربه است (عالی، ۱۳۸۷). برای مقابله با رشد این نابسامانی‌ها، دانش‌آموزان به تکامل مفاهیم فردی و اجتماعی نیازمندند (رمضانی‌نژاد و تبریزیان، ۱۳۸۴). به تعبیر وایت^۱ (۱۹۸۵)، میشل^۲ و گیبسون^۳ (۱۹۹۰) در بسیاری از کشورها تجربه‌های رشدی دانش‌آموزان مورد غفلت واقع شده‌اند و حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز مدرسه‌ها از وظایف مهم و خطیری چون رشد اجتماعی دانش‌آموزان و

1 . White
2 . Mitchel
3 . Gibson

عوامل و زمینه‌های مرتبط و مؤثر در شکل‌گیری آن، به ویژه برنامه‌های ورزشی غافل مانده‌اند (به نقل از امیرتاش و همکاران، ۱۳۸۵).

یکی از اساسی‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت هر جامعه پرورش انسان‌هایی متعهد، مسئولیت‌پذیر، نیک‌اندیش و نیک‌خرد و در نهایت انسان متعالی است. برای رسیدن به چنین اهدافی، نظام تعلیم و تربیت باید اهداف آموزشی حیطه عاطفی را مورد توجه قرار دهد (تیموری، ۱۳۸۲). با توجه به این مطالب، ضرورت دارد که به اهداف حیطه عاطفی و همچنین به مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از مؤلفه‌های آن توجه خاص شود و میزان تحقق این اهداف در رفتارهای دانش‌آموزان نیز سنجیده شود. بررسی و مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کمک می‌کند تا جایگاه آن‌ها از نظر دستیابی به این مقوله مهم مشخص شود و در صورت کمبود و نیاز به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر هدایت گردند (نظری‌نفوتی، ۱۳۹۱). همچنین، توجه به اهمیت و ارزش آموزش مسئولیت‌پذیری با اهداف پیشگیرانه و ارتقاء سطح سلامت روان ضروری است. چون فقدان این ویژگی باعث می‌شود فرد در برابر فشارها و استرس‌ها به رفتارهای غیر مؤثر و پرخاشگرانه روی آورد، بنابراین باید مسئولیت‌پذیری، احساس کفایت، توانایی غلبه بر مشکل، افزایش احساس خودارزشمندی (عزت‌نفس)، توانایی برنامه‌ریزی، رفتار هدفمند و متناسب با مشکل را به کودکان و نوجوانان آموزش داد. بنابراین جای شک نیست که از مهم‌ترین غایات، پرورش و ایجاد روح مسئولیت در فرد است، امری که انسان به شرط واجد بودن آن انسان نامیده می‌شود (رفعتیان، ۱۳۸۴).

از آنجا که ورزش یک پدیده چندوجهی انسانی و اجتماعی است و رفتارهای درست و اخلاقی در آن به منزله یک شاخص ارزیابی برای کارآیی تربیتی و فرهنگی ورزش در نظر گرفته شده است. در نتیجه پیوند و رابطه تنگاتنگ ورزش با اخلاق در اکثر مطالعات علمی و فرهنگی تأکید شده است (رمضانی-نژاد، ۱۳۸۶). اطلاعات به دست آمده از ارزیابی سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به وسیله مدل هلیسون نشان‌دهنده این است که نقش ورزش و فعالیت‌های حرکتی در ایجاد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان آشکارتر شده و باید به اهداف حیطه عاطفی بیش از پیش توجه شود (نظری‌نفوتی، ۱۳۹۱).

با وجود این که رشد و توسعه عاطفی - اجتماعی و اخلاقی افراد از مهم ترین اهداف تربیت بدنی است، این اهداف مهم با توجه به مسائل و موضوعات اخیر در عرصه ورزش، نادیده گرفته شده است و به نظر می رسد، نیاز به آموزش مسئولیت پذیری به دست فراموشی سپرده شده باشد. در واقع، بدون توجه کافی به عوامل بی ثباتی فردی و اجتماعی نمی توان به طور رضایت بخش به آموزش تربیت بدنی و فعالیت ورزشی پرداخت. دانش آموزان باید در مقابل آنچه می آموزند، بازنگری نسبت به سبک زندگی و انتخاب دوست و غیره احساس مسئولیت کنند. هم چنین اگر بخواهند در این دنیا که تغییرات بسیار سریع را پشت سر می گذارند به ثبات اجتماعی برسند، نیازمند یادگیری همکاری، حمایت و کمک به دیگران هستند (حلاجی، ۱۳۸۹ و هلیسون^۱، ۱۹۸۵).

از آنجا که آرمان تربیت بدنی رشد و تکامل همه جانبه فرد است و رشد اجتماعی - عاطفی و اخلاقی از اهداف مهم تربیت بدنی و در تعامل مستقیم با اهداف شناختی و روانی - حرکتی تربیت بدنی است، لذا بررسی اینکه دانش آموزان از نظر اهداف اجتماعی و ارزش های اخلاقی در چه سطحی هستند ضروری است؛ زیرا به این وسیله می توان آن ها را برای رشد و توسعه اخلاقی و اجتماعی آماده کرد. در واقع، فقدان این مهارت های اجتماعی و اخلاقی به ویژه مسئولیت پذیری در کلاس تربیت بدنی و هر موقعیت آموزشی و اجتماعی دیگر سبب بروز بسیاری از مسائل و مشکلات رفتاری خواهد شد (هلیسون، ۲۰۱۰).

اهمیت بررسی مسئولیت پذیری نوجوانان به دلیل مطرح بودن آنها به عنوان نیروی کارآمد و آینده ساز جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است (ذکایی، ۱۳۸۶؛ جامعه شناسی جوانان ایران). بنابراین بی - توجهی به مسئولیت پذیری از سوی افراد به عنوان یکی از معضلات جوامع کنونی، خصوصاً در محیط - های شهری محسوب می گردد که این امر می تواند از عوامل متعددی ناشی شود (خوشبین، ۱۳۹۰). عدم مسئولیت پذیری و تعهد نسبت به وظایف شهروندی بخصوص در بین نوجوانان که به عنوان سرمایه های آینده و بالنگیزه جامعه جهت بهبود در روند پیشرفت به شمار می روند، ذهن اندیشمندان

^۱. Hellison

حوزه جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و تعلیم و تربیت را به خود معطوف داشته است. از این‌رو هر یک به نوعی به تلاش برآمده‌اند تا راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه دهند (خوشبین، ۱۳۹۰). از سوی دیگر؛ روند رو به رشد جمعیت نوجوانان در شهرها نیز بخصوص در جوامع جهان سوم و در حال توسعه همچون ایران، ضرورت توجه به آسیب‌شناسی این نسل را بیش از پیش نمایان می‌سازد (خوشبین، ۱۳۹۰).

دوره نوجوانی در مقایسه با سایر دوران زندگی، به دلیل داشتن توانایی فکری و جسمی بالا در آینده نزدیک (دوره جوانی) چنانچه پارسونز مطرح می‌کند، می‌تواند هم برای یک جامعه نظم و پویایی را به ارمغان آورد و هم به بی‌هنجاری و نابسامانی دامن زند. چنانچه به آسیب‌شناسی این نسل اثرگذار توجه شود، بدیهی است که نتیجه و عملکرد نخست را در پی خواهد داشت (خوشبین، ۱۳۹۰). همچنین، می‌توان گفت کوتاهی در مسئولیت‌پذیری و نادیده گرفتن آن از سوی نوجوانان به عنوان قشر عظیمی از آینده‌سازان و شهروندان جامعه به تدریج زمینه را برای جدایی و بیگانه شدن این نسل از اجتماع و ارزش‌های آن مهیا ساخته و در ادامه به شکل آسیب‌های اجتماعی و روانی بروز و ظهور می‌نماید (پاشا و گودرزیان، ۱۳۸۷).

ابراز نگرانی مدیران و مسئولین سازمان‌ها و نهادهای اجرایی نیز در خصوص عدم مسئولیت‌پذیری و تعهد نوجوانان و جوانان نسبت به جامعه و پیشبرد آن خود این گفته را تأیید می‌کند، چراکه؛ خلاء ناشی از عدم پذیرش مسئولیت، از یک‌طرف، هزینه و وقت بیشتری را برای مدیران به منظور تحقق اهداف و کارهای اجرایی در پی خواهد داشت و از طرف دیگر جامعه را آbsتن آسیب‌های اجتماعی و روانی می‌کند. در مقابل؛ شکل‌گیری و رشد آن در افراد جامعه از یکسو موجب ارتقاء قابلیت‌های شناختی خود فرد و از سوی دیگر موجبات شکل‌گیری تعلقات جمعی و به تبع آن توسعه همه جانبه جامعه می‌گردد (خوشبین، ۱۳۹۰).

با توجه به مطالب فوق، درک میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و بررسی اینکه ورزش و فعالیت‌های جسمانی تا چه اندازه در ایجاد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نقش دارند، ضروری است. بر همین

اساس مطالعه روی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار بگذارد؛ بدین ترتیب مسئولان آموزشی و معلمان می‌توانند در تصمیم‌گیری برای تمرکز بر حوزه‌های سه‌گانه اهداف تربیت‌بدنی از این مطالعه علمی و نتایج آن سود جویند.

۱-۴ اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر به دو نوع هدف کلی و اهداف اختصاصی تقسیم می‌شود.

۱-۴-۱ هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر مقایسه مسئولیت‌پذیری (تعهد درونی و تعهد بیرونی) دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ است.

۱-۴-۲ اهداف اختصاصی

- ۱) مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری
- ۲) مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری
- ۳) مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری
- ۴) مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری
- ۵) مقایسه مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری
- ۶) مقایسه مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری

۱-۵ فرضیه‌های پژوهش

(۱) بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

(۲) بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

(۳) بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

(۴) بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

(۵) بین مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

(۶) بین مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

۱-۶ پیش‌فرض‌های پژوهش

به طور کلی سه پیش‌فرض برای این پژوهش در نظر گرفته شد.

۱. ابزار مورد استفاده، شاخص مناسبی برای دستیابی به اهداف پژوهشی است.

۲. آزمودنی‌ها با دقت و صداقت به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

۳. نمونه آماری برگزیده، جوابگوی نیاز پژوهش و بیانگر جامعه آماری است.

۷-۱ محدودیت‌های پژوهش

معمولاً در فرایند پژوهش محدودیت‌های زیادی برای محققین وجود دارد که محقق می‌تواند بعضی از این محدودیت‌ها را کنترل کند، اما تعداد بیشتری از این محدودیت‌ها، تحت کنترل محقق نیستند. بر همین اساس، حدودی که در پژوهش حاضر تحت کنترل محقق بوده و محدودیت‌هایی که کنترل نشده است، به تفکیک بیان می‌شود.

۱-۷-۱ محدودیت‌های کنترل شده

- ۱) این پژوهش در مدارس دولتی شهر ساری و محدود به دانش‌آموزان متوسطه دوم است.
- ۲) پژوهش حاضر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ انجام شده است.
- ۳) ورزشکاران از بین دانش‌آموزانی انتخاب شدند که حداقل یک سال سابقه فعالیت ورزشی به طور مستمر و منظم در باشگاه ورزشی داشتند و در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ نیز همچنان به فعالیت مستمر خود ادامه می‌دادند و حداقل یک بار در مسابقات قهرمانی مدارس شهرستان شرکت کرده بودند. همچنین، گروه غیر ورزشکار از دانش‌آموزانی انتخاب شدند که فعالیت منظم و مستمر ورزشی نداشته باشند.
- ۴) در این پژوهش فقط از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد.

۲-۷-۱ محدودیت‌های غیرقابل کنترل

- ۱) دانش‌آموزان با خصوصیات فردی، خانوادگی، اقتصادی متفاوت برای پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند که این ویژگی‌ها و عوامل متفاوت در پژوهش حاضر بررسی نشده است.
- ۲) دانش‌آموزان ورزشکار از رشته‌های مختلف ورزشی (اعم از انفرادی و اجتماعی) در این پژوهش شرکت داشتند که این عوامل و شرایط متفاوت مؤثر در زمینه فعالیت‌های ورزشی آنان در پژوهش حاضر بررسی نشده است.

۸-۱ تعریف واژه‌ها و اصطلاحات پژوهش

مسئولیت‌پذیری^۱:

مسئولیت‌پذیری الزام و تعهد درونی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی است که بر عهده او گذاشته شده است (ایمان و مرادی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، مسئولیت‌پذیری در دو سطح مسئولیت-پذیری فردی (تعهد درونی) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (تعهد بیرونی) از دیدگاه دانش‌آموزان اندازه‌گیری شد که بدین منظور، از پرسشنامه‌ای ۲۲ سؤالی مشتمل بر ۱۱ سؤال برای هر کدام از سطوح مذکور استفاده شد.

تعهد^۲:

تعهد به معنای وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن، است. به عبارت دیگر، فرد متعهد خود را موظف می‌داند که تکلیفی را انجام دهد، نه اینکه فردی دیگر او را وادار به انجام آن کند (بنی‌اسدی، ۱۳۹۴).

تعهد درونی^۳ یا مسئولیت‌پذیری فردی:

تعهد درونی نوعی جدیت و انرژی درونی است که افراد را در برابر تغییر شرایط یا چالش‌های موجود، به تلاش و می‌دارد و توان او را در جهت هدف مورد نظرش به کار می‌گیرد. فرد خودش را از درون، ملزم به تلاش می‌کند و برای آن الزام خارجی ندارد (دونان^۴ و همکاران، ۲۰۰۴). در واقع، افراد به خاطر دلایل و انگیزه‌های شخصی به یک پروژه، فرد و یا برنامه خاصی پایبند هستند (کریس^۵ آرجریس، ۲۰۰۰).

^۱. Responsibility

^۲. Commitment

^۳. Internal commitment

^۴. Donavan

^۵. Chris Arjyris

تعهد بیرونی^۱ یا مسئولیت‌پذیری اجتماعی:

نوعی اشتیاق شدید و همیت برای انجام کار است که برای آن الزام بیرونی ایجاد می‌شود و دیگران نیز در آن سهیم‌اند (مارچ^۲، ۲۰۱۱؛ کارنوی^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع، تعهد بیرونی نوعی مکانیزم برای حفظ موجودیت و بقا در جامعه است و شکلی از رفتار سازگار یافته به حساب می‌آید که به افراد اجازه می‌دهد خود را با محیط‌های پیرامون‌شان سازگار کنند (کریس آرجریس، ۲۰۰۰).

دانش‌آموز ورزشکار

منظور از دانش‌آموز ورزشکار، دانش‌آموزی است که عضو یکی از تیم‌های ورزشی (انفرادی یا اجتماعی) آموزشگاهی شهر ساری باشد و در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ نیز به این فعالیت مستمر خود ادامه داده باشد و حداقل یک‌بار در مسابقات قهرمانی مدارس شهرستان شرکت کرده باشد. وضعیت ورزشکار بودن افراد از طریق ۷ سؤال ابتدایی پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی فرد (سؤال ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷) مشخص شده است.

دانش‌آموز غیر ورزشکار

در پژوهش حاضر، دانش‌آموز غیر ورزشکار به دانش‌آموزی گفته می‌شود که نه تنها در هیچ یک از رشته‌های ورزشی فعالیت منظم و مستمر نداشته، بلکه در هیچ سطح از مسابقات ورزشی سابقه شرکت نداشته است.

^۱ . External commitment

^۲ . March

^۳ . Carnoy

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱ مقدمه

هدف اصلی از این بخش، شناخت مجموعه نظریه‌ها و مطالعاتی است که در ارتباط با موضوع موردبررسی وجود دارند و محقق نیز از مطالعات آنها در راستای مشخص کردن فرضیه‌ها و متغیرهایش بهره گیرد. در واقع؛ مبانی نظری اشاره‌ای کلی است به مجموعه نظریه‌هایی که درباره موضوع مورد بررسی مطرح شده‌اند و این نظریه‌ها که در قالب مطالعات مختلف صورت گرفته، می‌تواند کمک شایانی به محقق در جهت شناخت بهتر ابعاد موضوعی نمایند. از این رو در این قسمت نیز به بیان دیدگاه‌ها و تئوری‌هایی که در ارتباط با موضوع پژوهش مطرح هستند می‌پردازیم.

از آنجائی که مفهوم مسئولیت‌پذیری از مفاهیم کاربردی در مباحث اخلاقی و تربیتی است به مطالبی که در این رابطه وجود دارند نیز اشاره خواهیم کرد، چرا که قبلاً نیز مطرح شد این امر می‌تواند به شناخت ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید. اما قبل از پرداختن به نظریه‌هایی که در این راستا مطرح شده‌اند، در ابتدا تعیین فضای مفهومی و تعریف و تحدید آن جهت روشن شدن بحث لازم می‌نماید.

۲-۲ مفهوم مسئولیت^۱

مسئولیت به عنوان یکی از مفاهیم اخلاقی و تربیتی اشاره به حس وظیفه‌شناسی، پاسخگو بودن و تعهد دارد. اینکه فرد نسبت به نقش، رفتار و کردارش مسئول باشد. در ذیل به تعاریفی که از مسئولیت شده است اشاره می‌شود:

مسئولیت در فرهنگ عمید چنین آمده است که "آنچه که انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد و از وظایف و اعمال و افعال را در برگیرد" (عمید؛ ۶۱۱۲).

مسئولیت در لغت‌نامه دهخدا نیز به عنوان تعهد، ضمانت، مواخذه، متعهد بودن و مواظب بودن آمده است (دهخدا، جلد ۱۴؛ ۲۰۲۱۵).

^۱ . Responsibility

مسئولیت یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود و لذا در آموزش رفتارهای اجتماعی جایگاه جالب توجهی دارد (خواجه‌نوری، ۱۳۹۳).

مسئولیت اشاره دارد به عمل یا حوزه عملی که بخشی از وظیفه کسی است، خواه به عنوان دارنده یک مقام یا به عنوان عامل سیاسی یا اخلاقی باشد و دارای انواع مختلف (سیاسی، اخلاقی و اجتماعی) است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۰۵).

آنچه از این تعاریف برمی‌آید این است که مسئولیت نوعی حس وظیفه‌شناسی، تعهد و الزام درونی است که به نوعی کنترل درونی را در افراد نشان می‌دهد. کنترلی که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بیش از کنترل بیرونی برای برقراری نظم اجتماعی و داشتن جامعه سالم بر آن تأکید می‌کنند.

۲-۳ مفهوم مسئولیت‌پذیری

ناگفته پیداست که مسئولیت و مسئولیت‌پذیری با آزادی قرین است و هر کسی مسئول رفتار و گفته‌هایش است که از آزادی برخوردار باشد. در واقع با افزوده شدن پسوند پذیري، جنبه ارادی بودن مسئولیت را می‌رساند و این آزادی و اختیار عمل است که کنترل درونی را بر کنترل بیرونی - برخاسته از الزام‌ها و مجازات‌های تعیین شده - غالب می‌گرداند (خوشبین، ۱۳۹۰).

مسئولیت‌پذیری مفهومی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود بین افراد و فهم آنها باشد (خواجه‌نوری، ۱۳۹۳).

مسئولیت‌پذیری از ریشه لاتین Respond و به معنی "پاسخ، جواب و واکنش" است (کرالی^۱، ۲۰۰۶). فرهنگ لغت‌های مختلف، واژه مسئولیت‌پذیری را به گونه‌های متفاوت معنی کرده‌اند: مسئولیت در لغت به معنای آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد و از وظایف و اعمال و افعال است. مسئولیت یعنی پاسخگویی، پیش‌قدم بودن، توانایی ادای وظیفه، قابل اعتماد و اتکاء بودن، توانایی برای تصمیمات

¹ . crawly

اخلاقی، شایستگی و غیره است. مسئولیت یعنی ضمان، تعهد ضمانت، مؤاخذه، مواظبت به امری کردن، متعهد و موظف بودن (فرهادی، ۱۳۸۳).

اصطلاح مسئولیت‌پذیری به همان اندازه فراگیر است که هر کسی می‌تواند کاربرد آن را در زمینه‌های مختلف مشاهده کند. در کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و تلویزیون درباره انواع مختلف مسئولیت‌پذیری مثل مسئولیت مالی^۱، مسئولیت قانونی^۲، مسئولیت والدین^۳، مسئولیت کلی و جزئی^۴، مسئولیت مشارکتی^۵، مسئولیت سازمانی^۶ و بی‌مسئولیتی^۷ صحبت می‌شود. گاهی اوقات، مسئولیت‌پذیری به حل مسئله و مشکل اشاره دارد و بعضی مواقع به معنی پذیرفتن نتایج انتخاب‌هایی است که فرد آن‌ها را برمی‌گزیند. فرهنگ لغت لاتین^۸، مسئولیت‌پذیری را جوابگو بودن برای اعمال و تصمیمات خود تعریف می‌کند. بنابراین به طور واضح می‌توان تشخیص داد که وجه اشتراک تمامی این تعاریف، تأکید بر جوابگویی و پاسخگو بودن است (لاند و تانیل^۹، ۲۰۰۵).

تعاریف متعددی از مسئولیت و مسئولیت‌پذیری در ابعاد مختلف ارائه شده است. از نظر شارف^{۱۰} (۱۹۹۶) مسئولیت‌پذیری به معنی متعلق بودن انتخاب‌ها به خودمان و برخورد صادقانه با آزادی است. مسئولیت‌پذیری شامل ملاحظه کردن دیگران و سرزنش نکردن آنان بابت مشکلات شخصی نیز است. رفته‌ایان (۱۳۸۵) مسئولیت‌پذیری را این‌گونه تعریف می‌کند: "قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد آن را بپذیرد و یا رد کند. مسئولیت-پذیری ژن خاصی ندارد و ارثی نیست. گلاسر^{۱۱} (۱۹۶۵) مسئولیت‌پذیری را توانایی فرد برای تأمین نیازهایش تعریف می‌کند و این کار به گونه‌ای صورت می‌گیرد که در عین حال دیگران را از ارضای

۱. Fiscal responsibility

۲. Legal responsibility

۳. Parents responsibility

۴. Full and partial responsibility

۵. Shared responsibility

۶. CSR (corporate social responsibility)

۷. Irresponsibility

۸. Typical dictionary

۹. lund and tannehill

۱۰. Sharf

۱۱. Glasser

نیازهایشان محروم نمی‌کند (جاستیس^۱، ۲۰۰۳). "گروه کار ایالت کالیفرنیا^۲ به منظور تعریف مسئولیت‌پذیری، با عنایت به عزت‌نفس بیان کرد که مسئولیت‌پذیری همان قدردانی از ارزش و اهمیت شخصی و داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین است" (به نقل از فرهادی، ۱۳۸۳). استهیل^۳ (۱۹۹۳) مسئولیت‌پذیری را مراقبت از خود، دیگران و محیط اطراف تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف اجرای وظایف، ادای تعهدات، تلاش برای نمایش بهترین عملکرد فردی و اخلاقی، تلاش برای حمایت و تربیت دیگران نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری است.

هم‌چنین از دیدگاه صاحب‌نظران، مسئولیت‌پذیری از نظر ابعاد رفتاری، شناختی و عاطفی تقسیم‌بندی و مورد توجه واقع شده است (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸؛ سبحانی نژاد و فردانش، ۱۳۷۹). در این رابطه، گلاسز (۱۹۶۵) بیشتر به بعد رفتاری مسئولیت‌پذیری اهمیت می‌دهد و تأکید کمتری بر بعد شناختی و احساسی آن دارد. وی معتقد است که مشکلات انسان‌ها و ناهنجاری‌های آن‌ها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت است، زیرا آن‌ها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس شرایط صحیح و انسان دوستانه ارضا کنند (به نقل از خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸). هم‌چنین الیس^۴ (۱۹۹۸) بر بعد شناختی توجه دارد و مانند گلاسز کمتر بر بعد هیجانی رفتار مسئولانه تأکید کرده است. الیس در دیدگاه منطقی و هیجانی، معتقد است که افراد تندرست می‌توانند مشکلات خود را حل کنند و در عین حال که از حال خود باخبر هستند از حال دیگران نیز آگاه باشند. او معتقد است که رفتار انسان از تفکرات او نشأت می‌گیرد، بنابراین افراد برای داشتن رفتار مسئولانه باید طرز تفکر مثبت و منطقی نسبت به خود، دنیا و سرنوشت داشته باشند. برای اینکه فرد مسئولیت‌پذیر شود باید روی شناخت او در این زمینه کار شود". در صورتی که زایونک^۵ (۱۹۸۰) استدلال کرده است که اشتباه است فکر کنیم عاطفه به طور خاص و بعد از ایجاد شناخت، پدید می‌آید و تغییر شناخت موجب تغییر عاطفه

^۱ . Justice

^۲ . California task force

^۳ . Stiehl

^۴ . Ellis

^۵ . Zajonc

می‌شود، زیرا عاطفه تا حدودی مستقل از شناخت است" (به نقل از خدابخشی وعابدی، ۱۳۸۸). در واقع تأکید او بر بعد عاطفی مسئولیت‌پذیری است.

۲-۴ انواع مسئولیت‌پذیری

طبقه‌بندی‌های متفاوت و مختلفی از مفهوم مسئولیت‌پذیری در زمینه‌های گوناگون صورت گرفته است (سبحانی‌نژاد و فردانش، ۱۳۷۹؛ گوردون^۱، ۲۰۰۷). به طور کلی، مهم‌ترین انواع مسئولیت‌پذیری عبارتند از:

۱) مسئولیت اخلاقی^۲: هر فردی به طور عادلانه و منصفانه در قبال افراد یا چیزهایی مسئول است. بخاطر آنکه افراد معتقدند که انجام آن (مسئولیت) درست است و از نظر اخلاقی مسئول‌اند؛ چرا که اگر آن مسئولیت‌ها را نادیده بگیرند، در اشتباه‌اند. این مسئولیت‌ها از قبیل احترام به دیگران، حمایت، کمک و حفاظت از دیگران حتی از موجودات زنده و محیط اطراف مانند محیط‌زیست است. در واقع، مسئولیت اخلاقی به معنی مسئولیت در قبال انجام کار درست و انجام ندادن کار غلط است (سایت Responsibility HTM).

۲) مسئولیت قانونی^۳: این مسئولیت در قبال تأیید و اجرای قوانین و احکام جامعه، دولت و کشور به وجود آمده‌اند و اگر به برخی از این مسئولیت‌ها عمل نشود خلاف قانون خواهد بود. انواع مختلف مسئولیت قانونی وجود دارد، برخی از قوانین در یک کشور خاصی اعمال می‌شوند و اجرای این قوانین برای تمامی افراد، سازمان‌ها و نهادهای جامعه الزامی و اجباری است در حالی که بعضی از آن‌ها بین-المللی هستند (سایت Responsibility HTM؛ لاند و تانیل، ۲۰۰۵).

۳) مسئولیت اجتماعی^۴: این نوع از مسئولیت به جوابگو بودن در قبال جامعه اشاره می‌کند. آموزه‌ای که مدعی است یک موجود اعم از اینکه یک دولت، یک مؤسسه، یک سازمان و یا یک فرد باشد، به عنوان عضوی از جامعه، در قبال جامعه دارای نوعی مسئولیت و پاسخگویی است (سایت

^۱ . Gordon

^۲ . Moral responsibility

^۳ . Legal responsibility

^۴ . Sochal responsibility/Community responsibility

Responsibility HTM). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها و اقدامات اجتماعی خواهد بود که با توجه به ویژگی‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران می‌تواند شامل شش دسته مسئولیت‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مدنی و زیست‌محیطی باشد (سبحانی‌نژاد و فردانش، ۱۳۷۹).

۴) مسئولیت شخصی^۱: هر فردی به طور شخصی بر این باور است که دارای یک سری مسئولیت‌های خاص در قبال چیزهایی است. نه به این دلیل که این مسئولیت‌ها اجباری و قانونی هستند، بلکه به خاطر آنکه فرد احساس می‌کند در قبال خود، خانواده و دوستان که بخشی از زندگی شخصی او هستند مسئول است. بر اساس این تعریف، فرد مسئول کسی است که دارای شخصیت و منش خوب است (سایت Responsibility HTM). "بدلی^۲ (۱۹۸۵) در تعریف مسئولیت‌پذیری معتقد است، مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) به معنای آن است که موجود انسانی پاسخگوی رفتارش که شامل افکار، انتخاب‌ها، تصمیمات، گفته‌ها و اعمال است، باشد به عبارتی معترف باشد که مسبب رفتارهایش است" (به نقل از فرهادی، ۱۳۸۳).

۲-۵ تعهد^۳

تعهد یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن. تعهد در فرهنگ عمید (صفحه ۴۰۵) به معنی کاری را به عهده گرفتن یا عهده‌دار شدن و عهد و پیمان بستن آمده است. بنی‌اسدی در سال ۱۳۹۴ معنی تعهد را چنین آورده است "تعهد به معنی در چارچوب قرار گرفتن است و مانعی برای آزادی افراد نیست بلکه موجب پیشرفت هر فرد در زندگی است". در سطوح بالاتر تعهد یعنی اینکه فرد خود را موظف به انجام تکالیفی می‌داند نه اینکه فردی دیگر او را وادار به تعهد دادن کند (بنی‌اسدی، ۱۳۹۴).

^۱ . Personal responsibility

^۲ . Beadley

^۳ . Commitment

۲-۵-۱ تعهد درونی^۱

تعهد درونی یعنی التزام فردی، که از درون فرد سرچشمه گرفته و او را نسبت به کارهایی که انجام می‌دهد پاسخگو می‌کند. تعهد درونی آن شور و شوق درونی افراد موفق است که از پستی و بلندی‌های تغییر و شکست، گذشته و به حرکت در می‌آیند. وقتی شرایط بر ضد آنان است یا زمانی که شکست می‌خورند، این تعهد درونی است که توان حرکت بعدی را با آنان می‌دهد (دونوان^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). تعهد، انرژی درونی ما را آزاد می‌کند و به ما اجازه می‌دهد تا آن نیرو را برای دستیابی به هدف موردنظرمان، در یک مسیر قرار دهیم. در واقع تعهد درونی آن پیغامی است که بدون امضا ولی با عشق، در جانمان حفظ می‌کنیم (هکستال و ماهونی، ۲۰۱۳)

بدین معنی است که افراد به خاطر دلایل و انگیزه‌های شخصی به یک پروژه خاص، افراد و یا برنامه خاصی پایبند هستند (کریس آرجیس، ۲۰۰۰).

۲-۵-۲ تعهد بیرونی^۳

تعهد بیرونی یعنی التزام فرد نسبت به جامعه‌ایی که در آن زندگی می‌کند و پاسخگویی در قبال وظایفی که در آن جامعه بر عهده می‌گیرد. آن پیغامی است که برای رسیدن به شادی و موفقیت روی کاغذ می‌آوریم دیگران را نیز در آن سهیم می‌کنیم (مارچ^۴، ۲۰۱۱). بررسی‌های متعدد در مورد افرادی که هم در کار و هم در رابطه‌های خود موفق هستند و توانسته‌اند بین هر دو تعامل ایجاد کنند، نشان می‌دهد که آنان دارای تحصیلات، ظاهر، شخصیت و بهره‌هوشی متفاوتی بوده‌اند؛ اما در یک مورد به‌طور تقریبی تفاوتی وجود نداشته است: همه آنان هیجان شدید خاصی دارند؛ چیزی که نام آن تعهد بیرونی می‌باشد. (کارنوی^۵ و همکاران، ۲۰۱۳)

^۱ . Internal Obligation

^۲ . Donovan

^۳ . External Obligation

^۴ . March

^۵ . Carnoy

تعهد بیرونی یک مکانیزم برای حفظ بقاء و موجودیت می‌باشد که از نظر بسیاری از افراد در یک جامعه، شکلی از رفتار سازگار یافته به حساب می‌آید که به افراد اجازه می‌دهد خود را با محیط‌های مختلف اطراف سازگار کنند (کریس آرجیس، ۲۰۰۰).

علاوه بر موارد فوق، در تعالیم اسلامی نیز مسئولیت به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. مسئولیت در برابر خدا، ۲. مسئولیت در برابر جامعه و ۳. مسئولیت در برابر وجدان (فرهادی، ۱۳۸۳).

نکته حائز اهمیت در تمامی این تعاریف و دیدگاه‌ها، بحث در مورد پاسخگو بودن فرد مسئول در قبال پذیرش وظیفه خواسته شده از اوست. هم‌چنین در تمامی آن‌ها به نوعی، مفاهیم مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دیده می‌شود و این دو نوع مسئولیت، اجزاء تفکیک‌ناپذیر در اکثر این تقسیم‌بندی‌ها و دیدگاه‌های مختلف هستند. این موضوع نشان می‌دهد که هر فردی هم در قبال خود و هم در قبال اجتماع (اعم از خانواده، دوستان، سازمان و در نهایت جامعه خود)، دارای نوعی تعهد و مسئولیت می‌باشد.

۲-۶ اهمیت مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری افراد در هر جامعه‌ای، یکی از ارزش‌های آن جامعه و از شاخص‌های مهم سلامت روان محسوب می‌شود. مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی آن را بیاموزد تا با وظایف متعددی که در مراحل مختلف زندگی روبه‌رو می‌شود، مسئولانه برخورد کند (خیر و البرزی، ۱۳۸۲). توجه به نقاط مثبت، تقویت اعتماد به نفس و احساس خودباوری و خودارزشمندی و به ویژه مسئولیت‌پذیری از مهم‌ترین کارهایی است که بزرگان دین و علمای تعلیم و تربیت به آن توجه داشتند (عابدینی، ۱۳۸۶).

مسئولیت‌پذیری یک بخش مهم از رشد شخصیت فرد است (رفعتیان، ۱۳۸۴). شخصیت مجموعه‌ای از صفات هیجانی و رفتاری است که فرد را در زندگی روزمره احاطه و همراهی می‌نماید. الگوهای

شخصیت بستر ساز منش فرد به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر؛ شخصیت، خصوصیات مستمری است که فرد از طریق آنها تعامل و سازگاری خود را با دیگران و محیط اجتماعی تنظیم می‌نماید (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴؛ نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین مسئولیت‌پذیری در تعامل فرد با دیگران نقش اساسی دارد.

"مازلو"^۱ (۲۰۰۱) نیز عنوان می‌کند لازمه احساس تعلق به وجود آمدن احساس امنیت است و لازمه به وجود آمدن عزت‌نفس، به وجود آمدن دو نیاز احساس امنیت و احساس تعلق است و لازمه مسئولیت‌پذیری تأمین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت‌نفس است" (به نقل از کردلو، ۱۳۸۷). بنابراین برای به وجود آمدن احساس مسئولیت‌پذیری، لازم است که بسیاری از ویژگی‌های عاطفی-اجتماعی نیز در فرد تأمین شود.

در این رابطه، تحقیقات نشان دادند که بین هوش، عزت‌نفس و وضعیت اقتصادی-اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان همبستگی چندگانه وجود دارد. بدین معنی اگر دانش‌آموزان هوش، عزت‌نفس و وضعیت اقتصادی بالایی داشته باشند مجموعه آن‌ها با یکدیگر سبب می‌شوند که نسبت به انجام مطلوب وظایف، با جدّیت، وظیفه‌شناس و با احساس تعهد بیشتری اقدام نمایند و در قبال دستیابی به اهداف تعیین‌شده احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). بعلاوه، بین عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری افراد رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی افرادی که عزت‌نفس بالایی دارند بیشتر مسئولیت می‌پذیرند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). هم‌چنین کردلو (۱۳۸۷) نشان داد رابطه معناداری بین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت‌نفس بالا با مسئولیت‌پذیری است. این مطالب نشان از رابطه مسئولیت‌پذیری با بسیاری از ویژگی‌های مثبت روانی-اجتماعی و اهمیت آن در سلامت روانی افراد دارد.

از طرفی بین سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری افراد رابطه معناداری وجود دارد. در این زمینه، نتایج تحقیقات نشان دادند افراد مسئولیت‌پذیر دارای خودپنداره مثبت و سلامت عمومی بالایی بودند.

¹ . Maslow

بعلاوه، نوجوانانی که مسئولیت‌پذیر نبودند از قدرت تصمیم‌گیری، فردیت و خودپنداره مثبتی برخوردار نبودند؛ یعنی خود را کمتر از آنچه بودند ارزیابی می‌کردند و گرایش به بیماری‌های مختلف در آن‌ها زیاد بود و سلامت عمومی پایینی داشتند (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹).

در بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری با عزت‌نفس، افسردگی و رفتارهای پرخطرانه، نتایج پژوهش نشان داد افراد مسئولیت‌پذیر، عزت‌نفس بالایی دارند، کمتر دچار افسردگی می‌شوند و رفتارهای پرخطرانه کمتری از خود نشان می‌دهند. همچنین افراد دارای مسئولیت‌پذیری کم، عزت‌نفس پایین، افسردگی و رفتارهای پرخطرانه و خشونت‌آمیز بالا دارند (حریری، ۱۳۸۶؛ سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی، باید اذعان کرد بین مسئولیت‌پذیری و احساسات مثبتی نظیر همدلی، شادابی، امیدواری، سازگاری عاطفی و روابط اجتماعی که مقیاس سلامت عمومی بودند همبستگی مثبتی وجود دارد. از طرف دیگر، بین مسئولیت‌پذیری و احساسات منفی نظیر ناراحتی، عصبانیت، ارتکاب جرم، شرم، روان‌پریشی و خودانزجاری که مقیاس‌های عدم سلامت عمومی بودند، همبستگی منفی وجود دارد (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳).

مسئولیت‌پذیری اساسی‌ترین شیوه جهت‌دهی به رفتار افراد است چرا که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و یک تعهد درونی برای انجام کارها به نحو مطلوب و با حداکثر توانایی است، در واقع، مسئولیت‌پذیری پیش شرط ایجاد و رشد استقلال فردی است و این امکان را برای فرد فراهم می‌کند که به ادراک نفس و خودشناسی دست یابد (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴). وجود انسان‌های سرد و بی‌تفاوتی که در تمدنی بی‌بندوبار و بی‌هدف غوطه می‌خورند ناشی از تربیتی است که در آن احساس مسئولیت مطرح نبوده است. با اندکی تعمق می‌توان دریافت، علت اساسی بی‌توجهی به دردها و نابسامانی‌ها، عدم نظارت عمومی، وجود تکیه‌گاه‌های فکری خطرناک نیست، بلکه ناشی از بی‌مسئولیتی افراد از مسئولیت و شانه خالی کردن از زیر بار آنهاست. بنابراین امروزه چه بسا افرادی وجود دارند که از خود

سلب مسئولیت می‌کنند، تا از کشمکش‌های ذهنی خود را رهایی بخشند و از قید تلاش‌ها و فعالیت‌های خسته‌کننده، خویش را نجات دهند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹).

۲-۷ اهمیت دوران نوجوانی

دوره نوجوانی و بلوغ به سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود. این دوره از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی است. گاهی اوقات گذشتن از مرز کودکی و رسیدن به قلمرو بلوغ، با نابسامانی‌ها و مشکلات فراوان توأم می‌شود. در این دوره، نوجوان دیگر نه کودک است و نه هنوز به درستی بالغ شده است. وی در مرز بین دو مرحله کودکی و بزرگسالی قرار می‌گیرد و با فشارها و انتظارات خاص هر دوره رو به رو می‌شود. از طرفی دیگر، هویت برای نوجوان یک نیاز روحی است و جزء پنج نیاز اساسی انسان محسوب می‌شود. تأمین این نیاز به روش ناسالم باعث بروز بحران هویت می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی ریشه در بحران هویت دارد و چنانچه ابعاد گوناگون این دوران مهم زندگی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد و نوجوان با آگاهی کامل این دوران را سپری کند، مصونیت وی در برابر آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت و به سهولت "هویت موفق" را احراز خواهد کرد. هویتی که از وی فردی مصمم، دارای استقلال‌رأی، مسئولیت‌پذیر، کوشا و خلاق می‌سازد (برگ، لورای^۱، ۲۰۰۷؛ رضانی‌دیسفانی، ۱۳۸۰؛ ماسن و همکاران، ۲۰۰۷).

بحران هویت، واژه‌ای است که به وسیله اریکسون^۲ (۱۹۵۴)، برای توصیف ناتوانی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد، به کار رفته است. هم‌چنین برخی دیگر از اندیشمندان در توصیف بحران هویت آورده‌اند: "جدی‌ترین بحرانی که یک شخص با آن مواجه می‌شود، در خلال شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد". اگرچه روان‌شناسی رشد به تمام مراحل زندگی انسان از تولد تا مرگ می‌پردازد، اما بر نوجوانی تأکید دارد (برگ، لورای، ۲۰۰۷؛ رضانی‌دیسفانی، ۱۳۸۰؛ ماسن و همکاران، ۲۰۰۵).

^۱ . Berg Laura

^۲ . Erikson

توجه به مطالب یاد شده اهمیت این دوران به عنوان یک مرحله حسّاس که از آن با عنوان دوره گذار یاد می‌کنند، بیش از پیش مشخص می‌شود.

روان‌شناسان معتقدند که نوجوانی دوره تشکیل هویت جنسیتی است که منظور از آن، افزایش کلیشه سازی جنسی نگرش‌ها و رفتارهاست. در واقع تغییرات مربوط به بلوغ فعالیت‌ها و رفتار "متناسب با جنسیت" را در نوجوانی بیشتر از اواسط کودکی ترغیب می‌کند. همچنین نگرانی بیشتر در مورد آنچه دیگران فکر می‌کنند، باعث می‌شود که نوجوانان نسبت به انتظارات کلیشه‌ای جنسی، تأثیرپذیرتر شوند (برگ و لورای، ۲۰۰۷).

۲-۸ اهمیت مسئولیت‌پذیری در دوران نوجوانی

همان‌طور که بیان شد دوره نوجوانی و جوانی دورانی است که در آن بحران هویت، بر سازمان روانی فرد غالب می‌شود، زیرا نوجوان و جوان تشنه هویت خویش است. به جستجوی ارزش‌های گوناگون و گاه متضاد می‌پردازد و آنها را ارزشیابی می‌کند و در نهایت، اساسی از هویت برای وی ایجاد می‌شود. همچنین در بین دوره‌های زندگی هر فرد، دوره نوجوانی شروع آمادگی برای بلوغ با تمام تجلیات آن از جمله استقلال، مسئولیت‌پذیری و انضباط است. بنابراین یکی از نیازهای اساسی و مطرح در این دوران، پذیرش مسئولیت در قبال نقش‌های متعددی است که به آنها سپرده می‌شود. نوجوان در این دوره، در پی دستیابی به مجموع‌هایی از ارزش‌ها و کسب هویت شخصی است که بخش اعظم آن، هویت‌یابی اجتماعی است. کسب هویت اجتماعی شامل پذیرش اجتماعی، عضویت در گروه‌های اجتماعی، کسب مهارت‌های اجتماعی و روابط انسانی است (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳؛ ماسن و همکاران، ۲۰۰۵).

آینده‌نیازمند انسانی مسئولیت‌پذیر است که توانایی انتخاب داشته باشد، کسی که بتواند بر اساس احتیاج خود، نه بر اساس طرح‌ریزی که شخص دیگر برای او کرده است، برنامه‌ریزی کند (رمضانی-دیسفانی، ۱۳۸۰). نتایج تحقیقات سعادت‌شامیر (۱۳۸۳) نشان داد بین مسئولیت‌پذیری جوانان و کسب هویت موفق رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بیان می‌کند که عدم مسئولیت‌پذیری،

سلامت هویت را به خطر می‌اندازد؛ یعنی یا موجب وقفه در رشد هویت می‌شود و فرد دیرتر به بلوغ می‌رسد و یا اینکه شناخت او از زندگی سطحی خواهد بود، در نتیجه آمادگی مقابله با تکالیف پیچیده بزرگسالی در او ایجاد نمی‌شود.

در مطالعه‌ای دیگر روی دانش‌آموزان سرکش و ناسازگار مدارس راهنمایی، افزایش مسئولیت‌پذیری باعث عملکرد تحصیلی بهتر و کاهش بحران هویت و همچنین بروز رفتارهای سازگارانه‌تر شد (رمضانی دیسفانی، ۱۳۸۰). همچنین گلاسر معتقد است که مشکل انسان‌ها و ناهنجاری آنها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت است، زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس شرایط صحیح و انسان دوستانه ارضاء کنند (لاکر^۱، ۲۰۰۰).

از آنجایی که جوامع در حال پیشرفت، نیازمند افرادی مسئول و خودکفا می‌باشند، بنابراین انسان‌های امروز بیش از پیش باید مسئولیت زندگی و سرنوشت خود را بپذیرند و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه مبنای آموزش و پرورش مبتنی بر افزایش درک کودکان و نوجوانان در مورد نقش آنان در ساختن سرنوشت و کیفیت زندگی‌شان باشد و برای رسیدن به این هدف، سعی و کوشش و برنامه‌ریزی دقیق لازم است. آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند که مسئولیت احساس، شناخت و رفتار خود را بپذیرند و همچنین بپذیرند که خودشان مسئول سلامتی، موفقیت، ارتباط با دیگران و ارتباط با محیط هستند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ هلیسون و دونالد، ۱۳۹۰: ترجمه محسن حلاجی).

با توجه به اهمیت مسئولیت‌پذیری، نقش اساسی آن به عنوان یک نیاز حیاتی در دوران نوجوانی، رابطه آن در شکل‌دهی جدی‌ترین نیاز این دوران یعنی هویتی موفق و در نهایت کاهش آسیب‌های روانی-اجتماعی در این دوران، ضرورت توجه و ارزیابی آن در این دوران آشکارتر می‌شود (سروش، ۱۳۹۰).

^۱ . laker

باید اذعان کرد مفهوم مسئولیت‌پذیری شامل هر دو بعد فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) می‌شود و به هر دو جنبه رشد فردی و اجتماعی توجه دارد (سروش، ۱۳۹۰)؛ بنابراین به منظور بررسی علمی دقیق‌تر، می‌توان از نظریه‌های رشد فردی و اجتماعی بهره گرفت. به این منظور باید به رابطه مسئولیت‌پذیری با رشد اجتماعی و رشد اخلاقی برای توجیه جنبه‌های فردی (درونی) و اجتماعی (بیرونی) رفتار مسئولانه توجه شود.

۲-۹ مسئولیت‌پذیری در بستر رشد اجتماعی

انسان دارای سه جنبه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی است که مطلقاً از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و رشد و تکامل هر جنبه بر دیگر جنبه‌ها تأثیر متقابل دارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱). روانشناسان رشد، رشد اجتماعی (بیرونی) را از مهم‌ترین ارکان و ابعاد رشد هر فرد معرفی کرده‌اند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳؛ نریمانی و همکاران، ۱۳۸۵). رشد اجتماعی به معنی نضج فرد در روابط اجتماعی، به طوری که بتواند با افراد جامعه هماهنگ و سازگار باشد. آرمان و هدف نهایی رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان کمک به آن‌ها به منظور دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی در مسیر رشد و کمال شخصیت آدمی است (خادمی، ۱۳۸۵).

"وایتزمن^۱ (۱۹۸۱) معتقد است یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و استقلال است" (به نقل از آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴).

در واقع، هر قدر که فرد از میزان مسئولیت‌پذیری بالاتری برخوردار باشد رشد مهارت‌های اجتماعی او بالاتر است. نتیجه رفتار مسئولانه، مهارت‌هایی است که می‌توانند در روابط آدمی با دیگران نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی به وجود آورند؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری نقش مهمی در روابط اجتماعی افراد دارد (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۵).

مهارت‌های اجتماعی به رفتارهای آموخته‌شده و مقبول جامعه اطلاق می‌شود. رفتارهایی که شخص می‌تواند با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی

^۱. Vitsman

بیانجامد. شخصی که دارای مهارت‌های اجتماعی است می‌تواند به انتخاب و ارائه رفتارهای مناسب در زمان معین دست بزند (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۵). همان‌طور که از تعریف فوق برمی‌آید پاسخگویی نسبت به اعمال و رفتار خود یکی از مؤلفه‌های اساسی در تعریف مهارت‌های اجتماعی هر فرد است که این عامل، یکی از مهم‌ترین ابعاد و عناصر در تعریف مسئولیت‌پذیری است که نشان‌دهنده رابطه بین مسئولیت‌پذیری و خصیصه‌های رشد اجتماعی است. نشانه‌های اساسی رشد اجتماعی را می‌توان در انس و الفت نسبت به دیگران، اعتماد به نفس، پیروی از همسالان، گسترش فعالیت‌های اجتماعی، علاقه به انتقاد و اصلاح، رغبت به یاری دیگران و علاقه به رهبری جستجو کرد (امیرتاش و همکاران، ۱۳۸۵). بسیاری از این ویژگی‌های اجتماعی، مؤلفه‌های اصلی مفهوم مسئولیت‌پذیری هستند. با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود که مسئولیت‌پذیری جایگاه قابل‌توجهی در رشد اجتماعی دارد و ارتباط تنگاتنگی بین این دو مفهوم روانشناسی وجود دارد تا جایی که برخی معتقدند آماده کردن و تربیت افراد برای قبول مسئولیت و پذیرفتن نقش‌های پیچیده و پیشرفته در جامعه، اجتماعی شدن نام دارد (خادمی، ۱۳۸۵).

۲-۱۰ عوامل اثرگذار بر مسئولیت‌پذیری

بچه‌ها احساس مسئولیت را از والدین، مدرسه، دوستان و اجتماع می‌آموزند و با آموختن، این مهارت بارزش را تا آخر عمر حفظ کرده و این امر باعث موفقیت بیشتر آنها در امور زندگی می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). به نقل از آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴، سعادت‌ی شامیر، ۱۳۸۳، توماس و همکاران، ۲۰۰۵ در واقع ارکان اصلی اثرگذار بر مسئولیت‌پذیری عبارتند از:

۲-۱۰-۱ نهاد خانواده

خانواده اولین و مهم‌ترین نقش را در رشد شخصیت و اجتماعی شدن کودک به عهده دارد. در سال‌های آغازین زندگی نقش خانواده از همسالان، مدرسه، رسانه‌های گروهی و عوامل دیگر بیشتر است، اما در دوره نوجوانی که کسب استقلال مشخصه اساسی آن است، نقش محوری خانواده در اجتماعی

شدن (رشد اجتماعی) کم‌رنگ‌تر می‌شود (خادمی، ۱۳۸۵ و کردلو، ۱۳۸۷). نهاد خانواده در زمینه مفهوم مسئولیت‌پذیری نوجوانان دو نقش اساسی به عهده دارد، یکی، شکل‌دهی و آموزش مسئولیت-پذیری در نوجوانان و دیگری ارزیابی و بهبود برای تداوم آن است (کردلو، ۱۳۸۷).

خانواده، نهادی اجتماعی است که در آن رشد اجتماعی و به دنبال آن مسئولیت‌پذیری به صورت واقعی شکل گرفته و نهادینه می‌شود. بدین معنا که خانواده‌ای که در آن به فرزند، آزادی و استقلال کافی برای تصمیم‌گیری در انتخاب‌هایش می‌دهد و به او نقش‌های متعدد مناسب با توانایی‌هایش واگذار می‌کند، در پرورش حسّ مسئولیت‌پذیری در وی نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند (پاشا، ۱۳۸۷). این موضوع به ویژه در سنین نوجوانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا یکی از نیازهای اساسی نوجوان در این دوران، پذیرش نقش و مسئولیت در زندگی است (برگ و لورای، ۲۰۰۷). همچنین این حسّ مسئولیت‌پذیری باید بر پایه ارزش‌های مثبت استوار باشد زیرا احساس مسئولیتی که بر پایه چنین ارزش‌هایی نباشد، می‌تواند ضد اجتماع و ویرانگر باشد (سعادت‌ی شامیر، ۱۳۸۳).

بعلاوه باید اذعان کرد که والدین غیرمسئول نمی‌توانند مسئولیت‌پذیری را به فرزندانشان بیاموزند. گلاس (۱۹۵۶) در این رابطه بیان می‌کند که مشکل انسان‌ها و ناهنجاری آن‌ها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت، به این دلیل است که کسی نبوده که به آنان یاد دهد و یا یاد نگرفته‌اند، زیرا والدین آن‌ها چنین مهارتی را نداشته‌اند (جاستیس، ۲۰۰۳). فرزندان با مشاهده طرز رفتار والدین‌شان، الگوپذیری از آنها و تقویت و تشویق شدن از طرف والدین در قبال رفتار مسئولانه خود، بسیار آسان‌تر عهده‌دار مسئولیت می‌شوند (بابایی، ۱۳۸۸ و پاشا، ۱۳۸۷).

همچنین ساختار فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها در میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان اثرگذار است. در خانواده‌های تک‌والدینی که در آن فرد با یکی از والدینش زندگی می‌کند، روابط عاطفی قوی‌تر والدین با نوجوانان و بالعکس، موجب افزایش مسئولیت‌پذیری آنان می‌شود. در این خانواده‌ها، نوجوانان فرصت کمی برای انجام فعالیت‌های مخرب بیرونی دارند؛ در نتیجه از سلامت عمومی و به دنبال آن توانایی حل مسئله بالایی برخوردارند، بنابراین استقلال بیشتری نسبت به همسالان کسب

می‌کنند. در خانواده‌هایی با وضعیت خوب اقتصادی اما برخوردار از شرایط خانوادگی نامناسب (از لحاظ اخلاقی) و مستعد به بزهکاری، نوجوان در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دیرتر به بلوغ می‌رسند؛ اما خانواده‌هایی که از شرایط اقتصادی نامناسب برخوردارند، در صورتی که فضای خانوادگی آنها تا حدّ زیادی مستعد به بزهکاری نباشد، زودتر به بلوغ اجتماعی می‌رسند و در نتیجه در سنین پایین‌تر به دنبال پذیرش مسئولیت‌های مختلف می‌روند (نظری‌نفوتی، ۱۳۹۱).

هم‌چنین نتایج تحقیقات پاشا (۱۳۷۳)، بابایی (۱۳۸۸)، حاکی از آن است که علاوه بر این موارد، عوامل مهمی چون شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری والدین نیز نقش مهمی در میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان به عهده دارند. ضمناً، تحقیقات عنایت (۱۳۹۰) نشان داد که بین میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان با سطح تحصیلات و شغل والدین، تعداد فرزندان خانواده و رشته تحصیلی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. در واقع آنچه که بسیار مهم‌تر از این عوامل می‌باشد ساختار فرهنگی و ارزش‌های درونی خانواده است (عنایت و تیتکان، ۱۳۹۰؛ بابایی، ۱۳۸۸).

درباره عامل دوم یا نقش ارزیابی باید بیان کرد، رفتارها و عملکردها در خانواده واقعی‌تر از جامعه و مدرسه است. بر این اساس والدین بهتر از هر کسی می‌توانند رفتارهای آنان را ارزیابی و اصلاح کنند. خانواده در زمره گروه‌های غیررسمی است که هدف عمده آن اجتماعی کردن است و به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های گروه نخستین و ایجاد روابط چهره به چهره و صمیمانه بین اعضای خانواده و هم‌چنین برانگیختن تعلقات شدید احساسی و عاطفی، بیشترین تأثیر را در پذیرش و هم‌چنین ارزیابی ارزش‌ها و الگوهای رفتار اجتماعی و به‌ویژه مسئولیت‌پذیری نوجوانان دارد. بر این اساس، چه بسا مفیدتر خواهد بود که در کانون خانواده، مسئولیت‌پذیری فرزندان مورد بازنگری و تقویت قرار گیرد (بابایی، ۱۳۸۸؛ خیر و البرزی، ۱۳۸۲).

هم‌چنین، یکی از نموده‌های عملیاتی رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری این است که نوجوانان به صورت مطلوب و خودجوش از یافته‌های مدرسه در حلّ مشکلات خانواده بهره گیرند. زمانی که دانش‌آموزان به دانش روز و مهارت‌های اجتماعی مجهز شوند، اما از آن در امور خانواده بهره نگیرند، مطلوب

نیست. زمانی می‌توان عملکرد دانش‌آموزان را مطلوب و مفید دانست که آنها دانش‌آموخته شده را در خانواده جاری نمایند. بنابراین لازم است که به میزان کاربرد این مهارت‌ها در خانواده نیز توجه لازم شود (کردلو، ۱۳۸۷). علاوه بر عوامل یاد شده مواردی مانند تک‌فرزند بودن، مسئولیت‌پذیری زود-هنگام، روابط فرزندان در خانواده و غیره در میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان تأثیرگذار است (نظری-نفوتی، ۱۳۹۱).

۲-۱۰-۲ نهاد مدرسه

مدرسه نهادی است که رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در آن پرورش یافته و چکش‌کاری می‌شود (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳). یکی از جنبه‌های توسعه یافتگی دانش‌آموزان این است که در تصمیم‌گیری-های مختلف مربوط به اداره مدرسه مشارکت جدی و فعال داشته باشند. تحقق شعار و آرمان مدرسه-محوری بستگی به درجه و میزان رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد (فرهادی، ۱۳۸۳).

نیومن و همکاران^۱ (۱۹۸۳) معتقدند، مدرسه مکان مطلوبی برای تشویق دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی به شمار می‌رود. مدرسه و انواع برنامه‌های آموزشی آن در زمینه ابعاد گوناگون جسمانی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی به عنوان کانون جمعی می‌تواند بسیاری از نیازهای طبیعی دانش‌آموزان را ارضا کند. آنان دریافتند که مدرسه با انواع فعالیت‌ها و برنامه‌های خود، می‌تواند به رشد اجتماعی دانش‌آموزان، رشد احساس مسئولیت آنان نسبت به یکدیگر، احساس شایستگی، لیاقت، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های حل مسئله کمک کند. مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به دانش‌آموز نقش حیاتی بر عهده دارد. فعالیت‌های مدرسه می‌توانند با کمک برنامه‌هایی چون طراحی و اجرای انواع فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های ورزشی مناسب، انواع متنوعی از

1. Newman et al

زمینه‌های رشد اجتماعی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند (امیرتاش و همکاران، ۱۳۸۵؛ هلیسون، ۲۰۰۳).

در بسیاری از کشورها، برنامه‌های مدارس، رسمی و شدیداً مبتنی بر استانداردهای آموزشی از جمله تکلیف و درس نظری است و به رشد شخصیتی و اجتماعی دانش‌آموزان، زمینه‌های مرتبط و مؤثر در شکل‌گیری آن مانند برنامه‌های ورزشی، توجه چندانی نمی‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ فلچر^۱، ۲۰۰۹). گاریتا و همکاران^۲ (۱۹۹۸) به بررسی فعالیت‌های دانش‌آموزان و شرکت آنها در ورزش‌های گروهی در مدرسه‌های ایتالیا و سوئد پرداختند و نتیجه گرفتند که دانش‌آموزان در طول ورزش‌های گروهی، بخش عمده‌ای از مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را یاد گرفتند و آنها را در زندگی به کار بردند (به نقل از سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳).

یکی از جنبه‌های مهم تعامل دانش‌آموزان که بیانگر رشد مسئولیت‌پذیری است، بازی‌های آنان است. بازی وسیله‌ای برای افزایش فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌رود. بازی می‌تواند وسیله‌ای برای آموزش مهارت‌هایی چون رعایت نوبت، برنده یا بازنده خوب شدن، کار گروهی، تعاون، توجه به جزئیات، پیروی از مقررات، خویشتن‌داری و انواع مهارت‌های حل مسئله باشد. در واقع، بازی نوعی تقلید از زندگی واقعی و وسیله‌ای برای آزمودن حوادث دنیای واقعی است. میزان، نحوه و کیفیت بازی دانش‌آموزان بیانگر رشد مسئولیت‌پذیری آنان است (خادمی، ۱۳۸۵؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳).

هم‌چنین در کلاس درس، امور مختلفی وجود دارد که معلم و دانش‌آموز باید به کمک همدیگر در مورد آنها تصمیم‌گیری نمایند. هر چقدر دانش‌آموزان از رشد اجتماعی کمتری برخوردار باشند، نقش معلم در تصمیم‌گیری پررنگ‌تر شده و تصمیم‌گیری انفرادی بر کلاس درس حاکم می‌شود. تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تدریس، محتوا، نوع و نحوه امتحان، نحوه کلاس‌داری و غیره باید مشارکتی انجام شود که رشد اجتماعی دانش‌آموزان تضمین‌کننده آن است (فرهادی، ۱۳۸۳؛ گلاسر، ۱۹۶۹). "محققان معتقدند مشارکت دانش‌آموزان در تصمیمات و مسئولیت‌پذیری‌های کلاسی فرصت بسیار

1. fletcher

2. Garita et al

عالی را برای کسب تجارب رضایتمندانه و مسئولانه از تأثیرات برنامه‌های کلاسی فراهم می‌کند. سبک آموزشی موفق است که در آن دانش‌آموزان احساس کنند که در یادگیری‌شان سهیم هستند" (به نقل از گوردون، ۲۰۰۷ و فرهادی، ۱۳۸۳). علاوه بر نقش برنامه‌ها و فعالیت‌ها در مدرسه، می‌توان به نقش و معلمان در پرورش حس مسئولیت‌پذیری نوجوانان اشاره کرد (فرهادی، ۱۳۸۳؛ میلر، ۱۹۸۸). در این رابطه، اورتون^۱ (۱۹۹۷) طبق پژوهش خود اظهار کرد معلمان، نقش به‌سزایی در ایجاد فرصت‌ها و شرایطی دارند که نوجوانان بتوانند ضمن داشتن روابط دوستانه و مثبت با دیگران، زندگی سالمی داشته باشند.

در رابطه با اهمیت نقش مدارس باید بیان نمود اگرچه خانواده‌ها در رشد مسئولیت نقش دارند، ولی بسیاری از هنجارها و اصول و قواعد اجتماعی در کلاس‌های درسی یاد گرفته می‌شوند (ایمان و مرادی، ۱۳۹۰). بنابراین نظام آموزشی باید در کنار آموزش‌های رسمی و کلاسیک و برنامه‌ریزی‌شده در زمینه مهارت‌های اجتماعی و چگونگی مشارکت دانش‌آموزان به صورت عملی برنامه‌ریزی نماید. دانش‌آموزان و جوانان وقتی افراد مفیدی هستند که بتوانند مشکلات جامعه را از طریق ایفای درست نقش و پذیرش مسئولیت‌های خود، حل کنند (فرهادی، ۱۳۸۳).

۲-۱۰-۳ نهاد جامعه

مسئولیت‌پذیری به عنوان امری اکتسابی، جزء جدایی‌ناپذیر جامعه مدنی است و نهادهای مختلف در جامعه مانند نهادهای فرهنگی- تربیتی و ورزشی، سازمان‌های آموزشی- تفریحی، نهادهای مذهبی و غیره در آموزش مسئولیت‌پذیری به نوجوانان نقشی حیاتی دارد (سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳). جامعه با تعیین هنجارها و معیارهای مناسب برای تربیت شهروندان شکل‌دهی و پرورش عقاید و استاندارد نمودن رفتار و منش افراد، نقش به‌سزایی در پرورش مسئولیت‌پذیری دارد (نظری‌نفوتی، ۱۳۹۱). فرهنگ رایج در جامعه، شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه نیز می‌تواند به نحوی مسئولیت‌پذیری افراد آن جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (احمدی، ۱۳۹۰).

^۱ . Overton

علاوه بر نقش آموزشی جامعه در زمینه پرورش مسئولیت‌پذیری، نمود عمل مسئولیت‌پذیری نوجوانان نیز در جامعه مشروعیت می‌یابد. رفتار و عملکردهای نوجوانان در امور جامعه و امور شهروندی موجب می‌گردد که آنان خودشان را محک بزنند. همچنین فرصتی فراهم می‌شود تا بهتر بتوانند مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی خود را مورد ارزیابی قرار دهند. جامعه سالم یکی از نهادهایی است که به خوبی و با معیارهای واقعی می‌تواند در مورد رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان در امور مختلف زندگی قضاوت واقعی نموده و راهکارهای مناسبی برای اصلاح آن ارائه نماید (نظری‌نفوتی، ۱۳۹۱).

به طور کلی معیارهایی را که توجه به آنها بیانگر رشد مسئولیت‌پذیری فرد در جامعه است می‌توان از این قبیل اشاره کرد: رعایت نوبت در گرفتن امکانات مختلف، رعایت ادب و نزاکت در برخورد با دیگران، مصون ماندن از انحرافات و بزهکاری‌های اجتماعی، پیروی از مقررات جمعی، آراستن ظاهر مطابق با ارزش‌های مناسب جامعه و داشتن رفتاری متعادل (احمدی، ۱۳۹۰). علاوه بر موارد مهمی که ذکر شد عوامل فرعی دیگری هم وجود دارند که بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان تأثیر گذارند. از میان آن‌ها عامل جنسیت به دلیل اهمیت بیشتر و ارتباط با اهداف پژوهش، توضیح داده شده است.

۲-۱۱ مسئولیت‌پذیری و جنسیت

در مورد رابطه بین مسئولیت‌پذیری و جنسیت، فیشر^۱ (۱۹۹۸) معتقد است میزان مسئولیت‌پذیری در زنان و مردان بر اساس نوع مسئولیتی که قبول کرده‌اند، متفاوت است. زنان معمولاً در ابعاد عاطفی و ارتباط بین‌فردی مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند، ولی مردان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی از مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به زنان برخوردارند. با این حال اشاره می‌کند که این تفاوت‌ها به صورت فردی مطرح است و کل جامعه زنان و مردان را شامل نمی‌شود، یعنی بین نمره کل مردان و زنان در متغیر مسئولیت‌پذیری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بیان شده است که مردان به دلیل برخورداری از عزت‌نفس بیشتر، خودپنداره قوی‌تر و تجربه بیشتر، مسئولیت‌پذیری‌شان

^۱ . Fisher

نسبت به زنان بیشتر است. اما در سطح تعهد به انجام وظایف خانوادگی، مسئولیت‌پذیری زنان بیشتر است (به نقل از نظری نفوتی، ۱۳۹۱).

۲-۱۲ مسئولیت‌پذیری در بستر رشد اخلاقی

آدمی یگان موجودی است که در این دنیا طالب سعادت است و اخلاق یکی از ضروری‌ترین نیازها یا وجهه دستیابی به سعادت محسوب می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱). به یقین می‌توان گفت از زمانی که انسان زندگی اجتماعی را آغاز کرده است و به خصایص همزیستی متوجه شده است مسئله اخلاق یا زندگی اخلاقی برای او مطرح بوده است. علم اخلاق^۱ شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه آن‌گونه رفتار انسان می‌پردازد که خوب یا بد، درست یا نادرست و خیر و شر بودن آن مورد پذیرش جامعه قرار گرفته است. این اصطلاح عمدتاً به جنبه‌های نظری چنین رفتارهایی اطلاق می‌شود و به جنبه‌های عملی آن، رفتار اخلاقی^۲ اطلاق می‌شود به همین سبب در بحث از رشد و تکامل اخلاقی طبعاً به جنبه‌های عملی اخلاق یا رفتار اخلاقی می‌پردازند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱).

تقریباً تمام روانشناسان بر این عقیده هستند که اخلاق یک امر اجتماعی اکتسابی است که بر فضایل و سنجایی مبتنی است که جامعه مقرر داشته و برای خود پسندیده است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳). در نتیجه این تعاریف، مسئولیت‌پذیری نیز به عنوان یکی از این سنجایا و رفتارهای پسندیده اجتماعی، به عنوان یک رفتار اخلاقی محسوب می‌گردد. مسئولیت‌پذیری معنا و مفهومی قراردادی، اخلاقی و تربیتی است و مانند بسیاری از جنبه‌های رشد اخلاقی به تدریج و به مرور به کمال می‌رسد (رفعتیان، ۱۳۸۴).

نظری نفوتی به نقل از هاویگهرست^۳ و تابا^۴ (۱۳۹۱) بیان می‌کند که اخلاق در واقع بر سنجایی محبت، صراحت لهجه، امانت و درستکاری، دوستی و پذیرش مسئولیت مبتنی است. این مسئولیت-پذیری در اطمینان فرد به خود و انجام دادن وظایف اخلاقی- اجتماعی نمایان می‌شود. همچنین

1. Ethics

2. Morality

3. Havighurst

4. Taba

اظهار کردند که صفات اخلاقی یا سجایا با یکدیگر ارتباط دارند به طوری که امانت تا حدودی به دوستی و محبت و تا حد زیادی به پذیرش مسئولیت مربوط است.

از سویی دیگر، شخصیت هر فرد متشکل از خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی و اکتسابی است که او را به طور آشکار از دیگران مشخص می‌کند. بنابراین اخلاق یکی از ارکان مهم شخصیت انسانی است و یکی از خصایص مهم یک شخصیت سالم، توانایی به عهده گرفتن مسئولیت توسط اوست. در واقع، فرد باید از سازگاری خوب یا مطلوبی برخوردار باشد. یعنی توانایی پذیرش زندگی و مردم را داشته، می‌تواند و می‌خواهد مناسب سن خود مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد. از این رو مسئولیت‌پذیری می‌تواند به عنوان یکی از ویژگی‌های اخلاقی شخصیت هر فرد مطرح شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳).

نظریه‌های روانشناسی، ملاک‌های متفاوتی را به عنوان شاخص‌های تعیین‌کننده اخلاقیات شخص در نظر گرفته‌اند، از جمله اینکه رفتاری که هنجارها و ارزش‌های جامعه را مورد تأیید قرار دهد یا رفتاری که سبب کمک به دیگر انسان‌ها شود و تعاریف مختلف دیگر که گاه به تنهایی مورد انتقاد و همراه با کاستی هستند، ولی آنچه که از مجموع یافته‌های پژوهشی و نظریات فلسفی و روان‌شناختی بر می‌آید، این است که رفتاری که در آن انگیزه و نیت بهزیستی و سعادت انسانی مطرح باشد و باعث رشد و تعالی انسان در زندگی فردی و اجتماعی شود رفتار اخلاقی محسوب می‌شود. با توجه به تعریف فوق، مسئولیت‌پذیری با داشتن این معیارها جزء یکی از ارزش‌ها و رفتارهای مهم اخلاقی در زندگی بشری محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۸۵).

همچنین می‌توان گفت هر چیزی که به دلایل اقتصادی، روانی، اجتماعی و یا زیبایی، مورد توجه شخص قرار گیرد، ارزش است. یکی از ارزش‌های مهم در زندگی بشر ارزش‌های اخلاقی هستند که به دلیل پاسخگو بودن به نیازهای انسان درخور توجه وی هستند. این نوع ارزش‌ها همه‌ی اقسام فضایل شخصی (درونی) و اجتماعی (بیرونی) از قبیل عدالت، نیک‌خواهی، انضباط شخصی، راستگویی و غیره را در بر دارند. با توجه به این مطالب، مسئولیت‌پذیری با دارا بودن تمامی این شروط، یکی از مهم‌ترین

ارزش‌های (فضایل) اخلاقی، است. از آنجایی که به مجموعه اعمال و کردارهای افراد که بر پایه هنجار-ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد، اخلاقیات یا اخلاق عملی و یا رفتار اخلاقی گفته می‌شود؛ رفتار مسئولانه هر فرد که بر اساس ارزش اخلاقی- اجتماعی مهمی به نام مسئولیت‌پذیری بنا شده است نیز یک رفتار اخلاقی محسوب خواهد شد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱).

همچنین به طور صریح بیان شده است که ارزش‌های اخلاقی مجموعه‌ای از فضایی مانند درستکاری، همدلی، وفاداری، خویشتن‌داری، احساس مسئولیت و غیره است. این فضایل باید به کودک و نوجوان آموخته شود تا مقاومت وی در برابر کژی‌های اخلاقی افزایش پیدا کند (کریمی، ۱۳۸۵).

در واقع اصطلاح رفتار اخلاقی معمولاً به رفتاری اطلاق می‌شود که:

۱. در زندگی اجتماعی از شخص سر می‌زند.

۲. آگاهانه است.

۳. ارادی است.

۴. با معیارهای مصوّب جامعه قابل ارزشیابی است.

۵. پیامدهایش قابل پیش‌بینی است.

۶. خصایص آن برحسب شرایط زمان و مکان در هر جامعه فرق می‌کند.

۷. مسئولیت شخصی (تعهد) دارد.

شعاری‌نژاد (۱۳۷۳) یکی از نخستین عوامل بیماری‌های اخلاقی را فرار از قبول مسئولیت معرفی می‌کند و بیان می‌کند که اگر در سنین پایین و در دوران کودکی و به‌ویژه نوجوانی این میکروب وارد روح وی شود برای مدرسه و جامعه بسیار دشوار و بعضی اوقات غیر ممکن است که بتوانند این میکروب را ریشه‌کن سازند. هم‌چنین سیف (۱۳۸۳) یکی از کژی‌های اخلاقی مهم نوجوانان را نافرمانی و نادیده گرفتن مسئولیت‌ها مطرح می‌کند.

از مجموع این مطالب، می‌توان چنین استنباط کرد که مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک خصیصه شخصیتی، جایگاه مهمی در رشد اخلاقی و ارتباط بسیار نزدیکی با بسیاری از مفاهیم آن دارد.

مسئولیت‌پذیری یکی از ارزش‌های اخلاقی و رفتار مسئولانه به‌عنوان یک رفتار اخلاقی محسوب می‌شود.

۲-۱۳ ورزش و رشد اخلاقی - اجتماعی

ورزش، فعالیت بدنی و تربیت بدنی، به طور گسترده به عنوان یک بستر مناسب برای رشد مثبت اخلاقی و اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. این نقش در زمینه ورزش و فعالیت بدنی اغلب به عنوان رشد شخصیت توصیف می‌شود. این عقیده که مشارکت در فعالیت‌های جسمانی سالم به ایجاد و پرورش شخصیتی ممتاز و شایسته کمک خواهد کرد، پیشینه‌ای قطعی (محکم) و قدیمی (طولانی) دارد که می‌تواند به عقاید افلاطون^۱ برگردد. افلاطون این رابطه را چنین توضیح داد: "فعالیت‌های جسمانی از طرق مختلف به پرورش و یا بهبود رشد رفتار شهروندی کمک می‌کنند. رفتاری که دربرگیرنده خصوصیات شایسته‌ای است که شخصیت فرد را شکل می‌دهد و یا اینکه رفتار اخلاقی او را در این جهان مادی هدایت می‌کند" (به نقل از گریندوفر^۲، ۱۹۸۷).

اعتقاد به قدرت و توان ورزش و فعالیت‌های جسمانی برای پرورش شخصیت شایسته، به وسیله پشتیبانی و حمایت نویسندگان معاصر از برنامه‌هایی که مبتنی بر فعالیت جسمانی بودند و با هدف پرورش شخصیت مناسب و کمک به کاهش مسائل و مشکلات اجتماعی طراحی شده بودند، همچنان ادامه پیدا کرده است (سیدنتوپ^۳، ۲۰۰۲؛ استول و رود^۴، ۲۰۰۴). با این حال، با قبول پتانسیل فعالیت‌های ورزشی، نویسندگان عموماً بر این باورند که این نتایج لزوماً فقط از طریق فرایند شرکت کردن در فعالیت‌های جسمانی اتفاق نخواهد افتاد. برای موفقیت، برنامه‌ها باید به طور واضح، رشد مثبت اجتماعی را به عنوان یک اولویت مهم مشخص کرده و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیق انجام دهند (سالامودین^۵، ۲۰۰۱؛ شیلدز^۶ و همکاران، ۲۰۰۳؛ سیدنتوپ، ۲۰۰۲).

1. Plato

2. greendorfer

3. siedentop

4. Stool & Rudd

5. Salamuddin

6. Shields

امروزه، تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزش به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر و یک نیاز اساسی زیربنایی برای تمام کشورها و جوامع محسوب می‌شود و به‌طور چشمگیر و فزاینده مورد توجه همگان قرار گرفته است. از آثار مثبت این پدیده می‌توان نه تنها به تأمین سلامت و بهداشت جسمانی بلکه تأمین سلامت روحی، روانی و عاطفی- اجتماعی افراد اشاره کرد (احمدی، ۱۳۹۰؛ اسدی و احمدی، ۱۳۷۹؛ عرب‌عامری و همکاران، ۱۳۸۸). ارتباط مهارت‌های حرکتی با سایر جنبه‌های رشد از قبیل خودپنداره، رفتار اجتماعی و رفتار هیجانی لزوم پرداختن به فعالیت‌های حرکتی را به عنوان یک ضرورت در روانشناسی مطرح می‌کند (سیدزاده و فرخی، ۱۳۸۱؛ آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴).

در واقع فعالیت‌های بدنی و ورزشی به عنوان یک وسیله ارزشمند، نیروهای بالقوه موجود در انسان را به فعل می‌رساند و به عنوان یک نیاز فطری، پدیده‌ای اجتماعی، آموزشی و بخش مهمی از تعلیم و تربیت، رسالتی بزرگ در تکامل جسمانی و عاطفی- اجتماعی افراد دارد. از این رو کمک به پرورش شخصیت و رشد روانی- اجتماعی و تسهیل رشد در تمام ابعاد از اهداف مهم آن می‌باشد (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶).

حجم مسائل رفتاری و روانی که مشکلی جدی و شایع در جهان است، در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما، بیش از پیش رو به فزونی است. همچنین تحقیقات مختلف در داخل کشور میزان پراکندگی اختلالات روانی را در دامنه وسیعی از جمعیت جامعه گزارش کرده‌اند (اسدی و احمدی، ۱۳۷۹؛ سید احمدی و همکاران، ۱۳۸۶). در نتیجه با توجه به این امر ضرورت توجه به ورزش و فعالیت‌های حرکتی به عنوان عاملی ارزشمند که می‌تواند نقش مهمی در تسریع اجتماعی شدن فرد و رشد روانی اجتماعی او داشته باشد، دو چندان می‌شود.

البته در مورد نقش ورزش و اجتماعی شدن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای چون امیرتاش (۱۳۸۵)، خادمی (۱۳۸۵)، نریمانی (۱۳۸۵)، مارتینک^۱ (۲۰۰۳)، فریزر^۲ (۲۰۰۵)، هلیسون (۲۰۱۰)، رایت (۲۰۰۸) به نقش ورزش در اجتماعی شدن افراد معتقدند و با تحقیقات در این زمینه دریافته‌اند

^۱ . Martinek

^۲ . Fraser

ورزشکارانی که تحت تأثیر ورزش هستند، اجتماعی‌تر از غیر ورزشکارانند. از طرفی، تحقیقات رضانی نژاد (۱۳۷۲)، استونسون^۱ (۱۹۷۵)، کلیرن^۲ (۱۹۸۶)، بردمایرز^۳ (۱۹۹۵) آثار اجتماعی شدن ورزش را بسیار ضعیف می‌دانند، حتی بسیاری از محققان اعتقاد دارند که ورزش قهرمانی و رقابتی زائل‌کننده اخلاق در افراد است (طالبیانیا و همکاران، ۱۳۸۷؛ خادمی، ۱۳۸۵). البته در بین دانشمندان روانشناسی رشد، در مورد تأثیر فعالیت بدنی غیررسمی (بازی) بر رشد اجتماعی توافق وجود دارد، اما در مورد فعالیت‌های ورزشی رقابت آمیز، نظرات متفاوت است. عده‌ای ورزش را سازنده منش یا شخصیت می‌دانند و گروهی فرضیه مخرب بودن اثرات ورزش را مطرح می‌کنند. به گونه‌ای که برخی محققان معتقدند ورزش‌های رقابتی در صورتی در افزایش رشد اجتماعی مؤثرند که بر همکاری، صداقت و جوانمردی تأکید کند (خادمی، ۱۳۸۵؛ سید احمدی و همکاران، ۱۳۸۶؛ نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ اما باید دانست که طبیعتاً، نتایج و اثرات مثبت ورزش و فعالیت‌های بدنی از آثار و پیامدهای منفی آن بالاتر و بیشتر است (توماس و همکاران، ۲۰۰۵). ضمناً، رشد حرکتی و رشد اجتماعی دو موضوع کاملاً جدا از هم نیستند زیرا حرکت، جنبه روانی دارد و متغیرهای روانی در آن دخیل‌اند. در صورتی که رشد اجتماعی جنبه حرکتی دارد، زیرا موفقیت در انجام تکالیف اجتماعی مستلزم توانمندی حرکتی است (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴). کیتانیمی و نوپون^۴ (۱۹۸۷) طی پژوهشی، رابطه بین توانایی‌های حرکتی و اجتماعی را به صورت منحنی خطی به دست آورند (به نقل از سیدزاده و فرخی، ۱۳۸۱).

همان‌طور که گفته شد درباره اثر ورزش روی انسان یکی از گسترده‌ترین عقاید این است که ورزش از راه‌های گوناگون در روحیه و شخصیت انسان اثر می‌گذارد. ممکن است در افراد جوان‌تر به دلیل این که فرایند رشد و تکامل عاطفی- اجتماعی آنان در حال تکوین است، بیشتر از افراد مسن تأثیر داشته

^۱ . Stevenson

^۲ . Colburn

^۳ . Bredemeier

^۴ . Keitaanniemi & Nupponen

باشد. علاوه بر رشد شخصیت، تحقیقات نشان می‌دهد که ورزش به شکل مؤثری در تحول "جنبه اجتماعی شخصیت" یا "صلاحیت و شایستگی اجتماعی" فرد اثرگذار است (خادمی، ۱۳۸۵). از مهم‌ترین آثار اجتماعی ورزش می‌توان رشد شخصیت اجتماعی افراد، درک و انتقال ارزش‌های اجتماعی، همبستگی و تعادل، همکاری و تعاون، ملی‌گرایی و همسازی اجتماعی، احترام به قوانین، تحکیم روابط اجتماعی، قبول مسئولیت و جلوگیری از انحرافات اجتماعی و کاهش بزهکاری نام برد (خادمی، ۱۳۸۵؛ اتقیاء، ۱۳۸۴؛ ماتینک، ۲۰۰۸).

۲-۱۴ تربیت بدنی در مدارس و رشد اخلاقی - اجتماعی

توسعه و گسترش استعدادهای آدمی، برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی، مستلزم شناسایی آرمان و اهداف کلی تعلیم و تربیت هر جامعه است (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶؛ تیموری، ۱۳۸۲). تربیت بدنی بخش مهم و تفکیک‌ناپذیر نظام آموزش یا تعلیم و تربیت تلقی می‌شود (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶) و از این رو، در تحقق بخشی از آرمان تعلیم و تربیت مشارکت دارد، در واقع مقبولیت تربیت بدنی بخاطر داشتن یک جایگاه مشروع در حوزه تعلیم و تربیت تا حدودی آن را برای تأثیر بر رشد اخلاقی و اجتماعی توانا و مستعد ساخته است. بر این اساس، اهداف اجتماعی و عاطفی تربیت بدنی و ورزشی با دو هدف عمومی تعلیم و تربیت یعنی اهداف روابط انسانی و اهداف اجتماعی و مدنی ارتباط نزدیکی دارد (گوردون، ۲۰۰۷).

از مهم‌ترین اهداف و غایات در تربیت بدنی، تربیت و پرورش متعادل و همه‌جانبه دانش‌آموز از نظر ابعاد جسمانی، حرکتی، ذهنی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی است که این امر در فرایند و بستر فعالیت‌های حرکتی، بازی و ورزش امکان‌پذیر است (رمضانی‌نژاد و تبریزیان، ۱۳۸۴). بنابراین نه تنها رشد اخلاقی و اجتماعی فرد، بلکه رشد همه جانبه او مد نظر اهداف تربیت بدنی است.

وقتی که رابطه بین تربیت بدنی و رشد اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، باید به اصطلاح "شخصیت" توجه خاص شود. از دیرباز مفهوم شخصیت به هنگام بحث در زمینه رفتار اخلاقی در ورزش یا تربیت بدنی، مطرح بوده است. حتی برخی از نویسندگان "شخصیت" و "اخلاق" را به جای هم در نظر

گرفته‌اند (سیگ^۱، ۱۹۹۸؛ استول و رود^۲، ۲۰۰۴). در اوایل قرن هیجدهم هنگامی که تربیت‌بدنی در مدارس ایالت متحده آمریکا و انگلستان معرفی شد، رشد شخصیت، جایگاه قابل‌توجهی در کنار مفهوم آمادگی جسمانی به دست آورد. این تثبیت جایگاه در مورد رشد شخصیت سبب شد که در آموزش تربیت‌بدنی، به اندازه آمادگی جسمانی و رشد حرکتی به رشد فردی اشخاص نیز توجه شود. در سال‌های بعد زمانی که اصطلاحات آموزشی تغییر کردند، مفهوم رشد شخصیت با عنوان رشد عاطفی-اجتماعی معرفی شد. جنبش پیش‌رونده آموزشی سبب شد که به اهمیت نقش رشد اجتماعی در مدارس تأکید بیشتری شود و بسیاری از معلمان اهمیت بیشتری به نقش رشد اجتماعی و نتایج آن در تربیت‌بدنی دادند (سالامودین، ۲۰۰۱). چون جامعه به طور کلی نیاز به شهروندانی دارد که قادر باشند در یک سازگاری منطقی در کنار یکدیگر زندگی و کار کنند و بسیاری از افراد پی بردند که ورزش و تربیت‌بدنی به عنوان عامل مهمی در دستیابی به این امر، نقش بسیار حیاتی را داراست (گوردون، ۲۰۰۷).

تاریخ، ثبات و دوام این باور را نشان می‌دهد که همواره توسعه رفتار اخلاقی و شهروندی افراد یکی از نیازهای ضروری جوامع بوده است و در این زمینه، از دوران بسیار گذشته و دور، ورزش و فعالیت بدنی به عنوان یک ابزار اجتماعی کردن شهروندان همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. یونان باستان، آتن قدیم، بریتانیای کبیر و به دنبال آن بسیاری دیگر از دولت‌ها نمونه‌های بارز در این زمینه هستند. این باورها در طی سالیان متمادی بعدی نیز همچنان ادامه پیدا کرد (دالک و کراویز^۳، ۲۰۰۲). تا آنجا که در قرن نوزدهم، گوردون (۲۰۰۷) به نقل از ادوارد هیچکاک^۴ بیان می‌کند یکی از اعضاء اصلی انجمن توسعه تربیت‌بدنی در آمریکا، در این زمینه می‌نویسد: "جسم و قلب و روح باید با یکدیگر در ارتباط باشند. خداوند آنها را این‌چنین آفریده است، نباید کسی آنها را از هم جدا کند. اعتقاد اصلی ما بر این

^۱ . sage

^۲ . Stool & Rudd

^۳ . Dalleck and kravitz

^۴ . Edward Hitchcock

است که بالاترین هدف در کار ما در تربیت‌بدنی، پرورش کامل‌ترین مردان و زنان از نظر جسمانی، روحی و روانی است".

این عقاید به طور مداوم ادامه پیدا کرده‌اند. همچنان که تاکنون بسیاری از نویسندگان معاصر در زمینه تربیت‌بدنی به پشتیبانی خود از موقعیت و قدرت تربیت‌بدنی به عنوان بستری ارزشمند و بالقوه برای رشد اجتماعی و اخلاقی ادامه دادند (استیهل^۱، ۱۹۹۳؛ پراساک و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ مارتینک، ۲۰۰۱). از دیدگاه بسیاری از افراد، محتوا و بستر تربیت‌بدنی فرصت‌های خاصی را ارائه می‌دهد که در محتوای برنامه‌های درسی دیگر موجود نیست (هلیسون، ۲۰۰۳؛ استیهل، ۱۹۹۳؛ استول و رود، ۲۰۰۴). هلیسون در زمینه قابلیت تربیت‌بدنی برای رشد اخلاقی، بر این باور است که هیچ جایگزینی برای کسب تجربه واقعی مسائل اخلاقی - اجتماعی وجود ندارد. ماهیت فعالیت‌های ورزشی فرصت‌هایی واقعی برای تعارضات و برای تمرین کردن حل و فصل آن‌ها در اختیار افراد مشارکت‌کننده قرار می‌دهد. به اعتقاد او، واقعی بودن موقعیت‌ها است که اجازه می‌دهد یادگیری واقعی اتفاق بیفتد؛ بنابراین اهمیت تجربه واقعی در فعالیت ورزشی بسیار مهم‌تر است (هلیسون، ۲۰۰۳).

مشارکت در ورزش‌های تیمی و کلاس تربیت‌بدنی، یک تجربه عاطفی برای بسیاری از دانش‌آموزان است. رقابت، تضاد (درگیری)، ناامیدی و سرخوشی، همگی بر رفتار دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. در حالی که این تجارب فرصت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند تا بتوانند پاسخ‌ها و واکنش‌های رفتارهایشان را بررسی کنند (گوردون، ۲۰۰۷).

برخی از اصول و ارزش‌های اخلاقی نظام اجتماعی و نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور قابل تبدیل به اهداف رفتاری در برنامه‌های حرکتی و ورزشی است. دانش‌آموزان با شرکت در فعالیت‌های حرکتی و ورزشی می‌توانند این ارزش‌ها را تمرین کنند. کلاس‌های تربیت‌بدنی برخلاف سایر برنامه‌های آموزشی، بستر طبیعی و پرتعاملی را برای نمایش و عرضه عملی ارزش‌هایی مانند دوستی، احترام متقابل، تحمل شکست، فداکاری و غیره فراهم می‌کند (رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۶).

^۱ . stiehl

^۲ . prusak

سیدزاده (۱۳۸۱) در پژوهش خود نشان داد که دانش‌آموزان دختر ورزشکار، اجتماعی‌تر از دانش‌آموزان دختر غیر ورزشکار بودند. به علاوه، رشد اجتماعی ورزشکاران انفرادی و گروهی تفاوت معناداری نداشت؛ بنابراین مدرسه می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های گروهی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، به رشد ارزش‌ها، هنجارها، صلاحیت‌ها و رشد اجتماعی دانش‌آموزان کمک کند. آن‌ها می‌توانند با کمک طراحی و اجرای انواع فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های ورزشی متناسب، انواع متنوعی از زمینه‌های رشد اجتماعی و اخلاقی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند (امیر تاش و همکاران، ۱۳۸۵).

مارتینک (۲۰۰۳) در زمینه نقش فعالیت‌های ورزشی معتقد است دانش‌آموزان با شرکت در فعالیت‌های ورزشی، خصوصیتی مانند مسئولیت‌پذیری، همکاری و روابط اجتماعی را در خود می‌پرورانند. مشارکت در این فعالیت‌ها برای آنان فرصت‌هایی برای تعامل با افراد دیگر مثل هم‌تیمی‌ها، داور، مربی و افراد تیم حریف فراهم می‌کند. حضور در ورزش‌های گروهی و تیمی سبب می‌شود تا آنان خود را با نقش‌های خاص خود در تیم، برای کسب موفقیت و اهداف گروه هماهنگ کنند، در مقابل مخالفت‌ها و موانع حریف با چالش روبرو شوند و رفتار خود را کنترل کنند، یاد بگیرند که پیروزی و شکست هر دو بخش مهمی از زندگی است. ورزش خود یک فعالیت اخلاقی است و به عنوان بستری ارزشمند توانایی آن را دارد که فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم کند تا مهارت‌های شایسته اخلاقی را یاد گرفته و در موقعیت‌های دیگر مانند خانواده و زندگی به کار برند (مارتینک، ۲۰۰۳).

در واقع، بین شرکت در ورزش مدارس با سلامتی جسمانی و روانی - اجتماعی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد (سیدزاده و فرخی، ۱۳۸۱).

از طرفی، بسیاری از محققان معتقدند فعالیت جسمانی موجود در برنامه‌های تربیت‌بدنی مدارس، فرصت‌هایی خاص در زمینه مسئولیت‌پذیری برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که در محتوای برنامه -

های درسی دیگر موجود نیستند و شاید مدرسه برای بسیاری از آنها تنها جایی باشد که می‌توانند مهارت‌های رفتار مسئولانه را بیاموزند (هلیسون، ۲۰۱۰؛ هاگنباخ^۱، ۲۰۱۰).

در رابطه با نقش منحصربه‌فرد تربیت‌بدنی در آموزش رفتار مسئولانه چنین بیان شده است: "ورزش تیمی نیاز به افرادی دارد که نقش‌هایی را بر عهده بگیرند و این نقش‌ها نیاز به مجموعه‌ای از افراد و بازی تیمی آنها دارد. تجهیزات و فضا در تربیت‌بدنی تقریباً همیشه نیاز دارند که به اشتراک گذاشته شوند و در این مورد اغلب مسائلی اتفاق می‌افتد که بالقوه مخل و برهم زننده بازی و نظم آن هستند. این شرایط، معلمان را با فرصت‌هایی برای ترویج رفتار مسئولانه در دانش‌آموزان روبرو می‌کند" (گوردون، ۲۰۰۷).

رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت و همواره مورد توجه معلمان، مربیان، برنامه‌ریزان، والدین و حتی خود دانش‌آموزان بوده است. این مسئله نه فقط در سازگاری اجتماعی با افراد همسن و سال، خانواده و گروه‌های اجتماعی نقش مهمی دارد، بلکه عامل مهمی است که با بیشتر فعالیت‌ها و موفقیت‌های تحصیلی و ورزشی فراگیران، می‌تواند همبستگی مثبتی داشته باشد (توماس و همکاران، ۲۰۰۵).

ورزش نه فقط یک فعالیت بدنی است، بلکه فضایی برای تعامل اجتماعی افراد است. تحقیقات نشان داده است که برنامه‌ریزی و آموزش ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی در تربیت‌بدنی، کیفیت رفتار اجتماعی دانش‌آموزان را به سوی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سوق می‌دهد (توماس و همکاران، ۲۰۰۵؛ مارتینک، ۲۰۰۸). حضور در کلاس ورزش، آموختن قوانین و مقررات رشته‌های ورزشی و فراگیری مهارت‌های ورزشی و کاربرد عملی آن‌ها در مسابقات و رقابت‌ها، بیانگر موقعیت‌هایی است که شخص در آینده و در جامعه با آن‌ها برخورد می‌کند، به این ترتیب معنی و مفهوم مسئولیت و تقسیم کار را برای رسیدن به هدف می‌آموزد. او به نقش‌ها و مسئولیت‌های سایر افراد در تیم خود آگاه است و می‌کوشد همکاری را در طول بازی و مسابقه با دیگر اعضای تیم خود به نحو بسیار خوب انجام دهد، او با

^۱ . Hagenbach

اجرای فعالیت‌های مختلف با توانایی‌های خویش بیشتر آشنا می‌شود و روحیه استقلال و اعتماد به نفس خویش را تمرین می‌کند (مارتینک، ۲۰۰۳).

در رابطه با اهمیت مسئولیت‌پذیری در تربیت‌بدنی در مدارس، باید بیان کرد که از ۶ استاندارد ملی رفتارهای مثبت^۱ (آمریکا) در سال ۲۰۰۴ در کلاس تربیت‌بدنی، ۳ مورد آن‌ها به اهمیت رفتار مسئولانه اختصاص داده شده است. پنجمین استاندارد ذکر می‌کند که دانش‌آموزان باید در کلاس‌های تربیت‌بدنی رفتار مسئولانه از جنبه فردی و اجتماعی داشته باشند. این وظیفه آن‌ها، در قبال بهزیستی خود و سایرین است و این امر باید در تمامی مراحل یادگیری و در تمامی جلسات آموزش آن‌ها برقرار باشد. ششمین استاندارد رفتاری، به اهمیت ارزش قائل شدن دانش‌آموزان به فعالیت‌های جسمانی برای دستیابی به سلامتی، لذت، ابراز وجود در نقش‌ها و تعاملات اجتماعی تاکید می‌کند. تنظیم اهداف، پذیرش مسئولیت در کارها و مواجه شدن با چالش‌ها کلید موفقیت در زندگی است. این چیزی ارزشمند است که مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان کمک می‌کند تا آن‌ها مهارت‌های اجتماعی لازم را به دست آورند و بدین ترتیب واکنش‌های مثبت اجتماعی برای یک زندگی موفق داشته باشند. استاندارد دوم نیز بیان می‌کند که دانش‌آموزان باید به مفاهیم کلی فعالیت‌ها در کلاس و ارزش‌ها و هنجارهای یادگیری توجه کنند. دانش‌آموزان نیاز دارند که بیاموزند که چگونه به طور مؤثر یاد بگیرند و به این آموزش‌ها عمل کنند و آن‌ها را در موقعیت‌های دیگر زندگی خود بکار ببندند (هاگنچ، ۲۰۱۰).

بنابراین اهمیت و ضرورت توجه به مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نه تنها به نظم‌پذیری و رشد اخلاقی آن‌ها اشاره دارد، بلکه زمینه‌ای فراهم می‌کند تا آن‌ها از نظر برخورداری مهارت لازم برای یک زندگی بهتر ارزیابی شوند. خادمی به نقل از مسنر^۲ (۱۳۸۵) بیان می‌کند اگر برنامه‌های تربیت‌بدنی به صورت صحیح و معقول به اجرا در آید می‌تواند بسیاری از مراحل اجتماعی شدن نظیر رعایت قوانین و مقررات، احترام به ارزش‌ها و هنجارها، مسئولیت‌پذیری و غیره را به افراد بیاموزد.

۱ . NASPE (national standards in physical education)

۲ . Mecner

۲-۱۵ پیشینه پژوهش

۲-۱۵-۱ پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور

علمدارلو و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی را تحت عنوان: "مقایسه مسئولیت‌پذیری بین خواهران و برادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی و عادی" انجام داده‌اند:

هدف از این پژوهش مقایسه مسئولیت‌پذیری بین خواهران و برادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی و عادی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه خواهران و برادران نوجوان ۱۲-۱۸ ساله دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی و عادی شهر شیراز بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۱۷۰ نوجوان ۱۲-۱۸ ساله (۸۰ نفر از آن‌ها خواهر یا برادر با کم‌توانی ذهنی داشتند و ۹۰ نفر از آن‌ها خواهر یا برادر عادی داشتند) به شیوه هدفمند انتخاب شدند. از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان برای سنجش مسئولیت‌پذیری استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دوطرفه نشان داد که مسئولیت‌پذیری خواهران و برادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی به طور معنی‌داری بیشتر از مسئولیت‌پذیری خواهران و برادران دانش‌آموزان عادی است. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس چندگانه نشان داد که خواهران و برادران دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی در همه خرده مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری به جزء وظیفه‌شناسی نسبت به خواهران و برادران دانش‌آموزان عادی به طور معنی‌داری بالاتر هستند.

خدیوی و الهی (۱۳۹۲): پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد" انجام داده‌اند:

هدف از انجام این پژوهش شناسایی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مدارس پایه اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد بود. روش پژوهش در پژوهش حاضر توصیفی با رویکرد همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل، کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان مهاباد (پایه هفتم) بود که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به تحصیل مشغول بوده‌اند.

انتخاب دانش‌آموزان در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران صورت گرفته است که در این فرمول از جامعه‌ای با حجم تقریبی ۱۱۴۹ نفر نمونه‌ای به حجم ۲۸۷ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده است. به منظور تعیین پایایی آزمون، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. همچنین برای روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در آمار استنباطی از آزمون ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نهایی آزمون فرضیه‌ها نشان داد بین مسئولیت‌پذیری و کلیه مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد در واقع همه فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

نظری نفوتی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان "مقایسه سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار پایه سوم راهنمایی شهر رشت از دیدگاه والدین و معلمان" نشان داد بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهر رشت از نظر سطوح مسئولیت‌پذیری، مسئولیت فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی)، احترام، تلاش، توجه و کمک به دیگران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و ورزشکاران در سطوح بالاتری نسبت به غیر ورزشکاران قرار دارند.

یگانه و همکاران (۱۳۹۱) با پژوهشی با عنوان "بررسی مقایسه‌ای مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار" به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه والدین و معلمان، ورزشکاران در مقایسه با افراد غیر ورزشکار ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضداجتماعی، سوء رفتار و پرخاشگری کمتری دارند. همچنین مشکلات رفتاری پسران بیشتر از دختران بود.

باقری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "رابطه انگیزه پیشرفت با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹" نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و دختران نسبت به پسران مسئولیت‌پذیرترند.

میکائیلی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "هدف بررسی حس مسئولیت‌پذیری، رضایت از زندگی، روحیه همکاری، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی در دو مقطع

راهنمایی و متوسطه و مقایسه‌ی آن با دانش‌آموزان مدارس روزانه انجام پذیرفته " نشان داد که میانگین نمره دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی در متغیرهای مسئولیت‌پذیری، روحیه همکاری و پیشرفت تحصیلی بیشتر از دانش‌آموزان مدارس روزانه بوده و این تفاوت معنادار است. اما در متغیر مشکلات جسمانی، سلامت عمومی و رضایت از دوستان، مدرسه و محل زندگی وضعیت دانش‌آموزان مدارس روزانه بهتر بوده است.

نوفرستی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار" نشان داد ورزشکاران در ویژگی‌های شخصیتی از قبیل مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های اجتماعی، خویشتن‌داری، استقلال، خودشکوفایی، پیشرفت، انعطاف‌پذیری، همدلی، مدارا، حضور اجتماعی و مردم‌آمیزی بالاتر از گروه غیر ورزشکار بودند. همچنین نمرات پسران در تمامی این ویژگی‌ها بالاتر از دختران بود. وی بیان می‌کند ورزشکاران در مقایسه با افراد غیر ورزشکار، انحراف روانی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی و رفتارهای پرخطر کمتری دارند.

پژوهشی توسط اکبری‌نژاد (۱۳۸۷) با هدف شناسایی و تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به انجام رسیده است. نتیجه پژوهش نشان داد، آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. همچنین عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری با هم رابطه معناداری دارند.

پژوهشی توسط تقی پورکران (۱۳۸۵) با عنوان "بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و ویژگی شخصیتی و پیشرفت تحصیلی" انجام پذیرفته است. نتیجه پژوهش نشان داد، بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی و جنبه‌های درون‌گرایی و برون‌گرایی و شهودی و حسی و تفکری و احساسی پرسشنامه شخصیتی تفاوت معنادار وجود دارد.

نتایج پژوهش نریمانی و همکاران (۱۳۸۵) با موضوع "مقایسه سرسختی روانشناسی، سبک‌های تفکر، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار" نشان داد نوجوانان

ورزشکار از لحاظ خصوصیات مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، سرسختی روان‌شناختی، سبک-های تفکر در مقایسه با گروه غیر ورزشکار به طور معناداری در سطح بالاتری قرار دارند.

نریمانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود در زمینه "عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان عضو تیم‌های ورزشی با سایر دانش‌آموزان دوره متوسطه" دریافت که متوسط عملکرد کلی تحصیلی دانش‌آموزان ورزشکار به طور معناداری از سایر دانش‌آموزان بالاتر است. در واقع، فعالیت‌های ورزشی منظم تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ورزشکار دارد. شرکت در فعالیت‌های ورزشی به طور مثبت با رشد مهارت‌های بین‌فردی، ارتباط با همسالان و توانایی‌های رهبری، بهزیستی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و تعهد و التزام دانش‌آموزان با مؤسسات ورزشی و تحصیلی مرتبط است.

آقاپور (۱۳۸۴) بیان می‌کند سازگاری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، رهبری، قانون‌پذیری، عزت‌نفس و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان ورزشکار بالاتر از افراد غیر ورزشکار است. همچنین، فرخی و سیدزاده (۱۳۸۱) طی پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین رشد حرکتی و رشد اجتماعی در دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار سوم راهنمایی منطقه ۶ شهر تهران" به این نتیجه رسیدند که بین رشد اجتماعی ورزشکاران و غیر ورزشکاران تفاوت معناداری وجود دارد، این پژوهش مبین برتری رشد اجتماعی ورزشکاران نسبت به غیر ورزشکاران است. در واقع، کسانی که به فعالیت بدنی می‌پردازند دارای خصلت جذب در فعالیت اجتماعی هستند و از پذیرش اجتماعی بیشتر برخوردارند (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین رشد اجتماعی برتر ورزشکاران در مقایسه با غیر ورزشکاران است که نشان‌دهنده این موضوع است که افرادی که از لحاظ رشد حرکتی ضعیف بوده یا سازگاری کمتری دارند نسبتاً تمایل کمتری به شرکت در فعالیت‌های ورزشی دارند، لذا از فواید ورزش در رشد اجتماعی بی‌بهره خواهند ماند (سیدزاده و فرخی، ۱۳۸۱).

در زمینه رشد اخلاقی نیز بسیاری از تحقیقات مشخص کردند تمرین ورزشی سبب بهبود خلق و خو و سلامت روان و افزایش خودباوری و احترام به نفس می‌شود (پلانته و رودین^۱، ۱۹۹۰؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۴؛ اسدی و احمدی، ۱۳۷۹).

شیری (۱۳۸۰) نیز به "بررسی رابطه پرخاشگری با مسئولیت‌پذیری و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اهواز" پرداخت. بر اساس نتایج این پژوهش، تفاوت معناداری بین مسئولیت‌پذیری دختران و پسران مشاهده نشد. مطالعه میزان مسئولیت‌پذیری زنان و مردان با استفاده از مقیاس مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا^۲ (CPI-R) روی ۲۸۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته‌های فنی نشان داده شد که بین نمره مسئولیت‌پذیری در دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مطالعه ای دیگر نشان داده شد که زنان و مردان در مسئولیت‌های مربوط به انجام وظایف منزل و مسئولیت‌هایی که در ارتباط خویشاوندان و نزدیکان است نمره بالاتری از مردان گرفتند و مردان در انجام مسئولیت‌های بزرگ‌تر مانند رئیس یک مدرسه، شهرداری یک ایالت نمره بهتری گرفتند.

۲-۱۵-۲ پژوهش‌های انجام شده در خارج کشور

پژوهشی توسط لانگ و گومینگ چن^۳ (۲۰۰۷) انجام پذیرفته است که نتیجه نشان می‌دهد که در مقایسه با دانش‌آموزان پسر موضوعاتی از قبیل ارتباط با دیگران و مسئولیت‌پذیری دینامیک‌های اصلی در تعریف هویت برای دانش‌آموزان دختر می‌باشد.

پژوهشی توسط باری جی، زیمرمان و اتاستاز^۴ (۲۰۰۵) تحت عنوان "تکالیف درسی و پیشرفت آموزشی با هدف پژوهش بررسی اثر تکالیف درسی بر نقش خود تنظیمی و مسئولیت‌پذیری" انجام

^۱ . Plante & Rodin

^۲ . California Personality Inventory-Responsibility

^۳ . Long & Chen

^۴ . Bari j. Zimmerman and Etaztar

پذیرفته است که نتیجه نشان می‌دهد که بین تکلیف شب و خود اثر بخشی دختران برای یادگیری و مسئولیت‌پذیری رابطه معنادار وجود دارد.

پژوهشی توسط لوین واسکوارتز^۱ (۲۰۰۱) انجام پذیرفته است که نتیجه نشان می‌دهد که عدم مسئولیت‌پذیری، سلامت هویت را به خطر می‌اندازد؛ یعنی یا موجب وقفه در رشد هویت می‌شود و فرد دیرتر به بلوغ فکری می‌رسد و یا شناخت او از زندگی سطحی خواهد بود. در نتیجه آمادگی مقابله با تکالیف پیچیده بزرگسالی در او ایجاد نمی‌شود، اما مسئولیت‌پذیری موجب تشکیل یک هویت سالم می‌شود؛ طوری که فرد آمادگی مقابله با مشکلات را در خود ایجاد کرده؛ زودتر به بلوغ فکری می‌رسد و شناخت او از مسائل عمیق‌تر خواهد شد. (به نقل از خدیوی والهی، ۱۳۹۲)

پژوهشی توسط مازلو (۲۰۰۱) انجام پذیرفته است که نتیجه نشان می‌دهد که لازمه احساس تعلق به وجود آمدن احساس امنیت و لازمه به وجود آمدن عزت‌نفس، به وجود آمدن دو نیاز احساس امنیت و احساس تعلق و لازمه مسئولیت‌پذیری تأمین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت‌نفس است؛ از سوی دیگر نقش مدرسه بسیار تعیین‌کننده‌تر از خانواده است.

سیلوا^۲ (۱۹۸۴) در پژوهشی در مورد ۱۸۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۹۰ نفر ورزشکار و ۹۰ نفر غیر ورزشکار) به این نتیجه رسید که نوجوانان ورزشکار در تمامی خصوصیات همکاری، شعور اجتماعی، رهبری و مسئولیت‌پذیری، خویشتن‌داری، انعطاف‌پذیری، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، مدارا، احساس سلامتی، پیشرفت، استقلال، احساس سلامتی و سلطه‌گری در مرتبه بالاتری نسبت به غیر ورزشکاران قرار دارند.

^۱ . Lovin and Eskovartez

^۲ . Silva

همچنین استفان^۱ (۲۰۰۲) نیز پژوهشی روی دو گروه ورزشکار انجام داد، وی ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران را این‌گونه بیان کرد که ورزشکاران بیشتر اجتماعی و مسئولیت‌پذیر هستند، اعتماد به نفس و مدیریت بهتر، سازگاری اجتماعی و ساختار شخصیتی بالاتری دارند.

نتایج تحقیقات لندرز و لندرز^۲ (۱۹۷۸) نشان داد که مسابقات ورزشی مدارس در کاهش میانگین بزهکاری نوجوانان تأثیرات مفیدی دارد. همچنین این نتایج مشخص کرد که بالاترین میانگین بزهکاری در بین دانش‌آموزانی بود که در برنامه‌های ورزشی داخل مدرسه شرکت نمی‌کنند و برعکس، کم‌ترین میانگین بزهکاری در بین دانش‌آموزان ورزشکار و رهبران خدمات ورزشی بود. دامونو^۳ (۱۹۸۳) فعالیت‌های گروهی و ورزشی را در بیان عواطف، خلاقیت، کنجکاوی و خودکنترلی مؤثر دانست. همچنین نتایج تحقیقات ریچاردسون^۴ (۱۹۸۴) نشان داد شرکت در فعالیت‌های تفریحی و ورزشی موجب حفظ ثبات عاطفی و تعادل در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (به نقل از آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴).

۲-۱۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد از مهم‌ترین اهداف تربیت‌بدنی، اهداف عاطفی-اجتماعی است. معمولاً میزان تحقق این هدف با شاخص‌های مختلف رشد اجتماعی، عاطفی و اخلاقی اندازه‌گیری می‌شود که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اجتماعی و جامعه‌پذیری، مسئولیت‌پذیری است. با توجه به مطالعات انجام شده درباره مسئولیت‌پذیری، نتایج نشان داده که از مطالعات مختلف نتایج متفاوتی بدست آمده که

^۱ . Stephens

^۲ . Landers & Landers

^۳ . Damonnow

^۴ . Richardson

برخی از مطالعات نشان دادند که ورزشکاران در مقایسه با غیر ورزشکاران از نظر سطوح مسئولیت پذیری بالاتر از غیر ورزشکاران بودند هلیسون و همکاران (۲۰۰۳) ، نظری نفوتی (۱۳۹۱) و نوفرستی (۱۳۸۹) . همچنین برخی از مطالعات هاکی از تفاوت میزان مسئولیت پذیری در بین دختران و پسران بودند، باقری (۱۳۹۰) و فیشر (۱۹۸۸) به این نتیجه رسیدند که دختران از نظر مسئولیت‌پذیری بالاتر از پسران هستند، اما کردلو (۱۳۸۷) و فرهادی (۱۳۸۵) به این نتیجه رسیدند که هیچ تفاوتی بین دختران و پسران دانش‌آموز از نظر مسئولیت‌پذیری وجود ندارد. لذا با توجه به این نتایج انجام پژوهشی به عنوان مقایسه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار جهت شناخت بهتر میزان مسئولیت‌پذیری این قشر از افراد جامعه و ارائه راهکارهایی جهت افزایش میزان مسئولیت-پذیری آنان ضروری می نماید.

فصل سوم

روش‌شناسی پژوهش

۳-۱ مقدمه

در این فصل به مراحل اجرای پژوهش پرداخته شده است. موضوعات این فصل شامل نوع پژوهش، جامعه آماری، نمونه آماری، ابزار پژوهش، روش اجرای پژوهش و جمع آوری اطلاعات و در نهایت روش-های آماری تجزیه و تحلیل داده ها است.

۳-۲ نوع پژوهش

این پژوهش علی و از نوع مقایسه ای است که با استفاده ابزار پرسشنامه، میزان مسئولیت پذیری (تعهد درونی و تعهد بیرونی) دانش آموزان مقطع متوسطه دوم (ورزشکار و غیر ورزشکار) را می سنجد.

۳-۳ جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم مدارس دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ است که مسئولیت پذیری آنان بر اساس دیدگاه خودشان بررسی شد. طبق اطلاعات واحد آمار اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ و ۲ شهر ساری، تعداد دانش آموزان مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به شرح جدول (۳-۱) است.

جدول ۳-۱: جامعه آماری پژوهش به تفکیک جنسیت و ناحیه آموزشی (مدارس)

جمع کل	مجموع دانش آموزان در دو جنسیت	دختر	پسر	دانش آموزان ناحیه
۱۱۲۲۷	۶۸۴۹	۳۵۸۶	۳۲۶۳	ناحیه یک
	۴۳۷۸	۲۳۰۸	۲۰۷۰	ناحیه دو
		۵۸۹۴	۵۳۳۳	مجموع دانش آموزان دو ناحیه
		۱۱۲۲۷		جمع کل

۳-۴ نمونه آماری پژوهش

نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و تصادفی انجام گرفته است. طبق جدول مورگان^۱، در یک جامعه آماری ۱۱۲۲۷ نفری، تعداد نمونه باید ۳۸۴ نفر باشد. با توجه به احتمال افت آزمودنی‌ها، تعداد ۴۲۵ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان توزیع گردید که از این تعداد ۴۰۳ پرسشنامه به دست محقق رسید که تعداد ۳۸۷ پرسشنامه قابل استفاده بوده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. با توجه به این که تعداد دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار در جامعه آماری مورد نظر، به ترتیب برابر با ۶۰۰ و ۱۰۶۲۷ نفر بودند، بنابراین از این ۴۲۵ نفر دانش‌آموز، ۲۵۵ نفر غیرورزشکار و ۱۷۰ نفر ورزشکار محاسبه شدند. در ابتدا شهر ساری به دو ناحیه ۱ و ۲ تفکیک شد، بنابراین از ۱۶ دبیرستان تعداد ۴ دبیرستان از دو ناحیه (برای هر ناحیه ۲ دبیرستان) که شامل ۴ دبیرستان عادی (از هر ناحیه یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه) به طور تصادفی انتخاب شدند و برای انتخاب دانش‌آموزان ورزشکار به روش خوشه‌ای مرحله‌ای، به دو هنرستان ورزش شهر ساری که یک هنرستان دخترانه و یک هنرستان ورزش پسرانه بوده است، مراجعه شد. همچنین تعدادی از دانش‌آموزان ورزشکار از بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های عادی انتخاب شدند؛ که این انتخاب با توجه به تقسیم‌بندی صورت گرفته برای تعداد افراد ورزشکار و غیر ورزشکار اعمال گردیده است. پس از انتخاب مدارس تعداد ۴۲۵ پرسشنامه به صورت تصادفی ساده توسط دانش‌آموزان تکمیل شدند که تنها ۳۸۷ پرسشنامه (برای غیرورزشکار ۲۳۶ و برای ورزشکار ۱۵۱ پرسشنامه) برای بررسی‌های آماری مورد استفاده قرار گرفت. تعداد ورزشکاران دختر و پسر به ترتیب برابر با ۷۹ و ۷۲ نفر و تعداد غیر ورزشکاران دختر و پسر به ترتیب برابر با ۱۴۴ و ۱۲۶ نفر بوده‌اند.

^۱ . Krijcie & Morgan

جدول ۳-۲: اطلاعات مربوط به نحوه برآورد نمونه و تعداد پرسشنامه‌ها

تعداد کل	برآورد نمونه	توزیع شده	برگشتی	قابل استفاده	
۶۰۰	۱۵۵	۱۷۰	۱۵۷	۱۵۱	ورزشکار
۱۰۶۲۷	۲۳۰	۲۵۵	۲۴۳	۲۳۶	غیر ورزشکار

۳-۵ ابزار پژوهش

در این پژوهش برای بررسی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از پرسشنامه استاندارد مسئولیت-پذیری کردلو (۱۳۹۳) استفاده شده است. این پرسشنامه بر اساس دو سطح تعهد درونی (فردی) و تعهد بیرونی (اجتماعی)، میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را می‌سنجند. همچنین در ابتدای این پرسشنامه، اطلاعات جمعیت شناختی که شامل: جنسیت، رشته ورزشی، مدت فعالیت و سطح شرکت در مسابقات در نظر گرفته شده است.

۳-۵-۱ پرسشنامه میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

برای بررسی میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از پرسشنامه کردلو (۱۳۹۳) استفاده شد. این پرسشنامه، از ۲۲ سؤال با مقیاس ۴ ارزشی لیکرت در پیوستاری از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) تشکیل شده است و دو بعد اصلی تعهد درونی که (سؤالات ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸ و ۲۰) و تعهد بیرونی که (سؤالات ۱، ۲، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲) را در بر می‌گیرد.

۳-۵-۲ پایایی و روایی ابزار پژوهش

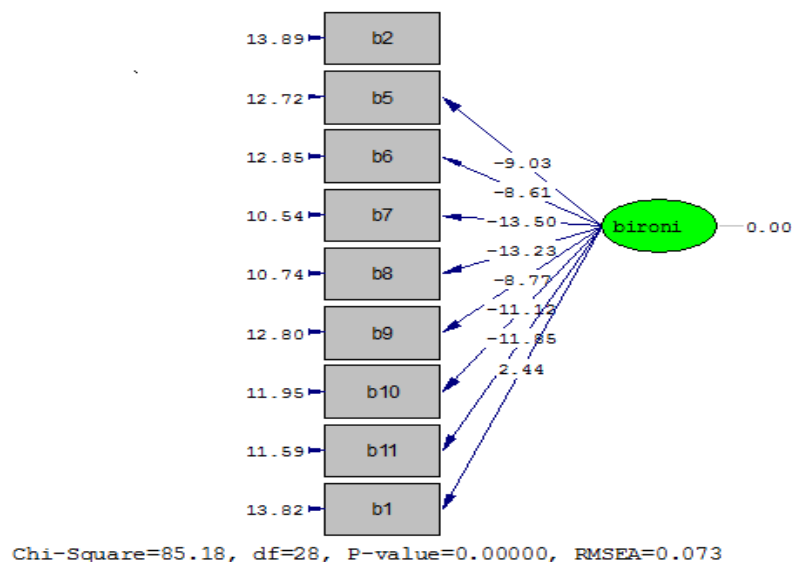
برای تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ابتدا در اختیار ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و اساتید مدیریت و روانشناسی و در اختیار ۵ تن از کارشناسان و معلمان خبره در آموزش و پرورش قرار گرفت تا نظرات تخصصی خود را در مورد چگونگی نگارش سؤالات، محتوای پرسشنامه، ارتباط سؤالات با

گزینه‌ها و هماهنگی سؤالات با اهداف پژوهش اعلام نمایند. پس از بررسی و لحاظ کردن نظرها و پیشنهادها، پرسشنامه نهایی تنظیم و تأیید شد و در اختیار نمونه آماری موردنظر یعنی دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم قرار گرفت. سپس جهت تأیید روایی سازه پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نسخه (۸/۸) عملیات تحلیل عاملی تأییدی انجام گردید که با توجه به نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار تعداد دو سؤال از پرسشنامه تعهد بیرونی (سؤال ۳ و ۴) و یک سؤال از پرسشنامه تعهد درونی (سؤال ۱) به دلیل پایین بودن بارعاملی ($t < 1.96$) در تجزیه و تحلیل نهایی حذف گردیده‌اند.

خروجی مربوط به تعهد بیرونی در حالت حذف دو سؤال و شاخص‌های برازش آن در جدول (۳-۳) و شکل (۱-۳) ارائه شده است.

جدول ۳-۳: شاخص‌های برازش پرسشنامه تعهد بیرونی

شاخص‌های برازش	X^2	CFI	NNFI	NFI	GFI	AGFI	RMSEA
مقدار قابل قبول	> 5	< 0.90	< 0.90	< 0.90	< 0.90	< 0.90	< 0.1
مقادیر برازش	۳/۰۴	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۰۷۳



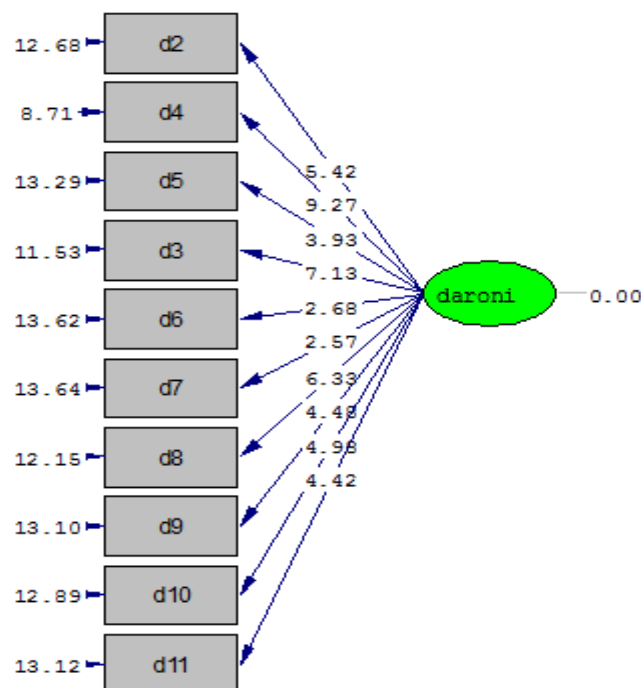
شکل ۱-۳: مدل تأییدی پرسشنامه تعهد بیرونی در حالت ارزش t یا سطح معناداری

با توجه به خروجی مربوط به تعهد بیرونی سوالات شماره ۳ و ۴ به دلیل پایین بودن بار عاملی در تجزیه و تحلیل نهایی حذف گردیده‌اند.

خروجی مربوط به تعهد درونی در حالت حذف دو سؤال و شاخص‌های برازش آن در جدول (۴-۳) و شکل (۲-۳) ارائه شده است.

جدول ۴-۳: شاخص‌های برازش پرسشنامه تعهد درونی

شاخص‌های برازش	X ² /df	CFI	NNFI	NFI	GFI	AGFI	RMSEA
مقدار قابل قبول	> ۵	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۱
مقادیر برازش	۲/۱۷	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۰۵۵



Chi-Square=75.99, df=35, P-value=0.00007, RMSEA=0.055

شکل ۲-۳: مدل تأییدی پرسشنامه تعهد درونی در حالت ارزش تی یا سطح معناداری

با توجه به خروجی مربوط به تعهد درونی سوال شماره ۱ به دلیل پایین بودن بار عاملی در تجزیه و تحلیل نهایی حذف گردید.

برای تعیین پایایی (ثبات درونی) پرسشنامه‌ها، در یک مطالعه راهنما تعداد ۳۰ پرسشنامه به دانش-آموزان موردنظر، تحویل داده شد که در نهایت میزان پایایی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری از دیدگاه دانش‌آموزان ($\alpha=0.75$) با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ تأیید شد. ضمناً پایایی هر یک از سطوح مسئولیت‌پذیری نیز جداگانه محاسبه شد (جدول ۳-۲).

جدول ۳-۵: میزان پایایی پرسشنامه‌های پژوهش

سطوح مسئولیت‌پذیری	مقدار آلفا
تعهد درونی	۰/۷۰
تعهد بیرونی	۰/۷۱
کلی	۰/۷۵

۳-۶ روش توزیع پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها

پس از هماهنگی لازم با اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران، جهت کسب مجوز برای توزیع پرسشنامه‌ها در مدارس به اداره آموزش و پرورش نواحی یک و دو مراجعه شد و پس از دریافت مجوز، اسامی و اطلاعات مربوط به تمام مدارس تحت پوشش آن نواحی در اختیار محقق قرار گرفت. پس از تکثیر پرسشنامه‌ها به تعداد کافی، با در دست داشتن معرفی‌نامه آموزش و پرورش هر ناحیه به مدارس مراجعه شد که از هر ناحیه انتخاب شده بودند.

بعد از انجام توضیحات لازم به دانش‌آموزان، پرسشنامه‌های مسئولیت‌پذیری به آنها داده شد و از آنها خواسته شد پرسشنامه را به دقت مطالعه نموده و به سؤالات مطرح شده در پرسشنامه پاسخ بدهند. توزیع پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری آنها در حدود دو ماه و در بازه زمانی اواسط اسفند ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۵ به طول انجامید.

۳-۷ روش‌های تحلیل آماری

از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد) برای ارزیابی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و همچنین تعیین میزان اهمیت متغیرها استفاده شد. از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲

به منظور تجزیه و تحلیل آماری و آزمون فرضیه‌های پژوهش و از آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها استفاده شد. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از نظرات کارشناسان و از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸ جهت تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. برای تعیین چگونگی توزیع داده‌های پژوهش از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف یک گروهی و در تحلیل فرضیه‌های پژوهش با توجه به غیر نرمال بودن داده‌ها در سطوح تعهد بیرونی و درونی از روش‌های آماری یومن ویتنی در سطح معناداری $p \leq 0/05$ استفاده شده است. ولی با توجه به نرمال بودن داده‌ها در مسئولیت‌پذیری کلی از آزمون t مستقل استفاده شده است.

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

۴-۱ مقدمه

در این فصل اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها از دیدگاه دانش‌آموزان جهت مقایسه میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار دختر و پسر در دو بخش توصیفی و استنباطی بررسی شده است.

در بخش اول مشخصات فردی، میانگین، انحراف معیار و فراوانی درصدی یافته‌های پژوهش به صورت جدول توزیع فراوانی و شکل گزارش شده است. در بخش دوم نیز فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴-۲ توصیف ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها

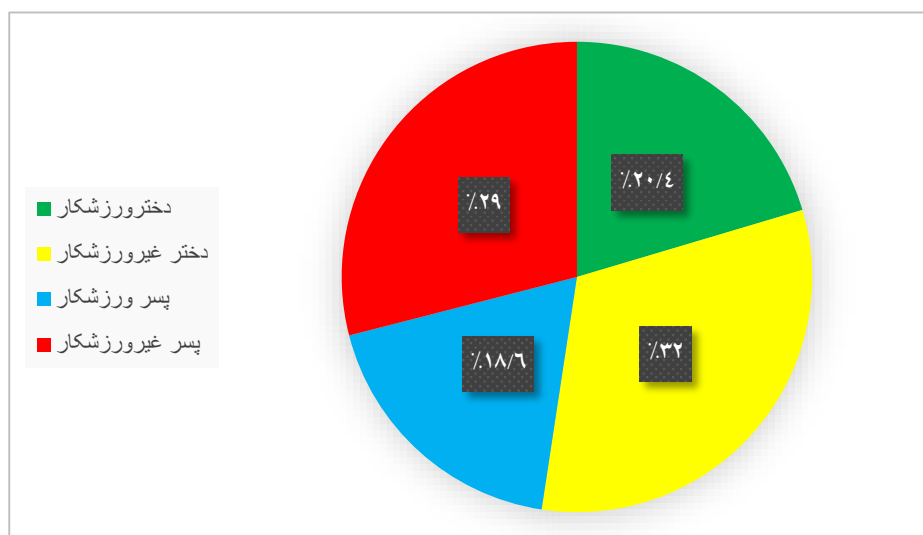
در این بخش ویژگی‌های دموگرافیک دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفته شده است. جدول (۴-۱) شاخص‌های توصیفی جنسیت دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱: شاخص‌های توصیفی جنسیت دانش‌آموزان

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۲۰۳	۵۲/۵
پسر	۱۸۴	۴۷/۵
مجموع	۳۸۷	۱۰۰

همانطور که در جدول (۴-۱) ملاحظه می‌شود تعداد دانش‌آموزان دختر از تعداد دانش‌آموزان پسر بیشتر می‌باشد که این مورد هم در دانش‌آموزان ورزشکار و هم در دانش‌آموزان غیر ورزشکار صدق می‌کند.

شکل (۴-۱) توصیف وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت را نشان می‌دهد.



شکل ۴-۱: توصیف وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان دختر و پسر

با توجه به شکل (۴-۱) ۳۹ درصد دانش‌آموزان دختر و پسر ورزشکار بودند و ۶۱ درصد دانش‌آموزان غیر ورزشکار بودند.

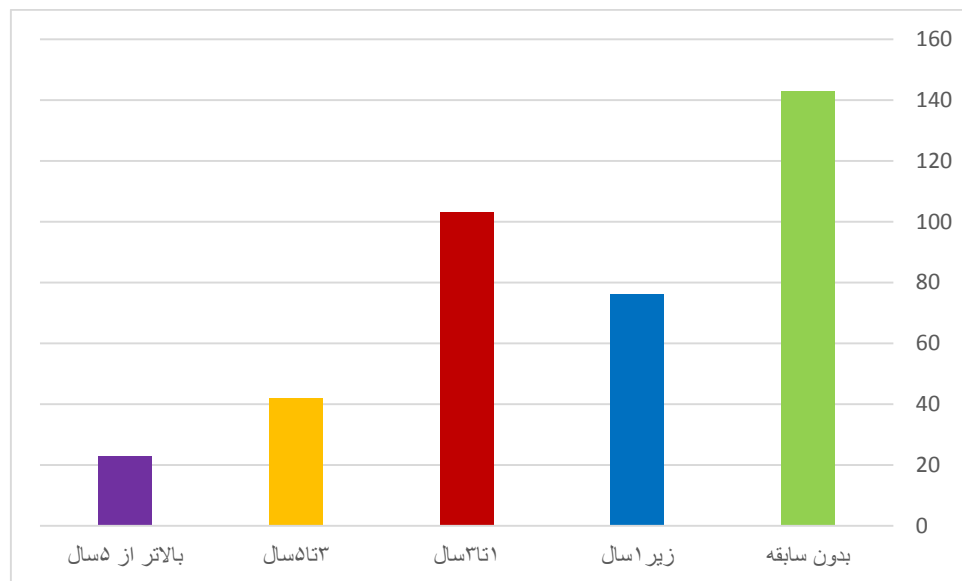
جدول (۴-۲) وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد که دانش‌آموزان را در سه گروه بدون فعالیت، ورزشکاران رشته‌های انفرادی و ورزشکاران رشته‌های اجتماعی تقسیم کرده است.

جدول ۴-۲: توصیف وضعیت فعالیت ورزشی دانش‌آموزان

نوع فعالیت	فراوانی	درصد
بدون فعالیت	۱۳۸	۳۵/۷
ورزش‌های انفرادی	۱۸۴	۴۷/۵
ورزش‌های اجتماعی	۶۵	۱۶/۸
مجموع	۳۸۷	۱۰۰

همانطور که در جدول (۲-۴) مشاهده می‌گردد، یافته‌های حاصل از پژوهش نشان دادند که ۳۵/۷ درصد از دانش‌آموزان هیچ‌گونه سابقه فعالیت ورزشی ندارند و یا به طور مرتب ورزش نمی‌کنند و ۶۴/۳ درصد دانش‌آموزان دارای سابقه فعالیت ورزشی می‌باشند.

شکل (۲-۴) وضعیت سابقه شرکت در فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزان را در پنج گروه نشان می‌دهد.



شکل ۲-۴: توصیف وضعیت سابقه ورزشی دانش‌آموزان

شکل (۲-۴) نشان می‌دهد تعداد ۱۶۸ نفر از دانش‌آموزان بالاتر از یک سال سابقه ورزشی داشته‌اند و تعداد ۲۱۹ نفر از دانش‌آموزان هیچ‌گونه سابقه ورزشی نداشته یا کمتر از یک سال سابقه فعالیت داشته‌اند.

۳-۴ توصیف یافته‌های مربوط به متغیرهای پژوهش

جدول (۳-۴) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را در سه سطح تعهد درونی، تعهد بیرونی و مسئولیت‌پذیری کلی نشان می‌دهد.

جدول ۴-۳: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد نمونه	M±SD	حداقل	حداکثر
تعهد درونی	۳۸۷	۱/۶۹ ± ۰/۳۰۶	۱/۰۰	۲/۶۰
تعهد بیرونی	۳۸۷	۲/۳۰ ± ۰/۴۷۱	۱/۱۱	۴/۰۰
مسئولیت‌پذیری (کلی)	۳۸۷	۱/۹۹ ± ۰/۳۲۲	۱/۱۱	۳/۰۳

همان‌طور که در جدول (۳-۴) ملاحظه می‌گردد، مؤلفه تعهد بیرونی دارای بالاترین میانگین بوده و همچنین تعهد درونی کمترین میانگین را دارا بوده است.

۴-۴ آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته‌اند. تمام فرضیه‌های پژوهش در سطح معناداری $P \leq 0/05$ مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نتایج حاصله درجداول مربوطه ارائه شده است.

۴-۴-۱ بررسی چگونگی توزیع داده‌ها

در جدول (۴-۴) مشاهده می‌گردد، سطح معناداری هر دو بعد پرسشنامه مسئولیت‌پذیری (تعهد درونی و بیرونی) کمتر از سطح آلفا می‌باشد (کمتر از $\alpha = 0/05$)، لذا توزیع داده‌ها غیر نرمال می‌باشد و برای بررسی فرضیه‌های آماری از آزمون‌های ناپارامتریک (یو-من-ویتنی) استفاده می‌گردد، اما با توجه به اینکه سطح معناداری مسئولیت‌پذیری کلی بالاتر از سطح آلفا می‌باشد (بیشتر از $\alpha = 0/05$) لذا برای بررسی فرضیه‌های آماری از آزمون t مستقل استفاده می‌گردد.

جدول ۴-۴: نتایج آزمون فرض نرمال بودن پرسشنامه و ابعاد آن‌ها توسط آزمون K-S

پرسشنامه	ابعاد	تعداد نمونه	M±SD	آماره Z	معناداری
مسئولیت‌پذیری	تعهد درونی	۳۸۷	۱/۶۹ ± ۰/۳۰۶	۱/۶۵۳	۰/۰۰۸
	تعهد بیرونی	۳۸۷	۲/۳۰ ± ۰/۴۷۱	۲/۳۷۳	۰/۰۰۱
	کل	۳۸۷	۱/۹۹ ± ۰/۳۲۲	۰/۷۷۱	۰/۵۹۲

۴-۴-۲ فرضیه اول

فرض تحقیق (H_1): بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد.

فرض صفر (H_0): بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه اول با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۵) ارائه شده است.

جدول ۴-۵: آزمون t مستقل جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار

گروه	$M \pm SD$	آماره t	سطح معناداری	آزمون لون
ورزشکار ($n = 151$)	$2/06 \pm 0/312$	۳/۰۵۹	۰/۰۰۲	آماره F معناداری
غیر ورزشکار ($n = 236$)	$1/95 \pm 0/323$			

$P \leq 0/05$

اطلاعات جدول (۴-۵)، نشان می‌دهد Z به دست آمده از آزمون t مستقل و در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد و نمره مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار به طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزان غیر ورزشکار می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

۴-۴-۳ فرضیه دوم

فرض تحقیق (H_1): بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرض صفر (H_0): بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه دوم با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۶) ارائه شده است.

جدول ۴-۶: آزمون t مستقل جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر

گروه	M±SD	آماره T	سطح معناداری	آزمون لون
پسر (n= ۱۸۴)	۲/۰۳ ± ۰/۳۱۷	۱/۹۸۴	۰/۰۵	آماره F
دختر (n= ۲۰۳)	۱/۹۶ ± ۰/۳۲۵			معناداری

$$P \leq 0/05$$

اطلاعات جدول (۴-۶)، نشان می‌دهد Z به دست آمده از آزمون t مستقل و در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد و نمره مسئولیت‌پذیری پسران به طور معناداری بالاتر از دختران می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

۴-۴-۴ فرضیه سوم

فرض تحقیق (H_1): بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرض صفر (H_0): بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه سوم با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۷) ارائه شده است.

جدول ۴-۷: آزمون t مستقل جهت بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر

گروه	M±SD	آماره T	سطح معناداری	آزمون لون
مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان	دختر ورزشکار (n= ۷۹) ۲/۰۷ ± ۰/۳۲۲	۳/۶۸۳	۰/۰۰۱	آماره F معناداری ۰/۷۳۱ ۰/۳۹۴
دختر غیر ورزشکار (n= ۱۲۴)	۱/۹۰ ± ۰/۳۱۲			

$P \leq 0/05$

اطلاعات جدول (۴-۷)، نشان می‌دهد Z به دست آمده از آزمون t مستقل و در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد و نمره مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار به طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزان دختر غیر ورزشکار می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

۴-۴-۵ فرضیه چهارم

فرض تحقیق (H_1): بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرض صفر (H_0): بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه چهارم با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۸) ارائه شده است.

جدول ۴-۸: آزمون t مستقل جهت بررسی مسئولیت پذیری دانش آموزان پسر

گروه	M±SD	آماره T	سطح معناداری	آزمون لون
پسر ورزشکار (n= ۷۲)	۲/۰۵ ± ۰/۳۰۳	۰/۶۰۵	۰/۵۴۶	آماره F معناداری
پسر غیر ورزشکار (n= ۱۱۲)	۲/۰۱ ± ۰/۳۲۷			

$P \leq 0/05$

اطلاعات جدول (۴-۸)، نشان می دهد Z به دست آمده از آزمون t مستقل و در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نیست. بنابراین بین میزان مسئولیت پذیری دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود.

۴-۴-۶ فرضیه پنجم

فرض تحقیق (H_1): بین مسئولیت پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش-آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرض صفر (H_0): بین مسئولیت پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه پنجم با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و غیرنرمال بودن داده ها از آزمون یومن ویتنی استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۹) ارائه شده است.

جدول ۴-۹: آزمون یومن ویتنی جهت بررسی تعهد درونی و بیرونی بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار

گروه	M±SD	نمره Z	آماره U	سطح معناداری
تعهد درونی	ورزشکار (n= ۱۵۱) $1/75 \pm 0/286$	$-3/073$	۱۴۵۳۶/۰۰۰	۰/۰۰۲
	غیر ورزشکار (n= ۲۳۶) $1/65 \pm 0/313$			
تعهد بیرونی	ورزشکار (n= ۱۵۱) $2/36 \pm 0/495$	$-1/937$	۱۵۷۴۵/۵۰۰	۰/۰۵۳
	غیر ورزشکار (n= ۲۳۶) $2/26 \pm 0/452$			

$P \leq 0/05$

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جدول (۴-۹)، نشان می‌دهد Z به دست آمده از آزمون یومن ویتنی در تعهد درونی و در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین بین میزان مسئولیت‌پذیری درونی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد و نمره دانش‌آموزان ورزشکار به طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزان غیر ورزشکار می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. اما Z به دست آمده از آزمون یومن ویتنی در تعهد بیرونی و در سطح $p \leq 0/05$ نشان می‌دهد تفاوت نمره مسئولیت‌پذیری بیرونی بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۴-۴-۷ فرضیه ششم

فرض تحقیق (H_1): بین مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرض صفر (H_0): بین مسئولیت‌پذیری فردی (تعهد درونی) و اجتماعی (تعهد بیرونی) دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه ششم با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و غیر نرمال بودن داده‌ها از آزمون یومن ویتنی استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۴-۱۰) ارائه شده است.

جدول ۴-۱۰: آزمون یومن ویتنی جهت بررسی تعهد درونی و بیرونی بین دانش‌آموزان دختر و پسر

گروه	M±SD	نمره Z	آماره U	سطح معناداری
تعهد درونی	پسر (n= ۱۸۴) ۱/۷۵ ± ۰/۲۹۵	-۳/۸۵۴	۱۴۴۶۲/۰۰۰	۰/۰۰۱
	دختر (n= ۲۰۳) ۱/۶۴ ± ۰/۳۰۷			
تعهد بیرونی	پسر (n= ۱۸۴) ۲/۳۰ ± ۰/۴۶۶	-۰/۳۳۳	۱۸۳۱۱/۵۰۰	۰/۷۳۹
	دختر (n= ۲۰۳) ۲/۲۹ ± ۰/۴۷۶			

$p \leq 0/05$

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جدول (۴-۱۰)، نتایج نشان می‌دهد Z به دست آمده از آزمون یومن ویتنی در تعهد درونی و در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین بین میزان مسئولیت‌پذیری درونی دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس مقطع متوسطه دوم شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد و نمره مسئولیت‌پذیری پسران به طور معناداری بالاتر از دختران می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه تحقیق رد می‌شود. اما Z به دست آمده از آزمون یومن ویتنی در تعهد بیرونی و در سطح $p \leq 0/05$ نشان می‌دهد تفاوت نمره مسئولیت‌پذیری بیرونی بین دختران و پسران معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

فصل پنجم

بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱ مقدمه

در این فصل ابتدا خلاصه‌ای از طرح پژوهش، مبانی نظری، پیشینه و نتایج پژوهش ارائه شده است. سپس نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر با نتایج و یافته‌های پژوهش سایر محققان مقایسه، بحث و بررسی شده و در پایان پیشنهادهای کاربردی برای مسئولان و برنامه‌ریزان ورزش کشور (به ویژه در حوزه آموزش و پرورش) و همچنین موضوعاتی برای مطالعات آینده ارائه شده است.

۵-۲ خلاصه پژوهش

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری است (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۴ و رضانی‌نژاد، ۱۳۸۶). مسئولیت‌پذیری به معنی به عهده گرفتن یا عهده‌داری زندگی خود، تشخیص وظایف خانوادگی، اجتماعی، کشوری و ملی است. انسان مسئولیت‌پذیر کسی است که بر اساس عزت‌نفس خویش و با احترام به حقوق و نظرات سایرین، انتخاب‌ها و دیدگاه‌های خود را ارزیابی نموده و نهایتاً پیامدهای اعمال و تصمیماتش را می‌پذیرد (فرهادی، ۱۳۸۳). مسئولیت‌پذیری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی است که با بسیاری از خصیصه‌های عاطفی-اجتماعی و اخلاقی مانند نوع دوستی، انگیزه پیشرفت، هویت موفق، عزت‌نفس و رفتارهای مطلوب اجتماعی رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ دارد (احمدی، ۱۳۹۰؛ ایمان و مرادی، ۱۳۹۰؛ باقری، ۱۳۹۰؛ حریری، ۱۳۸۶ و رضانی-دیسفانی، ۱۳۸۰).

این پژوهش با هدف بررسی نقش ورزش در کمک به رشد مسئولیت‌پذیری نوجوانان دانش‌آموز طرح-ریزی شده است.

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع مطالعات مقایسه‌ای است که با استفاده از پرسشنامه اجرا شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم مدارس دولتی شهر ساری (۱۱۲۲۷ نفر) در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ تشکیل دادند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان با استفاده از پرسشنامه ۲۲ سؤالی کردلو (۱۳۹۳) شامل دو بعد تعهد درونی (یا فردی) ۱۱ سؤال و تعهد بیرونی

(یا اجتماعی) ۱۱ سؤال ارزیابی شد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و تصادفی انجام گرفت. طبق جدول مورگان، تعداد نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. با توجه به احتمال افت آزمودنی‌ها، تعداد ۴۲۵ نفر دانش‌آموز انتخاب شدند و با توجه به برآورد نمونه و اینکه تعداد دانش‌آموزان غیرورزشکار بیشتر از ورزشکار بوده ۲۵۵ پرسشنامه برای دانش‌آموزان غیرورزشکار و ۱۷۰ پرسشنامه برای دانش‌آموزان ورزشکار در نظر گرفته شد که از این تعداد پرسشنامه توزیع شده تعداد ۲۴۳ پرسشنامه دانش‌آموزان غیرورزشکار و تعداد ۱۵۷ پرسشنامه دانش‌آموزان ورزشکار به دست محقق رسیده که از این تعداد پرسشنامه برگشت شده در پایان از ۲۳۶ پرسشنامه قابل استفاده دانش‌آموزان غیرورزشکار و ۱۵۱ پرسشنامه دانش‌آموزان ورزشکار (جمعاً ۳۸۷ پرسشنامه) جهت تحلیل و نتیجه‌گیری این پژوهش استفاده گردید.

برای تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه به همراه اهداف پژوهش در اختیار ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و اساتید مدیریت و روانشناسی و ۵ تن از کارشناسان و معلمان خبره در آموزش و پرورش قرار گرفت تا نظرات تخصصی خود را در مورد چگونگی نگارش سؤالات، محتوای پرسشنامه، ارتباط سؤالات با گزینه‌ها و هماهنگی سؤالات با اهداف پژوهش اعلام نمایند. پس از بررسی و لحاظ کردن نظرها و پیشنهادهای پرسشنامه نهایی تنظیم و تأیید شد و در اختیار نمونه آماری موردنظر دختر و پسر مقطع قرار گرفت. سپس جهت تأیید روایی سازه پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نسخه (۸/۸) عملیات تحلیل عاملی تأییدی انجام گردید که با توجه به نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار تعداد دو سؤال از پرسشنامه تعهد بیرونی (سؤال ۳ و ۴) و یک سؤال از پرسشنامه تعهد درونی (سؤال ۱) به دلیل پایین بودن بارعاملی (کمتر از ۰/۰۵) در تجزیه و تحلیل نهایی حذف شدند.

ضمناً، در یک مطالعه راهنما روی ۳۰ نفر از جامعه مورد مطالعه، پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای تعهد درونی (۰/۷۰)، تعهد بیرونی (۰/۷۱) و مسئولیت‌پذیری کلی (۰/۷۵) محاسبه و تأیید شد.

پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات حاصل با استفاده از آزمون‌های آماری به کمک نرم افزار spss نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آزمون یومن ویتنی برای مقایسه گروه‌ها و از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش در سطح $p \leq 0.05$ استفاده شد.

یافته‌های حاصل از پژوهش در بخش توصیفی نشان داد:

➤ از مجموع ۳۸۷ نفر دانش‌آموزان مورد مطالعه، تعداد ۲۰۳ نفر (۵۲/۵٪) دختر و تعداد ۱۸۴ نفر (۴۷/۵٪) پسر بودند. از این تعداد، ۱۵۱ نفر (۳۹٪) ورزشکار و ۷۹ نفر دختر و ۷۲ نفر پسر) و ۲۳۶ نفر (۶۱٪) غیر ورزشکار بودند.

➤ از مجموع ۳۸۷ نفر دانش‌آموزان ۱۳۸ نفر (۳۵/۷٪) بدون فعالیت و ۱۸۴ نفر (۴۷/۵٪) سابقه فعالیت در بخش ورزش‌های انفرادی و ۶۵ نفر (۱۶/۸٪) در ورزش‌های اجتماعی سابقه فعالیت داشتند.

➤ در بخش آمار توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش، در بعد تعهد درونی میانگین برابر با ۱/۶۹ و در بعد تعهد بیرونی ۲/۳۰ و در مسئولیت‌پذیری کلی میانگین برابر با ۱/۹۹ بود.

یافته‌های حاصل از پژوهش در بخش استنباطی نشان داد:

نتایج استفاده از آزمون t مستقل نشان داد که بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود داشت ($T = 3.059$). همچنین نتایج نشان داد بین دانش‌آموزان دختر و پسر نیز تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($T = 1.984$). نتایج استفاده از آزمون t مستقل نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیرورزشکار مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود داشت ($T = 3.683$). اما بین دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود نداشته است ($T = 0.605$).

نتایج استفاده از آزمون یومن ویتنی نشان داد که بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار در بعد تعهد درونی تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود داشت ($Z = -3.073$). ولی در بعد تعهد بیرونی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($Z = -1.937$). همچنین نتایج استفاده از آزمون یومن ویتنی نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر در بعد تعهد درونی تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود داشت ($Z = -3.854$) ولی در بعد تعهد بیرونی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($Z = -0.333$).

۵-۳ بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت تحلیل یافته‌ها با توجه به ادبیات پژوهش که با مؤلفه‌های این پژوهش ارتباط دارند، توضیح داده می‌شوند و در نهایت نتیجه‌گیری انجام گرفته و پیشنهادها ارائه می‌شوند.

۵-۳-۱ مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد بین سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معنادار است، در واقع، میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار از دانش‌آموزان غیر ورزشکار بالاتر است. همچنین با توجه به نظریه گلاس (۱۹۶۵) که معتقد است مشکل انسان‌ها و نابهنجاری‌های آنها از نپذیرفتن مسئولیت است زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت صحیح و انسان دوستانه ارضا کنند، این‌گونه تبیین می‌شود که دانش‌آموزان ورزشکار در مقایسه با دانش‌آموزان غیر ورزشکار دارای قدرت مسئولیت‌پذیری بالاتری می‌باشند و در واقع پذیرش مسئولیت، خود یکی از عوامل مؤثر در موفقیت می‌باشد.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش هلیسون و همکاران (۲۰۰۳)، نیومن و همکاران (۱۹۸۰)، سینگر و سینگر (۱۹۸۰)، سیلوا (۱۹۸۴)، مسنر (۱۹۹۲)، استفان (۲۰۰۲)، نظری نفوتی (۱۳۹۱)، یگانه و همکاران (۱۳۹۱)، نوفرستی (۱۳۸۹) و نریمانی (۱۳۸۵) همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های این

تحقیقات، مشارکت در فعالیتهای ورزشی نقش چشم‌گیری در افزایش مسئولیت‌پذیری افراد دارد و ورزشکاران میزان مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به افراد غیر ورزشکار دارند.

۵-۳-۲ مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار

پژوهش حاضر نشان داد بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار در سطح تعهد درونی (مسئولیت-پذیری فردی) تفاوت معنادار است و ورزشکاران از نظر میزان مسئولیت‌پذیری فردی در سطحی بالاتر از دانش‌آموز غیر ورزشکار قرار دارند اما در سطح تعهد بیرونی تفاوت معنی داری بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مشاهده نگردید. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان دریافت که رشد اخلاقی دانش‌آموزان ورزشکار بالاتر و بیشتر از دانش‌آموزان غیرورزشکار است. این نتایج با تحقیقات رایت و همکاران (۲۰۰۸)، نظری‌نفوتی (۱۳۹۱)، نوفرستی (۱۳۸۹)، نریمانی (۱۳۸۵) همخوانی دارد. در واقع این تحقیقات نشان دادند که ورزشکاران هم از نظر خصوصیات فردی و هم اجتماعی در سطح بالاتری نسبت به افراد غیر ورزشکار و غیرفعال قرار دارند. حضور مستمر و منظم افراد در برنامه‌های ورزشی می‌تواند در ویژگی‌های فردی آنان اثرگذار باشد و باعث بهبود در کنترل خلق و خو، رفتار فردی، مسئولیت فردی و خصوصیات از این قبیل شود. ضمناً، این فعالیت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز روابط اجتماعی مثبت، تعاملات اجتماعی بالاتر، برون‌گرایی، بهبود و افزایش حس همدردی و دلسوزی آنان شود و در بعد اجتماعی آنان نیز تأثیر گذار باشد (اتقیاء، ۱۳۸۴؛ نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۹؛ نریمانی، ۱۳۸۵ و رایت و همکاران، ۲۰۰۷). ورزش پدیده‌ای است چندوجهی که ارزش‌ها و انتظارات را به تدریج تغییر می‌دهد. ورزش نه تنها در سازگاری شخصی و بلکه با مرور زمان و به تدریج می‌تواند در سازگاری اجتماعی افراد مشارکت‌کننده، مؤثر باشد (نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۷). هدف اصلی تربیت‌بدنی و فعالیتهای ورزشی سالم، توسعه و تکامل رفتار آدمی در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی آن است. بنابراین نوجوانان علاوه بر برخورداری از ثبات فردی (رشد فردی)، اگر بخواهند در این دنیا که تغییرات بسیار سریع را پشت سر می‌گذارند به ثبات اجتماعی برسند، نیازمند یادگیری همکاری، حمایت و کمک به دیگران و پذیرش مسئولیت هستند (حلاجی، ۱۳۸۹). اما در تعهد بیرونی

(مسئولیت‌پذیری اجتماعی) تفاوت معناداری بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار مشاهده نشده است که شاید احتمالاً یکی از دلایل عدم تفاوت در سطح تعهد بیرونی بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار این باشد که دانش‌آموزان غیرورزشکار هم به اندازه ورزشکاران در ارتباط مستقیم با دوستان و اجتماع در بیرون از محیط خانواده در کارهای تیمی و گروهی مشارکت دارند و به تمرین انجام وظایف محوله و پذیرش مسئولیت در حیطه فرهنگی، آموزشی و پرورشی می‌پردازند.

همچنین این یافته‌ها با نتایج تحقیقات، امیر تاش (۱۳۸۵)، خادمی (۱۳۸۵)، فرخی و سیدزاده (۱۳۸۰)، پرانک و همکاران (۱۹۹۵)، بنتون و سیرلاوی (۱۹۹۲) که به نقش ورزش در رشد اجتماعی-اخلاقی معتقدند و همچنین نتایج تحقیقات لندرز و لندرز (۱۹۷۸)، کیتانیمی و نوپونن (۱۹۸۷)، دبی و جیل (۱۹۹۰)، کربی (۱۹۹۷)، بردمایرز و همکاران (۲۰۰۳)، شید (۱۹۸۷)، فریزر (۲۰۰۵) همخوانی دارد که بر نقش تربیت‌بدنی در رشد ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند.

تحقیقات متعدد بر نقش ورزش و فعالیت‌های حرکتی بر توسعه خود انضباطی، مسئولیت‌پذیری، تعهد و وظیفه‌شناسی در فعالیت‌ها، جلوگیری از انحرافات رفتاری و اخلاقی تأکید کرده‌اند (اتقیاء، ۱۳۸۴؛ خادمی، ۱۳۸۵ و یگانه، ۱۳۹۱). به عقیده هلیسون (۲۰۱۰)، ریچاردسن (۱۹۸۴).

این نتایج با تحقیقات رضانی‌نژاد (۱۳۷۲)، استونسون (۱۹۷۵) و لیکر (۲۰۰۰) هارتمن (۲۰۰۳)، تنینگ (۱۹۹۳) همخوانی دارد. این محققان، آثار اجتماعی شدن و رشد اخلاقی در ورزش و برنامه‌های تربیت‌بدنی را بسیار ضعیف می‌دانند و ضمناً معتقدند که فعالیت‌های ورزشی می‌توانند زایل‌کننده خصوصیات اخلاقی-اجتماعی افراد مشارکت‌کننده نیز باشند. در واقع، تحقیقات نشان دادند که همیشه ورزش بر سلامت روان اثر مثبتی نداشته است و می‌تواند دارای آثار سوء باشد (استونسون، ۱۹۷۵؛ تنینگ، ۱۹۹۵؛ لاکر، ۲۰۰۰ و رضانی‌نژاد، ۱۳۷۲). در این رابطه باید بیان کرد که آثار مثبت ورزش و تربیت‌بدنی برای رشد اجتماعی-اخلاقی افراد بسیار بالاتر از نتایج منفی آن است (گوردون، ۲۰۰۷ و توماس و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین به نظر می‌رسد چنین عواقبی بیشتر در زمینه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی باشند. در این سطح از برنامه‌های ورزشی، به دلیل اهمیت کسب پیروزی و

جلوگیری از شکست و باخت در مسابقات، در بسیاری از موارد به اصول اخلاقی توجه چندانی نشده و حتی این ارزش‌ها نادیده گرفته می‌شوند. با توجه به روند کنونی در این ورزش‌ها، ارزش‌های اخلاقی در آنها رو به افول است (طالبیان‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷).

۵-۳-۳ مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر

از یافته‌های دیگر پژوهش حاضر این بود که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر، تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نمرات پسران بیشتر از دختران می‌باشد. پسران به دلیل برتری در روابط اجتماعی و برون‌گرایی بیشتر، نسبت به دختران در برقراری تعاملات اجتماعی، مردم‌آمیزی و حمایت از دیگران بهتر عمل می‌کنند، در نتیجه برای کمک به دیگران و مشارکت با آنان در فعالیت‌ها و پذیرش مسئولیت مشتاق‌تر هستند (نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات، باقری (۱۳۹۰) و فیشر (۱۹۹۸) همخوانی ندارد.

باقری (۱۳۹۰) به این نتیجه رسید که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و دختران نسبت به پسران مسئولیت‌پذیرتر هستند، احتمالاً یکی از دلایل عدم همخوانی نتایج تحقیق باقری با پژوهش حاضر تفاوت در فرهنگ و سبک زندگی آزمودنی‌های دو تحقیق باشد، چون تحقیق باقری در شهر تبریز انجام پذیرفته که از لحاظ فرهنگ و سبک زندگی متفاوت از فرهنگ و سبک زندگی مردم شمال کشور می‌باشند.

فیشر (۱۹۹۸) معتقد است که بین میزان مسئولیت‌پذیری در زنان و مردان براساس نوع مسئولیتی که قبول می‌کنند تفاوت وجود دارد. زنان معمولاً در ابعاد عاطفی و ارتباط بین‌فردی مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند، اما مردان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی از مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به زنان برخوردارند. با این حال ایشان اشاره می‌کنند که این تفاوت‌ها به صورت فردی مطرح است و کل جامعه زنان و مردان را شامل نمی‌شود. شیری (۱۳۸۰) در تحقیقاتی که بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اهواز با استفاده از مقیاس مسئولیت‌پذیری کالیفرنیا (CPI-R) روی ۲۸۰ نفر از

دانشجویان دختر و پسر انجام داد به این نتیجه دست یافت که بین مسئولیت‌پذیری دختران و پسران تفاوت معناداری مشاهده نشده است. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر و عدم همخوانی این نتایج با یافته‌های سایر محققان که ذکر شد، شاید یکی از دلایل عدم همخوانی، تفاوت سن آزمودنی‌ها در تحقیقات فیشر (۱۹۹۸) و شیری (۱۳۸۰) باشد زیرا تحقیقات شیری بر روی دانشجویان و تحقیقات فیشر بر روی زنان و مردان بزرگسال انجام شده است، همچنین یافته‌های تحقیقات کردلو (۱۳۸۷)، فرهادی (۱۳۸۵)، نشان دادند که بین مسئولیت‌پذیری دختران و پسران تفاوت وجود ندارد. با توجه به اینکه فرهادی (۱۳۸۵) تحقیقات خود را بر روی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی انجام داده، احتمالاً یکی از دلایل اصلی عدم همخوانی نتایج دو تحقیق ناشی از این عامل باشد و همچنین استفاده از پرسشنامه‌ای متفاوت، همچنین دلیل احتمالی عدم همخوانی نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق کردلو (۱۳۸۷) استفاده از پرسشنامه متفاوت می‌باشد، چون در تحقیق کردلو میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در مدرسه و منزل مورد مطالعه قرار گرفته است.

۵-۳-۴ مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار

از نتایج دیگر پژوهش حاضر این بود که بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معناداری وجود دارد و دختران ورزشکار نسبت به دختران غیر ورزشکار در سطوح بالاتری قرار دارند. در واقع دختران ورزشکار از نظر سطح تعهد درونی و تعهد بیرونی نمرات بالاتری دریافت نمودند. این یافته با تحقیقات نظری نفوتی (۱۳۹۱) و سیدزاده (۱۳۸۱) که بالا بودن میزان مسئولیت‌پذیری دختران ورزشکار پایه سوم راهنمایی را تأیید کرده است، همخوانی دارد (سیدزاده و فرخی، ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد به دلیل عوامل و حتی محدودیت‌های مختلف در عرصه ورزش برای دختران، موانع بیشتری (از لحاظ فرهنگی، خانوادگی و غیره) برای حضور و مشارکت بیشتر آنان وجود دارد (نریمانی، ۱۳۸۵)، لذا می‌توان چنین استنباط نمود که دخترانی که با وجود این موانع در فعالیت‌های ورزشی مشارکت فعال و مستمر دارند به دلیل تمایل و تعهد بیشتر به این برنامه‌ها، از آثار اخلاقی و اجتماعی آن بهره بیشتری می‌برند. همچنین، دختران ورزشکار به دلیل حضور در برنامه‌های

ورزشی که بستر مناسبی برای تعاملات و روابط اجتماعی آنان می‌باشد در برابر بسیاری از آثار منفی ناشی از کم‌حرکی و عدم تمایل به فعالیت‌های ورزشی که در بین دختران غیرفعال (غیر ورزشکار) شایع است مصون می‌مانند. از طرفی نریمانی (۱۳۸۵) بیان می‌کند شرکت در فعالیت‌های ورزشی به طور مثبت با رشد مهارت‌های بین‌فردی، ارتباط با همسالان و توانایی‌های رهبری، انگیزه پیشرفت، بهزیستی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و به ویژه تعهد و التزام دانش‌آموزان به عملکرد تحصیلی بالا مرتبط است. این موضوع نشان می‌دهد که به طور کلی، دختران ورزشکار در خصوصیاتمانند خویشنداری، پشتکار، استقلال، مهارت‌های اجتماعی که مؤلفه‌های اصلی سطوح مسئولیت‌پذیری هستند بالاترند.

۵-۳-۵ مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار

پژوهش حاضر مشخص کرد بین میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با تحقیقات امیر تاش (۱۳۸۵) روی پسران در مدارس راهنمایی که بر بالا بودن خصوصیاتمانند مسئولیت‌پذیری، تسلط بر خود، مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، روابط و تعاملات بین‌فردی در پسران ورزشکار تأیید کرده است همخوانی ندارد، که احتمالاً یکی از دلایل عدم همخوانی سن آزمودنی‌ها در تحقیق امیر تاش باشد، همچنین ابعاد مسئولیت‌پذیری در تحقیق امیر تاش متفاوت از ابعاد پژوهش حاضر می‌باشد. همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش نظری نفوتی (۱۳۹۱) که بر بالا بودن میزان سطوح مسئولیت‌پذیری، توجه به دیگران، احترام و تلاش دانش‌آموزان پسر ورزشکار نسبت به غیر ورزشکار دلالت دارد، همخوانی ندارد. شاید یکی از دلایل عدم همخوانی نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر به این دلیل باشد که پژوهش مذکور بر روی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و همچنین از دیدگاه والدین و معلمان مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۳-۶ مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر

از یافته‌های دیگر این پژوهش این بود که بین تعهد درونی (مسئولیت‌پذیری فردی) دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد و پسران در سطح بالاتری نسبت به دختران قرار دارد اما در تعهد بیرونی (اجتماعی) تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشده است. در این رابطه باید بیان کرد که در تحقیقات مختلف، نتایج متفاوتی در مورد نقش تفاوت‌های جنسیتی در میزان مسئولیت‌پذیری افراد مشاهده شده است.

نظری نفوتی (۱۳۹۱) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافته که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر سطوح مسئولیت‌پذیری از قبیل تعهد درونی و بیرونی، توجه به دیگران، احترام و تلاش تفاوت معناداری وجود دارد و دختران از نظر سطوح مسئولیت‌پذیری فردی بالاتر از پسران بودند ولی در سطوح مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران نسبت به دختران در سطحی بالاتر قرار دارند این یافته‌ها عکس یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد که احتمالاً به دلیل تفاوت در ماهیت آزمودنی‌ها و ابزار پژوهش می‌باشد. وجود تفاوت در میزان مسئولیت‌پذیری دختران و پسران، از تحقیقات فیشر (۱۹۹۸) به دست آمده است.

فیشر (۱۹۹۸) معتقد است که بین میزان مسئولیت‌پذیری در زنان و مردان براساس نوع مسئولیتی که قبول می‌کنند تفاوت وجود دارد. زنان معمولاً در ابعاد عاطفی و ارتباط بین‌فردی مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند، اما مردان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی از مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به زنان برخوردارند. با این حال ایشان اشاره می‌کنند که این تفاوت‌ها به صورت فردی مطرح است و کل جامعه زنان و مردان را شامل نمی‌شود.

در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد که زنان در مسئولیت‌های مربوط به انجام وظایف منزل، مسئولیت‌هایی که در ارتباط با خویشاوندان و نزدیکان است نمره بالاتری از مردان گرفتند و مردان در انجام مسئولیت‌های بزرگتر مانند رئیس مدرسه، شهرداری یک ایالت نمره بهتری گرفتند (به نقل از سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳). می‌توان بیان کرد به دلیل ساختار فرهنگی خانواده‌های ایرانی، اصولاً وظایف بیشتری

بر عهده پسران گذاشته می‌شود و از این نظر به پسران برای مشارکت در وظایف محوله در خانه مسئولیت بیشتری نسبت به دختران واگذار می‌شود و همین امر باعث بالا رفتن میزان مسئولیت-پذیری و مشارکت پسران در کارهای خانواده (از وظایف خانوادگی) می‌شود (نوفرستی و همکاران، ۱۳۸۹). سروش در پژوهشی در سال (۱۳۹۰) نشان داد بین دختران و پسران از لحاظ پذیرش مسئولیت فردی و اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نوفرستی (۱۳۸۹) در تحقیقات خود نشان داد دختران در سطح مسئولیت‌پذیری فردی بالاتر از پسران هستند که با یافته‌های پژوهش ما همخوانی ندارد.

۴-۵ پیشنهادها

۱-۴-۵ پیشنهادهای کاربردی

✓ باتوجه به بالاتر بودن سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار نسبت به دانش‌آموزان غیر ورزشکار، پیشنهاد می‌شود که مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی کشور به ویژه در حوزه آموزش و پرورش و همچنین مدیران و به‌خصوص معلمان تربیت‌بدنی مدارس به غنی‌سازی برنامه‌های ورزشی و کلاس‌های تربیت‌بدنی در مدارس توجه بیشتری نموده و زمینه گسترش و توسعه هر چه بیشتر فعالیت‌های ورزشی را فراهم آورند.

✓ با توجه به سطوح پایین مسئولیت‌پذیری در نوجوانان غیر ورزشکار و غیرفعال، به علل و عوامل مؤثر بر عدم تمایل آنها به فعالیت‌های ورزشی توجه شده و برای رفع آنها برنامه‌ریزی شود.

✓ با توجه به بالاتر بودن میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر نسبت به دانش‌آموزان دختر پیشنهاد می‌شود با فراهم کردن موقعیت‌های بیشتر برای دختران در مدرسه (به‌ویژه در کلاس تربیت‌بدنی) برای شرکت در فعالیت‌های گروهی و دادن مسئولیت و محول کردن برخی از کارها به آنها به افزایش میزان مسئولیت‌پذیری آنها کمک گردد.

✓ با توجه به اینکه میزان مسئولیت‌پذیری دختران ورزشکار در سطحی بالاتر از دختران غیر ورزشکار قرار دارد و دانش‌آموزان دختر ورزشکار نسبت به غیر ورزشکار دارای مسئولیت-پذیری بیشتری می‌باشند، این موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً حضور ورزشکاران در تیم-های ورزشی و باشگاه‌ها و ارتباط بیشتر آنها با افراد جامعه موجب پذیرش بیشتر مسئولیت-پذیری آنها نسبت به غیر ورزشکاران می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود والدین، مدیران آموزشی و معلمان ورزش ترتیبی اتخاذ کنند تا موانع حضور دانش‌آموزان دختر غیر ورزشکار جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی و گروهی برطرف گردد تا این دانش‌آموزان با بر عهده گرفتن وظایف محوله به تمرین مسئولیت‌پذیری بپردازند تا در آینده فردی مفید برای جامعه باشند.

۲-۴-۵ پیشنهادهای پژوهشی

✓ بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار بیشتر از دانش‌آموزان غیر ورزشکار بوده که نشان می‌دهد ورزش و فعالیت‌های ورزشی نقش مؤثری در رشد مسئولیت‌پذیری نوجوانان دارد، لذا پیشنهاد می‌شود در یک پژوهش نیمه تجربی و کنترل‌شده، اثرات برنامه‌های ورزشی در یک دوره مشخص زمانی بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان در ابعاد و سطوح وسیع‌تری بررسی شود.

✓ با توجه به سطوح پایین مسئولیت‌پذیری در نوجوانان غیر ورزشکار و غیرفعال، پیشنهاد می‌شود این موضوع به طور دقیق‌تر با توجه به عوامل اثرگذار در این زمینه و همچنین علل عدم مشارکت ورزشی آنان بررسی شود.

✓ این پژوهش بر روی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر ساری انجام گرفته لذا پیشنهاد می‌شود این موضوع در دیگر شهرهای استان نیز مورد بررسی قرار گیرد تا نتیجه آن در یک جامعه وسیع‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- اتقیاء، ناهید. (۱۳۸۴). "نقش فعالیت‌های ورزشی در پیشگیری و مقابله با انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان ایرانی". **مجله نیرو و نشاط**، شماره ۱۴، ص ۳۰-۴۸.
- احمدی، س. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نوع دوستی". مجموعه مقالات همایش ملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- اسدی، ح.، احمدی، م. (۱۳۷۹). "مقایسه سلامت روانی دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار دبیرستان‌های شهرستان سنندج". **مجله حرکت**، دوره ۵، شماره ۵، ص ۴۹-۸۴.
- امیر تاش، ع.، سبحانی نژاد، م.، عابدی، ا. (۱۳۸۵). "مقایسه رشد اجتماعی دانش آموزان ورزشکار و غیر پسر ورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی". **فصلنامه المپیک**، سال چهاردهم، شماره ۲، ص ۵۳-۶۱.
- ایمان، م. ت.، مرادی، گ. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و رفتارهای مطلوب اجتماعی جوانان". مجموعه مقالات همایش ملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- آقاپور، م. جمشیدیها، غ. فرخی، ا. (۱۳۸۴). "بررسی فراتحلیل تعامل رشد حرکتی و اجتماعی". **مجله حرکت**، شماره ۲۷، ص ۱۵۳-۱۷۱.
- بابایی، ی. (۱۳۸۸). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. "بررسی نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری جوانان". دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- باقری، ر. (۱۳۹۰). "رابطه انگیزه پیشرفت با مسئولیت‌پذیری دانش آموزان دبیرستان‌های شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹". مجموعه مقالات همایش ملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- برک، ل. (۱۳۸۶). "روانشناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)". ترجمه محمدی، س. نشر ارسباران.
- بروین، ک. (۱۳۷۶). "بنیادهای شناختی روان‌شناسی بالینی". ترجمه علیلو، م. م. بخشی‌پور، ع. انتشارات روان پویان، تبریز.
- پاشا، غ. (۱۳۷۸). طرح پژوهشی: "بررسی رابطه تربیت خانوادگی والدین و میزان مسئولیت‌پذیری دانش آموزان دوره راهنمایی شهرستان اهواز". دانشگاه آزاد اهواز.
- تیموری، ل. (۱۳۸۲). پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. "بررسی آموزش اهداف حیطه عاطفی در برنامه درسی دوره ابتدایی". دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حریری، ف. (۱۳۸۶). پایان‌نامه کارشناسی ارشد: "مقایسه احساس گناه، بلوغ اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بین نوجوانان بزهکار و عادی شهر اهواز". دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

- حلاجی، م. (۱۳۸۹). "راهبردهای توانمند در آموزش تربیت‌بدنی (حیطه عاطفی)". **مجله رشد آموزش تربیت‌بدنی**، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۳۵-۲۹.
- خادمی، ع. (۱۳۸۵). مقایسه رشد اجتماعی نوجوانان ورزشکار و غیر ورزشکار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت‌بدنی، دانشگاه گیلان.
- خدابخشی، م. عابدی، م. (۱۳۸۸). "بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴". **فصلنامه مطالعات روان‌شناختی**، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۳۷.
- خدیوی، ا. الهی، ا. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد". **مجله زن و مطالعات خانواده**، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۶۰-۳۷.
- خواجه نوری، ب. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی نوجوانان دبیرستانی شهر شیراز". **مجله جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال پنجم، شماره چهارم، ص ۶۴-۴۵.
- خوشبین، ی. (۱۳۹۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد: "بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر همدان". دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- خیر، م. البرزی، ش. (۱۳۸۲). "مقایسه ارزشیابی رفتار دانش‌آموز توسط والدین، معلم و خود او". **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، شماره ۱، ص ۲۷-۱۶.
- رفعتیان، ع. (۱۳۸۴). **مسئولیت‌پذیری**. انتشارات قطره، تهران.
- رضانی دیسفانی، ع. (۱۳۸۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد "اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران هویت دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان". دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- رضانی‌نژاد، ر. (۱۳۸۶). "تربیت‌بدنی در مدارس". چاپ سوم، انتشارات سمت، فصل ۱۰، ص ۲۴۰-۲۳۱.
- رضانی‌نژاد، ر. (۱۳۸۶). "اصول و مبانی تربیت‌بدنی". چاپ اول، انتشارات بامداد کتاب، تهران، ۳۴۸-۳۵۳.
- رضانی‌نژاد، ر. تبریزیان، ع. (۱۳۸۴). "مدل‌های آموزشی عاطفی- اجتماعی تربیت‌بدنی در مدارس". **نشریه ورزش و ارزش**، شماره ۱۷۴، ص ۲۳-۲۰.
- سبجانی‌نژاد، م. فردانش، ه. (۱۳۷۹). "مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی". **نشریه مدرس**، شماره ۱، ص ۹۵-۱۱۴.

- سروش، م. (۱۳۹۰). "احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگر خواهی و اعتماد اجتماعی". مجموعه مقالات همایش ملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- سعادت‌شامیر، ا. (۱۳۸۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد: "بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت روان‌سنجی (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگمی/اجتنابی) با سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه‌های تهران". دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- سیدزاده، س. فرخی، ا. (۱۳۸۱). "بررسی و ارتباط بین رشد حرکتی و رشد اجتماعی در دانش‌آموزان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار سوم راهنمایی منطقه ۶ تهران". نشریه علوم ورزشی و حرکتی، شماره ۱، ص ۹۶-۸۳.
- سیف، س. کدیور، پ. کرمی، ن. لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۳). "روانشناسی رشد (۱)". سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ شانزدهم.
- شعاری‌نژاد، ع. ا. (۱۳۸۱). "روانشناسی رشد (۱)". انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- شعاری‌نژاد، ع. ا. (۱۳۸۱). "نظریه‌های رشد در روان‌شناسی رشد و تکامل انسان". نشر آستان قدس رضوی.
- شعاری‌نژاد، ع. ا. (۱۳۷۳). "روان‌شناسی رشد". انتشارات اطلاعات، چاپ یازدهم، تهران.
- طالبیان‌نیا، ح. مظفری، ا. مرتضائی، ب. (۱۳۸۷). "بررسی وضعیت توسعه رفتار اخلاقی در ورزش قهرمانی کشور و ارائه راهکار". مجله حرکت، شماره ۳۷، ص ۱۹۱-۱۷۱.
- عابدینی، ا. (۱۳۸۶). "فرزندان و مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی". انتشارات عابد، تهران.
- عالی، آ. (۱۳۸۷). "تأثیر ویژگی‌های معلم بر سبک مدیریت کلاس". فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۴، ص ۳۷-۴۵.
- عرب‌عامری، ا. احسانی، ش. دهخدا، م. سیاح، م. (۱۳۸۸). "بررسی ارتباط بین وضعیت سلامت عمومی، شیوع افسردگی و شاخص توده بدنی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار دختر و پسر دانشگاه تهران". رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی، شماره ۳، ص ۹۷-۸۳.
- عنایت، ح. قاسمی تیتکان، ف. (۱۳۹۰). "مطالعه رابطه استفاده از اینترنت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان". مجموعه مقالات همایش ملی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- فرهادی، ش. (۱۳۸۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد: "بررسی تأثیر فعالیت در شورای دانش‌آموزی بر عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس راهنمایی (عادی-دولتی) شهرستان کرج در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳". دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- کاظمی، ن. (۱۳۷۵). "یادگیری و مسئولیت‌پذیری". مجله تربیت، ویژه تابستان، ص ۱۰۷-۱۰۴.

- کردلو، م. (۱۳۸۷). "بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه".
مجله رشد مشاور مدرسه، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۱-۴.
- کریمی، ع. (۱۳۸۵). "روانشناسی رشد مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک با تأکید بر رویکردهای تحولی". انتشارات عابد.
- گلاس. (۱۳۸۴). "مدارس بدون شکست". ترجمه ساده، ج. انتشارات رشد.
- ماسن، پ، ه. کیگان، ج. هوستون، آ، ک. کانجر، ج، و. (۱۳۸۶). "رشد و شخصیت کودک". ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز. چاپ دهم، تهران.
- مهدوی، ا. عنایتی، م، ص. نیسی، ع. (۱۳۸۹). "بررسی اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری بر عزت‌نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه". مجله یافته‌های نو در روانشناسی، ص ۱۳۱-۱۱۷.
- میشل، م. گیبسون، ر. (۱۳۸۶). "زمینه‌های مشاوره و راهنمایی". ترجمه ثنائی ذاکر و همکاران، موسسه انتشارات رشد، چاپ اول، تهران.
- میکائیلی، ف. (۱۳۸۹). "بررسی مسئولیت‌پذیری، رضایت از زندگی، روحیه همکاری، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی و روزانه استان آذربایجان غربی در دو مقطع راهنمایی و متوسطه و مقایسه آنها". مجله علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۴، ص ۶۱-۸۸.
- نریمانی، م. ابوالقاسمی، ع. برهمند، ا. زرار، م، ا. (۱۳۸۵). "مقایسه سرسختی روان‌شناختی، سبک‌های تفکر، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار". پژوهش در علوم ورزشی، شماره یازدهم، ص ۷۷-۵۹.
- نظری‌نفوتی، س. (۱۳۹۱). پایان‌نامه کارشناسی ارشد "مقایسه سطوح مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار پایه سوم راهنمایی شهر رشت از دیدگاه والدین و معلمان". دانشکده تربیت-بدنی، دانشگاه گیلان.
- نوفرستی، ا. حمیدپور، ج. دروگر، خ. (۱۳۸۹). "مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار". فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، شماره ۲، ص ۱۰۰-۸۷.
- وادزورث، ب، ج. (۱۳۷۸). "روانشناسی رشد تحول شناختی و عاطفی از دیدگاه پیاژه". ترجمه صالحی، ج. یزدی، ا، ا. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- هلیسون، د. (۱۳۹۰). "اهداف و راهبردها در آموزش تربیت‌بدنی: روش تدریس تربیت‌بدنی مدل عاطفی-اجتماعی". ترجمه محسن حلاجی، انتشارات بامداد کتاب، چاپ اول، تهران.

- همتی علمدارلو، ق. رضایی دهنوی، ص. تیموری، م، م. (۱۳۹۲). "مقایسه مسئولیت پذیری بین خواهران و برادران دانش آموز با کم توانی ذهنی و عادی شهر شیراز". **فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی**، سال سوم، شماره ۹، ص ۷۴-۵۷.
- یگانه، ط. حسین خانزاده، ع. (۱۳۹۱). "بررسی مقایسه ای مشکلات رفتاری کودکان ورزشکار و غیر ورزشکار". **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان**، شماره ۱۷، ص ص ۲۹-۱۷.
- Andre M. H. (2010). "Analyzing the Learning of the Taking Personal and Social Responsibility Model within a New Physical Education Undergraduate Degree Program in EI Salvador, Master degree thesis, Faculty of applied health science". Brock University.
- Argyris C. (2000). "Flawed Advice and the Management trap. How Manegers can know when Theyrs getting good advice and when theyrs not". Oxford univercity press.
- Bredemeier B. J. (1995). "Divegence in childrens moral reasoning about issues hn daily life and sport specific contexts". **International Journal of Sport Psychology**, 26, 453-467.
- Buchanan A. (2001). "Contextual challenges to teaching responsibility in a sports camp". **Journal of Teaching in Physical Education**, 20. 2, 155-182.
- Carnoy M., R. and Siskin L. (Eds). (2013). "The new acciuntability: High-schools and high-stakes testing". Routledge.
- Colburn K. (1986). "Deviance and legitimacy in ice hockey: a microstructural theory of deviance". **The Sociological Quarterly**, 27, 63-74.
- Crawly A. (2006). "Oxford Elementary Learnre`s Dictionary" Oxford University Press.
- Dalleck L, C, and Kravitz L. (2002). "The history of fitness". **IDEA Health and Fitness Source**, 20. 2, 26-33.
- Donavan D. T., Brown T. J., and Mowen, j. c. (2004). "Internal benefits of service-worker customer orientation: job satisfaction, commetment, and organizational citizenship behaviors". **Jornal of marketing**, 128-146.
- Fletcher T. (2009). "Elementary physical education: fitness sessions or whole-child development? Canadian journal for new scholars in education". 2, 1.
- Fraser-Thomas J, L, Cote J, and Deakin, J, (2005). "Youth sport programs: An avenue to foster positive youth development". **Physical Education & Sport Pedagogy**, 10. 1, 19-40.
- Gordon B, (2007). Phd. Thesis, "An examination of the responsibility model in a New Zealand secondary school physical education program". Massey University, Palmerston, New Zealand.
- Greendorfer S. (1987). "The social and psycho-social correlates of organised physical activities". **Journal of Physical Education, Recreation and Dance**, 58. 7, 59-64.
- Hagenbach S. (2010). "Teaching Children Responsible Behavior: A Complete Toolkit: Human Kinetics".

- Hellison D, and Walsh D. (2002). “Responsibility-Based Youth Programs Evaluation: Investigating the Investigators”. *Quest*, 54. 4, 292-307.
- Hellison D, and Wright P, (2003). “Retention in an Urban Extended Day Program: A Process-Based Assessment”. **Journal of Teaching in Physical Education**, 22. 4, 361-381.
- Hellison D, (2003). “Teaching Responsibility through Physical Activity”. Champaign, IL: Human Kinetics.
- Hellison D. (2010). “Teaching personal and social responsibility through physical activity: Human Kinetics Publishers”.
- Hellison D, R, (1985). “Goals and strategies for teaching physical education”. Champaign, IL: Human kinetics.
- Hextall I.. and Mahnoy P. (2013). “Reconstructing teaching: Standards, performance and accountability” Routledge Justice L K. (2003. **Reality Therapy: William Glasser**, Available Internet: (http://www.personal.kent.edu/~lkjusti1/Choice_Theory/Reality%20Therapy.htm).
- Laker A. (2000). **Beyond the Boundaries of Physical Education**, London; New York: RoutledgeFalmer.
- Lewis-Timothy J. sugai-George. colvin-Geoff. (1998). **Reducing Problem Behavior through a school-wide social skill, train in program and a contextual intervention**, *School-psychology*, 1727. 59-446.
- Lund J. Tannehill D. (2005). **Standards-based physical education curriculum development**, Jones and Bartlett.
- March A. F. (2011). **Theocrats Living under Secular Law: An External Engagement with Islamic Legal Theory**. *Journal of Political Philosophy* . 19(1), 28-51.
- Martinek T. (2003). **Enhancing positive youth development through sport**, *Paper presented at the Greek Forum Minutes College Of Physical Education*. 31 May - 1 June 2003, greece.
- Martinek T. Schilling T. & Johnson D. (2001). **Transferring personal and social responsibility of underserved youth to the classroom**, *The Urban Review*. 33(1), 29-45.
- Maslow A H. (2001). **The farther reaches of human nature**, *j. Transfers. Psycho.* 1 , 1-10.
- Nelson D. & Bianco C. (2013). **Increasing Student Responsibility And Active Learning In An Undergraduate Capstone Finance Course**. *American Journal of Business Education (AJBF)*. 6(2), 267-278.

- Newman F. Rutter M. Robert A. (1983). **The effects of high school community service programs on students social development**, Final report, National inst Of education, washangton, DC, Us, Consion.
- Overton S S. (1997). **The forgotten intervention: How to design environments that foster friendships**, Reaching Today's Youth. 2(1), 6-10.
- Parker M. & Hellison D. (2001). **Teaching Responsibility in Physical Education: Standards, Outcomes, and Beyond**. Journal of Physical Education Recreation and Dance. 72(9), 25-27.
- Plante T G. & Rodin J. (1990). **Physical fitness and enhanced psychological health**, Current Psychology. 9(1), 3-24.
- Prusak K. Treasure D. Darst P. & Pangrazi R. (2004). **The Effects of Choice on the Motivation of Adolescent Girls in Physical Education**, Journal of Teaching in Physical Education. 23(1), 19-29.
- Responsibility, [http:// www.k12.hi.us/~mkunimit/responsibility.htm](http://www.k12.hi.us/~mkunimit/responsibility.htm).
- Sage G. (1998). **Does Sport Affect Character Development in Athletes?** Journal of Physical Education Recreation and Dance. 69(1), 15-18.
- Salamuddin N. (2001). **Effectiveness Of Responsibility Model For Personal And Social Development In Physical Education**, Phd thesis , Deputy Dean of Graduate School, FUniversiti Putra Malaysia.
- Sharf R. (1996). **Theories of psychotherapy and counseling**, Newyork: International thomson pub.
- Sharpe T. Brown M. & Crider K. (1995). **The Effects of a Sportsmanship Curriculum Intervention on Generalised Positive Social Behaviour of Urban Elementary School Students**, Journal of Applied Behaviour Analysis. 28(4), 401-416.
- Shields D. & Bredemeier L. (2003) . **Moral Reasoning in the Context of Sport** [Web Page], URL tiger.uic.edu/~Inucci/MoralEd/shieldssport.html.
- Siedentop D. (2002). **Sport Education: A Retrospective**, Journal of Teaching in Physical Education. 21(4), 409-419.
- Silva J M. (1984). **The status of sport psychology: A national survey**, Journal of Physical Education, Recreation and Dance. 53(7), 46-59.
- Singer D. & Singer E. (1980). **Imaginative play in preschoolers: some research and theoretical implications**, Paper preseted at the meeting of the American psychological Association, Montreal.

- Stephens J. (2002). **Physical activity, mental health and personality trait in the USA and Canada:** Evidence from four population surveys, Journal of sport behavior. 20(4), 465-477.
- Stevenson C L. (1975). **socialization effect of participation in sport:** a critical review of the research, The Research Quarterly Exercise and Sport. 46(3), 587-301.
- Stiehl J. (1993). **Becoming Responsible- Theoretical and practical considerations.** Journal of Physical Education Recreation and Dance. 64(5), 38-45.
- Stoll S. & Rudd A. (2004). **What Type of Character Do Athletes Possess?.** The sport journal, volume 7, number 2.
- Wright P M. & Burton s. (2008). **Implemenation and outcomes of a responsibility-based physical activity program integrated into an intact high school physical education class,** journal of teaching in physical education. 27, 138-154.
- Wright P M. Rukavina P B. Li w. pickering M . (2007). **Measuring Students' Perceptions of Personal and Social Responsibility and its Relationship to Enjoyment in Urban Physical Education,** American Educational Research Association, 2007 Conference Proceedings, AERA National Conference, Chicago, April 9-13.

پیوست‌ها

بسمه تعالی

پاسخ‌دهنده گرامی

باسلام

بی تردید شناسایی ابعاد مختلف ویژگی‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌تواند باعث شناخت بهتر این گروه از اقشار جامعه شده و همچنین ورود آنها را به عرصه‌های مختلف جامعه تسهیل می‌نماید؛ از این رو از شما عزیزان تقاضا می‌شود پرسش‌نامه ذیل را با دقت مطالعه نموده و آن را تکمیل نمایید.

با تقدیم احترام

کلاشی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود

۱. جنسیت: الف) ☐ پسر ب) ☐ دختر
۲. در چه رشته ورزشی فعالیت می‌کنید؟ (رشته اصلی ورزشی شما)
۳. چند سال در این رشته فعالیت می‌کنید؟.....سال
۴. آیا در طول سال (سال تحصیلی و تابستان) به باشگاه ورزشی می‌روید؟
الف) ☐ بله ب) ☐ خیر
۵. چند جلسه در طول هفته به طور منظم و مداوم ورزش می‌کنید؟ جلسه
۶. در هر جلسه چند ساعت ورزش می‌کنید؟ساعت
۷. در کدام یک از سطوح مسابقات زیر تاکنون شرکت کرده‌اید؟ بالاترین سطح را علامت بزنید.
الف) ☐ قهرمانی شهر یا شهرستان ب) ☐ قهرمانی استان
ج) ☐ مسابقات آموزشگاه‌های استان د) ☐ مسابقات قهرمانی آموزشگاه‌های کشور
ه) ☐ مسابقات ملی و کشوری

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

ردیف	گویه‌ها	کاملاً مخالفم	مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم
۱	همه مدارس علاوه بر کلاس‌های درسی باید کلاس‌های تقویتی تشکیل نمایند.				
۲	وظیفه مسئولین مدرسه است که اموال مدرسه را در صورت خراب شدن تعمیر نمایند.				
۳	وظیفه دانش‌آموزان است که وسایلی که نیاز به تعمیر جزئی دارند را تعمیر نمایند.				
۴	سعی می‌کنم مقررات مدرسه را رعایت کنم، چه مسئولین مدرسه مرا ببینند و چه نبینند.				
۵	لازم است والدین در زمینه‌های درسی که تخصص دارند، به فرزندان کمک نمایند؛ در غیر این صورت امکان افت درسی زیاد است.				
۶	غالباً سر موقع در مدرسه حاضر می‌شوم و نیاز به تذکر دیگران ندارم.				
۷	من غالباً بدون تذکر والدین به مطالعه دروس می‌پردازم.				
۸	لازم است دانش‌آموزان، مستخدمین را در نظافت مدرسه یاری دهند.				
۹	دانش‌آموزان می‌توانند بدون شرکت در کلاس‌های کنکور موفق باشند.				
۱۰	به نظر من شرکت در کلاس‌های کنکور لازمه قبولی در کنکور است.				
۱۱	اگر مدرسه سختگیری نکند، دوست دارم با تأخیر به مدرسه بیایم.				
۱۲	اگر ببینم دانش‌آموزان وسایل مدرسه را تخریب می‌کنند، تذکر می‌دهم.				
۱۳	اگر دوستانم نیاز به کمک درسی داشته باشند، در اولین فرصت آنها را یاری می‌کنم.				
۱۴	معمولاً تکالیف درسی را به طور روزانه انجام می‌دهم.				
۱۵	غالباً تکالیف درسی را به وقت دیگر محوّل می‌کنم.				
۱۶	غالباً تکالیف درسی را در شب امتحان یا لحظات پایانی انجام می‌دهم.				
۱۷	غالباً تکالیف را انجام نمی‌دهم.				
۱۸	درس خواندن در اولویت اول برنامه‌هایم قرار دارد.				
۱۹	درس خواندن در اولویت‌های بعدی برنامه‌هایم قرار دارد.				
۲۰	انگیزه‌ای برای درس خواندن ندارم.				
۲۱	وقت کمی را برای درس خواندن قرار می‌دهم.				
۲۲	اصلاً وقتی را برای درس خواندن قرار نمی‌دهم.				

Abstract

One of the most important components of the social development of students is sense of responsibility. responsibility means that a person perform optimally a thing which is a part of her/his job, role, or legal obligation. Therefore the purpose of this study was the comparison of responsibility levels in athlete and non-athlete students at secondary schools in Sari city.

The statistical population were included all of male and female students who were studying in public secondary schools in Sari (11227 people) at 2016. The sample was selected by utilizing cluster random sampling and the size of sample was identified based on Morgan's table equal with 384, but 425 questionnaires (170 for athlete and 255 for non-athlete) were distributed by reason of probable diminution of subjects and 387 questionnaires (%91) were returned.

The data was gathered by Kordluo's standard questionnaire (1393) for responsibility. This questionnaire have two levels: 1) internal or individual obligation; and 2) external or social obligation. The Validity of questionnaire confirmed by education and management experts and their Reliability determined by Cronbach's alpha test in pilot study which was 0.75 (0.70 for internal and 0.71 for external obligation). Furthermore, the construct validity of questionnaire determined by Confirmatory Factor Analysis using the LISREL software program 8.8.

In order to analyze data, descriptive statistics and inferential statistics, including independent t-test, Mann-Whitney U were used.

Te results showed that there was a positive and significant difference between total responsibility ($t=3.059$) and internal obligation ($z=-3.073$) of Athlete and non-Athlete students; but their external obligation difference was not significant ($z=-1.937$). These results were tru about comparsion of girls and boys as there was a positive and significant difference between total responsibility ($t=1.984$) and internal obligation ($z=-3.854$) of girl and boy students, and there was not significant diference between external obligation of girl and boy students ($z=-0.333$). Also, there was not significant diference between responsibility of athlete and non-athlete boys ($t=0.605$). Moreover, Also, there was significant diference between responsibility of athlete and non-athlete girls ($t=3.683$) as athletes score was better than non-athlates score.

Therefore, it can be concluded that participation in sports activities caus to the development of adolescent students' responsibility. So, it needs to provide adolescent students for participating in sports activities.

Keywords: Responsibility, Internal obligation, External obligation, athlete, non-athlete



Shahrood University of Technology
Faculty of physical education and sports sciences

**Comparing the Responsibility (internal and external Obligation) in
secondary school atheletic and non atheletic Students of sari city**

Aghasi Kalashi

Supervisor:
Dr. Reza Andam

Adviser:
Dr. Hadi Bagheri

September 2016